تحریفات و تصحیفات پیرامون زیارت عاشورا

مولف : مهدی آقابابایی

تحریفات و تصحیفات پیرامون زیارت عاشورا

مشخصات کتاب

سرشناسه : آقابابایی، مهدی، - 1362

عنوان و نام پدیدآور : تحریفات و تصحیفات پیرامون زیارت عاشورا/مهدی آقابابایی

مشخصات نشر: اصفهان: نورالحیات، 01398

مشخصات ظاهری: 214 ص.

شابک: 978-622-96452-1-5

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع: زیارتنامه عاشورا -- تحریف

موضوع: Tenth of muharran prayer* -- Distortion

موضوع: زیارتنامه عاشورا -- نقد و تفسیر

موضوع: Tenth of muharran prayer* -- Criticism, interpretation, etc

رده بندی کنگره: BP271/6

رده بندی دیویی: 297/777

شماره کتابشناسی ملی: 5946846

ص:1

اشاره

تحریفات و تصحیفات

پیرامون زیارت عاشورا

مهدی آقابابایی

تقدیم به :

سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و یاران با وفای حضرت .

فهرست

ص:6

نسخه مرحوم محمد بن علی طبسی رحمه الله 131

صفحه مقابله نسخه طبسی مشهدی 134

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

پندار بعضی از نویسندگان است که از یک قرن قبل به بهانه وحدت جامعه اسلامی ، خواندن زیارت عاشورا را دامن زدن به اختلاف بین شیعه و سنّی دانسته و در صدد برآمدهاند که از راه ضعف سند ، آن را از اعتبار ساقط نمایند .

و برخی هم اظهار داشتهاند این زیارت ، برگشت به تاریخ گذشته و موجب تفرقه بین مسلمانان است و مصلحت در حذف فقرات حاوی لعن بر قاتلان سیدالشهدا علیه السلام میباشد ؛ زیرا مانع وحدت است و ما نباید حدت مسلمین را فدای یک امر تاریخی کنیم . گذشتگان مسئول کار خود میباشند و ما هم مسئول حفظ وحدت مسلمانان هستیم .

در جواب اینان باید گفت که تشخیص این امر به عهده اولیای مسلمین است ، هرگاه مقامات مسئول لزوم ترک امری را برای انجام امر مهمتری تشخیص دهند ، آن را به عنوان امر ثانوی و نه اولی و از باب تقدیم اهم بر مهم به هنگام مزاحمت در مقام اجرا و امتثال احکامی میپذیریم .

و متأسفانه عدهای از کسانی که ادعای شیعه بودن مینمایند در گوشه و کنار و حتی در کتابهایشان این گونه نوشتهاند که : « نزد شیعه دربارۀ متن رایج این زیارت اتفاق وجود ندارد . نقلهای معتبر دیگری از زیارت عاشورا وجود دارد که بعضی از فرازهای آن، متفاوت با متن رایج این زیارت است ، خصوصاً لعنهای انتهایی زیارت عاشورا که افراد تفرقه انگیز به آن استشهاد کردهاند .»

کتاب «کامل الزیارات» ، تألیف جعفر بن محمد بن قولویه قمی (وفات 367 ق) و کتاب «مصباح المتهجد الکبیر و الصغیر» ، تألیف شیخ طوسی (ره) (م 460 ق). لعنها و فرازهای انتهایی زیارت عاشورا در این دو منبع تفاوت عمدهای دارند ؛ زیرا در متن رایج زیارت عاشورا که برگرفته از بعضی نسخ کتاب «مصباح المتهجد» است ، لعنهای انتهایی زیارت عاشورا اینگونه آمده است :

«اللَّهُمَ خُصَ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّی، وَ ابْدَأْ بِهِ أَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِیَ وَ الثَّالِثَ وَ الرَّابِعَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ یَزِیدَ خَامِساً، وَ الْعَنْ عُبَیْدَ اللَّهِ بْنَ زِیَادٍ وَ ابْنَ مَرْجَانَهَ وَ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ شِمْراً، وَ آلَ أَبِی سُفْیَانَ وَ آلَ زِیَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ.» (1)

این در حالی است که در تمامی نسخههای خطی و چاپی کتاب کامل الزیارات ، لعنهای انتهایی با این تعبیر آمده است : «اللَّهُمَ خُصَ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِیِّکَ بِاللَّعْنِ ثُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ یَزِیدَ وَ أَبَاهُ وَ الْعَنْ عُبَیْدَ اللَّهِ بْنَ زِیَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ وَ بَنِی أُمَیَّهَ قَاطِبَهً إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ»(2)

از همهٔ اینها گذشته ، از کتاب «مصباح المتهجد» نیز نسخههای خطی معتبر و مهمی بر جای مانده است که یا کل لعنهای انتهایی زیارت عاشورا در آنها وجود ندارد . یا این لعنها به صورتی دیگر آمده است .

1- محمد بن حسن طوسی، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج2، ص 776.

2- جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص 179.

برای نمونه ، لعن انتهایی زیارت عاشورا که در متن رایج بین شیعیان این گونه بوده :

«اللَّهُمَ خُصَ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّی، وَ ابْدَأْ بِهِ أَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِیَ وَ الثَّالِثَ وَ الرَّابِعَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ یَزِیدَ خَامِساً، وَ الْعَنْ عُبَیْدَ اللَّهِ بْنَ زِیَادٍ وَ ابْنَ مَرْجَانَهَ ...»

و به بعضی از نسخههای کتاب «مصباح المتهجد» متعلق است ، در بعضی از نسخههای معتبرتر این کتاب چنین آمده است :

«اللَّهُمَ خُصَ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّی، وَ ابْدَأْ بِهِ جَمیعَ الظالِمینَ لَهُم، عُبَیْدَ اللَّهِ بْنَ زِیَادٍ وَ ابْنَ مَرْجَانَهَ ...»(1)

همچنین در بعضی نسخههای «مصباح المتهجد صغیر» که مختصر کتاب «مصباح المتهجد الکبیر» است نیز این لعنها وجود ندارد . (2)

در پاورقی کتاب لعنهای نامقدس در صفحه 92 چنین آمده است : گفته شده است در بعضی از نسخههای معروف و معتبر مصباح المتهجد، این لعنها وجود ندارد ؛ از جمله نسخهٔ «نقاش رازی» که در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی در مشهد نگهداری میشود . از ویژگیهای این نسخه میتوان به اینها اشاره کرد : تاریخ نسخه : 23/2/502 ه.ق است . یعنی فقط 42 سال بعداز وفات مؤلف .

این نسخه ، قدیمیترین نسخهٔ خطی کتاب «مصباح الکبیر» شیخ طوسی رحمه الله است . بر این نسخه تعدادی قرائت از جانب علمای مشهور از

1- ن ک : حسین راضی، زیارهٔ عاشورا فی المیزان ، بیروت دارالحجهٔالبیضاء ، 1429.ق.
2- لعنهای نامقدس، ص 91-93.

جمله علامه حلی و ابن ادریس و درویستی وجود دارد . نسخهای است تام و کامل از ابتدا تا انتهای نسخه .

بر اساس برخی خط شناسان ، اجازهای برای ابن ادریس در این نسخه هست که به خط علامه حلی رحمه الله است ؛ چون در آن عبارت آمده است : «حسن بن مطهر بن علی» همچنین گفته شده است که سید بن طاووس رحمه الله بعد از نقل این زیارت در کتاب مصباح الزائر به این مطلب تصریح میکند که این زیارت را از کتاب «مصباح الکبیر» شیخ طوسی رحمه الله که به خط خودش نوشته است ، نقل میکند ؛ در حالی که دو فصل آخر یعنی صد مرتبه لعن و سلام و فصل «اللّٰهُمَ خُصَ...» در آن نبوده است وی آنها را از کتاب مصباح الصغیر نقل کرده است .

چیزی که قطعی است اینکه شیعیان میتوانند با استناد به کتاب «کامل الزیارات» ، زیارت عاشورا به گونهای بخوانند که جنبۀ توهین به مقدسات اهل سنت را نداشته باشند ؛ چون لعنهای انتهایی زیارت عاشورا در دو کتاب «کامل الزیارات» و «مصباح المتهجد» ، با هم تفاوتی آشکار دارند .

و از این مهم غافل نشویم که امامت نزد اشیعیان از امور اعتقادی است که با نصب خدای متعال و با ابلاغ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم صورت گرفته است و مصادیق آن ائمه اثنی عشر علیهم السلام میباشند ؛ اولین آنان علی بن ابیطالب علیهما السلام و آخرین آنان جضرت مهدی موعود امام زمان حجت بن الحسین عجل الله تعالی فرجه الشریف است . طبق روایات ، انکار امامت یکی از آنان مساوی با انکار امامت همگی میباشد . این منظومه پیوسته تا پایان عمر دنیا باقی است و در این زمان ولایت و امامت بر عهده امام دوزادهم است که در پرده

استتار و منتظر فرمان خدا برای ظهور و تأسیس حکومت عدل جهانی است . بر ایان اساس پرداخت به امر امامت و برگشت به تاریخ ، پرداختن به یک امر تاریخی محض نیست ؛ بلکه در واقع بررسی یک امر کلامی بودن آن حدیث قطعی الصدور : « مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»(1) و حدیث قطعی الصدور : «ستفرق امتی ثلاثۀ و سبعین فرقۀ منها فرقۀ الناجیۀ و الباقی فی النار»(2) میباشد .

بنابراین زنده نگه داشتن حادثه کربلا ، احیای ارزشهای اسلامی است ، نه بررسی و پرداختن به یک حادثه صرفاً تاریخی ، و آنچه نباید به آن پرداخت امور تاریخی بیهوده و بیهدف است ، نه وقایع پیام آور و حافظ ارزشها .

امام حسین علیه السلام قرآن مجسّم و ممثل تمام ارزش ها و اهداف مقدس انبیا و اولیا است که باید تا ابد راه و روش او زنده و محفوظ بماند و این زیارت برای تحقق اهداف امام باید همه ساله ، بلکه همه روزه خوانده شود تا «کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا» برای نسلهای بعد به فراموشی سپرده نشود .

حوزه علميّه اصفهان

مهدی آقابابایی

1- بحارالانوار، ج 25، ص 158 .
2- مناقب خوارزمی، ص 331.

فصل اول : اختلاف نسخهها در نقل زیارت عاشورا

اشاره

ص:19

اختلاف نسخهها در نقل زیارت عاشورا

وجود اختلاف نسخه در کتب گذشتگان امری طبیعی است . از این رو بزرگان ما از دیرباز در پی تصحیح کتب بوده و مخصوصاً کُتب ادعیه و زیارات ، تلاش مضاعفی به خرج میدادند .

دستهبندی اختلاف نسخهها

اشاره

با دقت در اختلاف نسخههایی که در زیارت عاشورا وجود دارد ، میتوان اهم این اختلافها را در پنج دسته خلاصه کرد :

دستهٔ اول

اختلاف در به کارگیری واژههایی که تقریباً مترادف هستند . مثل این که در برخی از نسخهها چنین آمده است : « وَ اَن یَرْزُقَنِی طَلَبَ ثَارِکَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ من اهل بیت نبیک ...» ، در حالیکه در برخی دیگر از نسخهها ، به جای «اهل بیت» از واژهٔ «ال» استفاده شده است .

دستهٔ دوم

برخی از اختلاف نسخهها در بود و نبود واژهای است که در معنی و اساس جمله تأثیر چندانی ندارد . مثل این که در برخی از نسخهها آمده است : « بَرِئْتُ إِلَی اللَّهِ تَعَالَی » ، در حالیکه کلمهٔ «تعالی» در نسخهٔ دیگری نیست .

دستهٔ سوم

اختلافهایی که معنای اصلی جمله را تغییر میدهد . مثل این مورد : «جلت و عظمت المصیبهٔ بک علینا و علی جمیع اهل الاسلام» ، که با این جمله تفاوت دارد : «جلت و عظمت مصیبتک فی السماوات علی جمیع اهل السموات» .

دستهٔ چهارم

اختلاف نسخههایی که ریشه در نکتههای لغوی و ادبی و ... دارد . مثل این دو مورد :

الف) « اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَهَ الَّتِی جَاهَدَتِ الْحُسَیْنَ». در برخی از نسخههای دیگر به جای «جاهدت» ، لفظ «حاربت» به کار رفته است . گروهی بر این باورند که واژهٔ جهاد [جاهدت] در جنگ باطل علیه حق به کار نمیرود ، بلکه فقط در نبرد حق علیه باطل کار برد دارد ، لذا میگویند: اینجا تحریفی صورت گرفته و واژهٔ اصلی «جاحدت» بوده که به معنای انکار کردن است . معنای آن این است که: خداوندا ! گروهی را که امام حسین علیه السلام را انکار کردند ، نفرین کن .

ب) در فقرهٔ « اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ باللعن منی و ابدأ به اولا ...» در اکثر نسخهها ، «وابدأ به اولاً» آمده ، در حالی که عدهای میگویند : از نظر ادبی باید عبارت اینگونه باشد : «وابدأ به اولُ» .

توجه : کنکاش در این چهار دسته و غیر از این بحثهای بسیار مفید و بلکه لازمی است که مجال مستقلی میطلبد و ما فعلاً در پی آن نیستیم .

دستهٔ پنجم

در زیارت عاشورا به اختلاف نسخهٔ دیگری هم بر میخوریم که به نظر ما تنها و تنها با در نظر گرفتن شرایط دشوار ائمه علیهم السلام و شیعیان و رعایت «تقیّه» قابل توجیه است .

نمونهای بارز از اختلاف نسخههای دستهٔ پنجم

با جستجو در نسخههای متعدد خطی و چاپی زیارت عاشورا در مصباح و دیگر کتابها به نتایج زیر دست یافتیم:

الف) در برخی از نسخهها به این جمله میرسیم :

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ به بنوامیه وَ ابْنِ آكِلَهِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينِ بْنِ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ و لسانِ نَبِيِّكَ فِی كُلِّ مَوْطِنٍ وَ مَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا سُفْيَانَ»

بعد از این جمله زیارت تمام میشود و امر به سجده و دعای سجده میکند . یعنی این چهار فقره در این نسخهها وجود ندارد :

1)- و معاويهٔ و يزيد بن معاويهٔ عليهم منک اللعنهٔ ابد الآبدين و هذا يوم فرحتت به آل زياد و آل مروان بقتلهم الحسين صلوات الله عليه. اللهم فضاعف عليهم اللعن و العذاب اللهم انی اتقرب اليک فی هذا اليوم و فی موقفی هذا و ايام حياتی و بالبرائهٔ منهم و اللعنهٔ عليهم و بالموالاهٔ لنبيک و آل نبيک عليه و عليهم السلام.

2)- «اللهم العن اول ظالم ...» [که صد بار تکرار میشود].

3)- «السلام عليک يا اباعبدالله و علی الارواح التی حلت بفنائک ...» [که صد بار تکرار می شود]

4)- «اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی ...»

ب) در بعضی از نسخهها دو فقرهٔ مشتمل بر «صد لعن» و «صد سلام» یافت نمیشود ، ولی قفرهٔ اول و چهارم به همان نحو مشهور که در مفاتیح الجنان آمده ، د یده نمیشود .

ج) در بعضی از نسخهها ، سه فقرهٔ اولیه وجود دارد ، اما فقرهٔ چهارم به این نحو است :

«اللهم خص انت اول ظالم ظلم ال نبیک باللعن ثم العن اعداء ال محمد من الاولین و الآخرین. اللهم العن یزید و اباه و العن عبیدالله بن زیاد و آل مروان و بنی امیه قاطبهٔ الی یوم القیامه.»

د) در بعضی از نسخههای خطی ضمن وجود سه فقرهٔ اولیه ، فقرهٔ چهارم با اختلافهایی نقل شده است که به دو مورد از آنها اشاره میشود :

«اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی و ابدأ به اللهم العن یزید بن معاویه و العن عبیدالله بن زیاد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و آل ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان الی یوم القیامه»

«اللهم خص انت اول ظالم عبد [کذا] الله بن زیاد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و آل ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان الی یوم القیامه»

ه) در بسیاری از نسخهها هر سه فقرهٔ اولیه موجود است و فقرهٔ چهارم هم با همان عبارت مشهور دیده میشود :

«اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی و ابدأ به اولا ثم العن الثانی ثم الثلالث و الرابع اللهم العن یزید بن معاویه خامسا و العن عبیدالله بن زیاد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و آل ابی سفیان و ال زیاد و آل مروان الی یوم القیامه»

پرواضح است که منظور ما از چهار فقره ، اساس چهار فقره است و اختلاف نسخههای جزیی که در قسم پنجم نمی گنجد ، از بحث ما خارج است .

سخنان آیتاللهالعظمیمکارمشیرازی (دام ظله) پیرامون اختلاف نسخههای زیارت عاشورا

حضرت آیتالله العظمیمکارمشیرازی(دامظله) در کتاب «مفاتیح نوین» ذیل زیارت عاشورا مینویسد :

باید توجه داشت که جملههای فوق در چند نسخه مهم و معتبر دیگر «مصباح المتهجد» و «مصباح الصغیر» موجود است .

1)- نسخه قدیمی و خطی «مصباح المتهجد» تاریخش به زمان شیخ طوسی رحمه الله (قرن پنجم) بر میگردد و در کتابخانه مسجد اعظم قم به شماره 394 موجود است و در صفحه اول آن نوشته شده : «نسخه زمان مؤلف».

2)- نسخه ابن ابی الجود که در کتابخانه مرحوم آیتاللهالعظمی مرعشی نجفی رحمه الله به شماره 6837 موجود است ؛ وی مینویسد : این نسخه را با نسخهای که در اختیبار نوه ابن شهر آشوب بوده، مقابله کردم و نوه ابن شهر آشوب گفته است که من از جدم «ابن شهر آشوب» شنیدم که این نسخهای است که آن را بر شیخ طوسی خواندهام و در این نسخه نیز جملات فوق قرار دارد .

3)- مرحوم سید ابن طاووس رحمه الله هم در «مصباح الزائر» این زیارت را به همین کیفیت نقل کرده و پس از آن میگوید : من آن را از «مصباح الصغیر» شیخ نقل میکنم .(1)

4)- در بحارالانوار که مستقیماً از «مصباح المتهجد» نقل کرده این فقرات موجود است که نشان میدهد در نسخه موجود نزد علامه مجلسی نیز جملات فوق بوده است .(2)

و اگر هم در برخی از نسخهها نیست ، ممکن است به شرایط زمانی عرضه این زیارت [در راستای رعایت تقیّه] برگردد. (3)

1- مصباح الزائر ، ص 278.
2- بحارالانوار ، ج 98 ، ص 296.
3- مفاتیح نوین ، ص 399.

فصل دوم : بررسی روش های اثبات اعتبار زیارت عاشورا

اشاره

بررسی روش های اثبات اعتبار زیارت عاشورا

1)- روش متأخرین

اشاره

زیارت عاشورا در کتاب های مصباح کبیر و صغیر شیخ طوسی و کامل الزیارات ابن قولویه و مصباح الزائر ابن طاووس و المزار الکبیر ابن مشهدی و بحار الانوار و کتاب های دیگر مذکور است .(1)

بعضی نوشته اند این زیارت طبق نوشته سید بن طاووس در مصباح الزائر، در کتاب مصباح کبیر شیخ طوسی بدون صد لعن و صد سلام است ، لذا مرحوم سید بن طاووس زیارت کامل را از مصباح صغیر شیخ نقل کرده است. بدین ترتیب، این مستشکل با این کلام هم کتاب مصباح کبیر شیخ را از مدار خارج می کند و هم مصباح صغیر را دچار خدشه می نماید و هم سید بن طاووس را زیر سؤال می برد . بنابراین زیارت کامل را منحصر به مصباح صغیر و کتاب کامل الزیارات کرده است و این را دلیل تحریف به زیاده در نسخه های دیگر مصباح کبیر دانسته است . (2)

1- مصباح المتهجد: 713؛ کامل الزیارات: 173، ب71؛ مصباح الزائر: 269؛ المزارالکبیر از محمد بن جعفر مشهدی: 480؛ بحار الانوار 98: 290؛ زاد المعاد: 373؛ تحفه الزائر: 327؛ مفاتیح الجنان: 750.

2- لازم است در مورد این اشکال توضیح داده شود که مصباح صغیر خلاصه مصباح کبیر است که توسط خود شیخ طوسی خلاصه شده است. حال چگونه ممکن است صد لعن و صد سلام در مصباح صغیر باشد، ولی در مصباح کبیر نباشد؟ به طور حتم در نسخه ای که سید بن طاووس داشته، صد لعن و صد سلام ساقط شده است چرا که تمام نسخه های خطی مصباح کبیر دارای این دو فراز می باشند و کسانی که این زیارت را از مصباح کبیر نقل کرده اند، آن دو فراز را هم آورده اند. بنابراین به نظر می رسد نسخه مصباح کبیر که نزد سید بن طاووس بوده، کامل نبوده است.

لیکن این که متن کامل زیارت ، منحصر به این دو کتاب باشد ، مردود است ؛ زیرا در کتابهای دیگر که یکی از آنها کتاب المزار الکبیر ابن مشهدی است (که مؤلف در مقدمه آن تضمین وثاقت راویان سند احادیث آن را نموده است) این زیارت به نحو کامل موجود است . از آنجا که مؤلف این کتاب مرحوم جعفر بن محمد مشهدی از علمای مورد وثوق می باشد بی گمان با تضمین مؤلف ، روات کتاب توثیق کلی می شوند و مرسلات آن کتاب در حکم مسانید معتبر شناخته می شود و در نتیجه ادعای تحریف این زیارت ، افترایی بیش نخواهد بود . صاحب کتاب «شفاء الصدور» در پایان بحث سند اظهار داشته است که در اعتبار روایت شک و تردیدی نیست و علمای شیعه در تمامی اعصار و تطاول ایام به این روایت پایبند بوده و غالباً آن را از اوراد لازمه و اذکار دائمه خود قرار داده اند .

با وجود این که بعضی سندهای آن صحیح و بعضی حسن است و فی الجمله وثاقت سند بر مشرب تحقیق به هیچ وجه جای تأمّل نیست، بدین ترتیب احدی از علما در این جهت سخنی نگفته و تأملی نکرده است .(1)

1- شفاء الصدور ، ج1، ص 72.

در هر حال زیارت عاشورا که مشتمل بر صد لعن و سلام می باشد از امام محمد باقر و امام صادق علیهما السلام در کتب امامیه به چند طریق مذکور است .

الف) بررسی سند زیارت در کتاب کامل الزیارات

جعفر بن محمد بن قولویه در کتاب کامل الزیارات (باب 71) آن را به دو سند از حضرت امام باقر علیه السلام ذکر کرده است .

سند اول : حکیم بن داود و غیره از محمد بن موسی همدانی از محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه از علقمه بن محمد حضرمی از امام باقر علیه السلام .

سند دوم : محمد بن اسماعیل از صالح بن عقبه از مالک جهنی از امام باقر علیه السلام .

مرحوم ابن قولویه در مقدمه کتاب کامل الزیارات فرموده اند روایاتی که در این کتاب درج شده همگی از مشایخ ثقات واصل شده است. در نتیجه وی با این گفتار 388 راوی را توثیق کرده است ، البته به عقیده اکثر علما ، این جمله تنها مربوط به آخرین حلقه نزولی سند است ؛ یعنی افرادی که نسبت به او (ابن قولویه) دارای رابطه استادی می باشند و آنها 32 نفر از مشایخ بدون واسطه ایشان هستند . در هر حال چون حکیم بن داود در آخرین حلقه نزولی است به هر دو وجه مشمول توثیق ابن قولویه می شود (1).

1- شیخ ابو القاسم جعفر بن قولویه همان است که سی سال قبل از وفات خود که سنه 339هجری باشد به قصد حج حرکت کرد. برای آن که در آن سال حجر الاسود را قرامطه به سوی مکه می بردند تا در جای خود نصب کنند در زمانی که قریب بیست سال بود که حجر را کنده و به هجر برده بودند. شیخ ابن قولویه به آرزوی تشرف به لقاء امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قصد حج کرد تا به خدمت آن حضرت در وقت نصب حجرالاسود مشرف شود. چون به بغداد رسید مریض شد و نتوانست برود. ناچار نایبی گرفت و به مکه فرستاد و رقعه ای نوشت و مهر کرد به او داد و گفت این رقعه را می دهی به آن کس که حجر الاسود را در مکان خود

نصب می کند و در آن نامه سؤال کرده بود از مدت عمر خود و آن که از این مرض می میرد یا خوب می شود. آن شخص به مکّه مشرف شد و روزی که می خواستند حجر را نصب کنند، مردم جمع شده بودند، او قدری پول به خدام کعبه داد تا وی را نزدیک رکن جای دهند که ببیند چه کسی حجر را نصب می کند. این نائب گفته است: هرکس که حجر را برداشت اضطراب کرد و افتاد، تا آن که شخصی گندم گون نیکو روی آمد و حجر را برداشت و جای خود گذاشت. حجر به جای خود مستقر گردید آن شخص از همان راهی که آمده بود، بازگشت من دنبال او را گرفتم و دیده را به سوی او دوخته بودم و مردم را از خود به زحمت دور می کردم و دنبال او می رفتم. مردم از این حال من خیال کردند که من دیوانه شده ام از این رو راه برای من می گشودند و من با عجله می دویدم و او به آهستگی و وقار می رفت و با این حال به او نمی رسیدم تا رسیدم به جایی که کسی نبود، آن شخص روی به من کرد و فرمود: بیاور آن چه با تو است. رقعه را به خدمتش دادم، بدون آن که آن را ملاحظه فرماید، فرمود. با وی بگو که خوفی از برای بیماری تو نیست و سی سال دیگر خواهی مرد. پس مرا گریه روی داد و دیگر نتوانستم حرکت کنم. این بفرمود و برفت. آنگاه نائب جناب شیخ ابن قولویه از مکه مراجعت کرد و این خبر را به شیخ داد و چنان شد که آن حضرت خبر داده بود. آیت الله آقای محسن خرازی در کتاب روزنه ای به عالم غیب (ص176) از یکی از دوستان ثقه خود نقل کرده در زمان آیت الله خویی و حکیم در هنگام تعمیر قبر ایشان، پیکر وی از زیر خاک نمایان شد کفن پوسیده ولی بدن سالم و موی صورت رنگ کرده و هیچ تغییری در اندام پدید نیامده و تازه بود اما از شدت لاغری پوست بدن به استخوان چسبیده بود.

محمد بن موسی همدانی نیز گرچه توثیق صریح ندارد ، ولی نجاشی او را ذکر کرده و اظهار نموده است که قمیّون گفته اند : وی غالی و نزد بعضی ، از جاعلین است والله اعلم. از آن جا که نجاشی در مقدمه کتابش گفته است که من از سلف صالح در این کتاب درج می کنم و چون به نقل دیگران اکتفا کرده و با جمله «والله اعلم» آنان را زیر سؤال برده است و نه محمد بن موسی را، از این شیوه کلام کشف می شود محمد بن موسی نزد ایشان نقطه ضعف ندارد و عموم سلف صالح شامل او می شود . همچنین ایشان محمد بن خالد طیالسی را هم ذکر نموده و جرحی درباره وی ارائه نکرده است .(1)

در حلقه سوم از سند اول ، دو نفر قرار دارند ؛ سیف بن عمیره که ثقه است و دومین آنان صالح بن عقبه است . از این رو چنانچه صالح توثیق نشود ، ضرری به سند وارد نمی گردد و علقمه بن محمد حضرمی هم در سند شیخ هم طراز صفوان است که به آن اشاره شد. به هر روی از آن جا که صاحب شفاء الصدور از عهده این بحث به نحو اکمل بر آمده اند مشتاقان برای استفاده بیشتر می توانند به آن رجوع کنند .

ب) بررسی سند زیارت در کتاب مصباح المتهجد

سند شیخ الطائفه در کتاب مصباح المتهجد بدین ترتیب است :

مرحوم شیخ طوسی در این کتاب از امام باقر علیه السلام به دو سند و از امام صادق علیه السلام به یک سند زیارت را نقل کرده است .

1- رجال نجاشی ، ص 338 و ص340.

در این مختصر ابتدا نظر به سند سوم است که منتهی به امام صادق علیه السلام می شود . سند مزبور بدین قرار است :

محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره نقل می کند که : به همراه صفوان بن مهران جمّال و جماعتی از اصحاب، بعد از آن که امام صادق علیه السلام از حیره به مدینه برگشته بود به نجف اشرف رفتیم . هدف از این اجتماع زیارت قبر مطهر ابوالحسن امیرالمؤمنین علیه السلام بود ، وقتی به محدوده مزار شریف رسیدیم ، صفوان مشغول زیارت شد ، ابتدا زیارت حضرت امیر علیه السلام را خواند و بعد از آن رو به طرف کربلا ایستاد و زیارت عاشورا را که از علقمه نقل شده بود خواند و پس از آن دعای معروف به همان دعای علقمه را که در واقع دعای صفوان است ، خواند . سیف بن عمیره گوید من به صفوان گفتم : علقمه بن محمد حضرمی زیارت عاشورا را برای ما از امام باقر علیه السلام خواند و این دعایی که تو حالا خواندی در آن نبود صفوان درباره علقمه هیچ گونه قدحی وارد نکرد و فقط گفت من با امام صادق علیه السلام در این مکان آمدم امام علاوه بر آنچه علقمه برای شما نقل کرده است این دعا را هم خواند .

از این مطالب استفاده می شود که : علقمه در نزد صفوان مجهول الحال نبوده ؛ بلکه یک شخصیت علمی مورد تأیید است . این گفتار هم زیارت عاشورا را توجیه و هم وضع علقمه را روشن می نماید . تفصیل بیشتر در کتاب شفاء الصدور مذکور است و به همین اندازه اکتفا می کنیم .

و اما دو سند دیگر که به امام باقر علیه السلام منتهی می شود ،

سند اول : محمد بن اسماعیل بن بزیع از صالح و سیف بن عمیره از علقمه بن محمد حضرمی. این سند هم قابل تصحیح و توجیه فنی است

؛ زیرا طریق شیخ به محمد بن اسماعیل بن بزیع صحیح است و صالح بن عقبه(1) هم هرچند توثیق صریح ندارد ، ولی نقل ابن بزیع اعتماد بر اوست و توثیق عملی محسوب می شود ، علاوه بر این در طبقه او سیف بن عمیره واقع شده که صریحاً مورد توثیق علمای علم رجال است . در آخرین طبقه سند هم علقمه قرار دارد که پیش تر وضع او روشن شد .

اما سند دوم : محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره . طیالسی از کسانی است که هم در سند کامل الزیارات و هم در سند تفسیر علی بن ابراهیم واقع شده است و هم در سند دیگر که ذکر شد مورد اعتماد ابن بزیع قرار دارد. نتیجه این که هر سه سند شیخ در کتاب مصباح معتبر می باشد .

بدین ترتیب زیارت عاشورا به روش متأخرین که تنویع اخبار آحاد به صحیح ، حسن ، موثق و ضعیف است ، زیارتی معتبر و دارای سند قوی محسوب می شود .

باید توجه داشت که برای روز عاشورا چند زیارت در کتاب های امامیه وجود دارد ، اما مورد بحث ما زیارتی است که در کتاب «مفاتیح الجنان» به عنوان زیارت عاشورای معروف ذکر شده است. در آن جا این زیارت دارای مقدّمات، آداب، تعقیبات و ادعیه خاصی است. این ادعیه و آداب

1- صالح بن عقبه در کتاب کامل الزیارات و نیز در تفسیر قمی در سلسله سند روایت قرار دارد و مؤلفان این دو کتاب (مرحوم ابن قولویه و مرحوم علی بن ابراهیم قمی) در مقدمه کتاب خود به وثاقت راویان احادیث خود تصریح کرده اند. به علاوه مرحوم محدث نوری روایت کردن یونس (که از اصحاب اجماع است) از صالح بن عقبه و روایت کردن محمد بن اسماعیل بن بزیع و محمد بن حسین بن ابی خطاب از او را دلیل بر وثاقت وی گرفته است .

که مربوط به قبل و بعد زیارت می باشد مورد بحث نیست ، بلکه خود زیارت مطلوب و مورد نظر می باشد و آن از «السلام علیک یا ابا عبدالله» شروع و به دعایی که در سجده خوانده می شود خاتمه می یابد . و بعد از سجده ، علقمه که راوی آن زیارت است گفته است که امام باقر علیه السلام فرمود : اگر بتوانی هر روز آن حضرت را از منزل خود زیارت کنی انجام بده و برای تو تمام ثواب ها که گفته شد ، خواهد بود.

این زیارت با آداب و تشریفات در کتاب مصباح کبیر و مصباح صغیر شیخ طوسی و مصباح الزائر سید بن طاووس و بحار الانوار و زادالمعاد و تحفه الزائر مرحوم مجلسی با ذکر سند مذکور است . همچنین بدون دعای بعد از آن در کتاب کامل الزیارات ابن قولویه و المزار الکبیر ابن مشهدی با ذکر سند و در مصباح کفعمی بدون ذکر سند روایت شده است و 45 شخصیت علمی درباره آن به صورت کتاب مستقل یا مقاله اظهار نظر کرده اند .

2)- روش قدما

آن چه تاکنون گفته شد ، بررسی سند به روش متأخرین بود که خبر واحد را به چهار دسته : صحیح ، حسن ، موثق و ضعیف تقسیم کرده اند .

امّا قدما ، روایات را با قرائن داخلی و خارجی به صحیح و ضعیف تقسیم نموده و اخبار کتابهای معتبر را محفوف به قرینه و مورد وثوق دانسته اند . این شیوه تا زمان علامه حلی ادامه داشت . مرحوم شیخ بهاء الدین عاملی و مرحوم صاحب وسائل ، این قرائن را جمع آوری کرده اند که عمده آنها ، ذکر روایت در اصول معتمده متعدّد یا تکرار در اصل واحد ، استناد مشهور قدما به آن، موافقت با محکمات کتاب و سنت قطعی، موافقت با عقل بدیهی و فطرت طبیعی ، علوّ متن و... می باشد .

مرحوم شیخ بهاء الدین عاملی فرموده اند که : این قرائن به مرور زمان از بین رفته اند از این رو علامه و پیروان وی به تنویع اخبار به چهار دسته قائل شده و حجیت را دائر مدار بررسی سند دانسته اند .(1)

لیکن مرحوم صاحب وسائل فرموده اند : قرائنی که گفته شد به قوّت خود باقی است و ما چیزی ازآن ها را از دست نداده ایم .

آیت الله شیخ حسین کریمی بر این عقیده است که با جمع آوری نسخه های خطی و پیدایش صنعت چاپ و ارتباط با دیگر کشور های جهان و بررسی اکثر قرائن موجود توسط محققان ، وثوق به صدور حاصل می شود . با این ترتیب به مطلقِ خبر موثوق الصدور (خواه از ناحیه سند

1- رجوع شود به مقدمه کتاب مشرق الشمسین که ضمیمه کتاب حبل المتین در قم توسط مکتبه بصیرتی به چاپ رسیده است .

باشد و خواه از ناحیه قرائن) عمل می کنیم . بنابراین ، اخبار موجود در کتب اربعه را باید پذیرفت، مگر معارض داشته باشد که در صورت تعارض ، به معیارهای رجالی رجوع می کنیم و بعضی از اخبار را بر بعضی دیگر ترجیح می دهیم .

مرحوم شیخ بهایی پس از ذکر شیوه قدما می گوید : وجه عدول از شیوه قدما به رویه متأخرین ، از بین رفتن قرائن و کتاب های روایی در اثر سلطه جباران بوده است، لذا آن روش ترک شده و به روش متأخرین عمل می شود. چنان که گفته شد قدما روایت را از راه «وثوق خبری» که از قرائن داخلی و خارجی استفاده می شد تصحیح می کردند، در حالی که متأخرین از راه «وثوق مخبِری» عمل می کنند. ولی مرحوم صاحب وسائل فرموده اند از آن چه در زمان مشایخ اصحاب هم چون مرحوم کلینی، مرحوم صدوق و مرحوم شیخ طوسی وجود داشته چیزی کم نشده است . (1)

نگارنده می افزاید: با تلاش جدی فقها و پی بردن آنان به نقشه های جباران و نیرنگ دشمنان اسلام و نیز حفظ اتصال طبقاتی فقهای امامیه که با اهتمام مرحوم آیت الله بروجردی به پیروی از مرحوم علامه کاشف الغطاء انجام گردید همه چیز در جای خود محفوظ مانده و افراط بعضی و تفریط برخی دیگر تأثیری در میراث فرهنگی شیعه نداشته است .

1- رجوع شود به وسائل الشیعه ، ج 20، ص 67 و ص110 ، نشر مکتبه اسلامیه تهران 1389ق.

با این همه ، ممکن است گفته شود که تعدیل روات از باب شهادت است ، از این رو نیاز به اِخبار جزمی و حسی و بدون واسطه (یا حد اکثر به یک واسطه هم در بعضی موارد) دارد ، بنابراین تعدیل روات از باب روایت و حکایت نیست تا با حدس فقیه آن هم بعد از فاصله صدها سال سازگار باشد .

در پاسخ باید گفت که توثیق رجال حدیث از باب رجوع به اهل خُبره است ، از این رو به قول یک خبره ثقه نیز اعتماد و اکتفا می شود و نیاز به عدالت و تعدّد هم ندارد .

ناگفته نماند در جایی که از حس می توان گواهی داد، بی گمان گواه حسی مقدّم می باشد، ولی بعد از آن که استناد به حس متعذّر شد، رجوع به خبره راه گشای مشکل می گردد. نظیر صحنه تصادف که تا صحنه به هم نخورده است، گواهی حسی کارساز می باشد ، لیکن اگر صحنه به هم بخورد لازم است به خبره فن (کارشناس) رجوع شود .

در توثیق هم اگر گواهی حسی لازم باشد، میان گواهی نجاشی متوفای 450ق به عدالت محمد بن مسلم که در سال 150ق درگذشته است با زمان حاضر که بیش از هزار سال فاصله زمانی دارد، فرقی نیست. همان گونه که گواهی صاحب تنقیح المقال و قاموس الرجال و امثال آنان که خبرگان زمان ما می باشند از راه حدس است، گواهی نجاشی و شیخ و امثال ایشان هم غالباً حدسی است و آنان نیز با این مشکل دست به گریبان بوده اند .

باید دانست که انحصار توثیق و تعدیل به گواهی حسی، به ویژه اگر مثل صاحب مدارک و صاحب معالم تعدد عادل هم بدان ضمیمه شود، علاوه

بر آن که دلیلی بر آن قائم نیست، نتیجه اش بایگانی شدن کتب اربعه خواهد بود، تا چه رسد به وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل .

اما در روش دوم (شیوه قدما) حدیث از باب محفوف بودن به قرائن کلی و جزیی موثوق الصدور می شود. در این روش روایات به دو دسته تقسیم می گردند: احادیث صحیح که موثوق الصدور می باشند و غیر آن که محکوم به ضعیف بودن می شوند .

در روش قدما طبق آن چه شیخ بهاءالدین عاملی و صاحب وسائل گفته اند ، احادیث کتب اربعه و امثال آن که برگرفته از اصول معتمده و متون مشهوره و دارای علوّ متن و عمل مشهور و مطابق با عقل بدیهی و موافق با حسن و قبح عقلی و دارای آثار و برکات وجودی اند ، حجت می باشند .

آیت الله کریمی در کتابش مینویسد : روش متأخرین نیز هرگاه ایجاد وثوق و اطمینان نماید ، پذیرفته می شود . پس به نظر ما خبر واحدی که سلسله راویان آن ثقه اند یا خبر واحدی که مورد عمل مشهور از قدما قرار گرفته است، هر چند روات حدیث ثقه نباشند، حجت است. همان گونه که اگر تمام روات از بزرگان ثقه باشند، ولی حدیث مورد اعراض مشهور باشد، در اثر این اعراض، اعتبار خود را از دست می دهد .

بنابراین باید پذیرفت که دسته بندی و تنویع اخبار به چهار نوع در مقام نامگذاری است و ربطی به حصر حجیت به بخش صحیح و حسن و موثق ندارد، بلکه هرگاه خبری مورد عمل قدمای اصحاب باشد حتی اگر از دسته چهارم (ضعیف) باشد، از راه وثوق خبری که مستفاد از قرائن عقلی و نقلی است حجیت می یابد و در واقع همین نکته سرّ آن است که منکرین حجیت خبر واحد، مانند صاحب سرائر به بعضی از اخبار مرسل و ضعیف

استناد کرده اند. نهایت این که بر اساس این روش، فایده علم رجال منحصر به باب تعارض اخبار خواهد بود .(1)

3)- اثبات اعتبار توسط اجماع قولی و علمی

اشاره

یکی از ادّله صدور زیارت عاشورا، اجماع فقها از زمان امام باقر علیه السلام تا زمان حاضر می باشد. به سخن دیگر، زیارت عاشورا تا آن مقدار که در کتاب کامل الزیارات ذکر شده است مورد توافق علمای امامیه بوده است و اختلاف در زاید بر آن مقدار می باشد .

صاحب شفاء الصدور گفته است : «و بالجمله، از زیارت عاشورا برکات اخروی و منافع دنیوی و آثار غریب و خواص عجیب در قضای حاجات و نیل به مقاصد و حصول مطالب آن قدر دیده شده که نمی توان احصا کرد و در بعضی ر ؤیاهای صادقه که حکم مکاشفات حقه را دارد، خصایص عظیمه و منافع جلیله از او معلوم شده که نمی توان برشمرد ».(2)

یکی از مراجع عصر در این باره فرموده است : متن زیارت عاشورا گواه بر عظمت آن است، به ویژه با ملاحظه آن چه در سند زیارت رسیده است که حضرت صادق علیه السلام به صفوان می فرماید: « این زیارت و دعا را بخوان و بر آن مواظبت کن، به درستی که من چند چیز را برخواننده آن تضمین

1- اعتبار زیارت عاشورا، صص 45-48 .
2- شفاء الصدور، علامه تهرانی حاج میرزا ابوالفضل کلانتری ، ص 52 ، منشورات مرتضوی تهران، 1310.

می کنم : 1- زیارتش قبول شود، 2- سعی و کوشش وی مشکور باشد، 3- حاجات او هر چه باشد، برآورده شود و نا امید از درگاه خدا بر نگردد .

ای صفوان! این زیارت را با این ضمان از پدرم یافتم و پدرم از پدرش تا امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت امیر علیه السلام نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و رسول خدا از جبرئیل و او هم از خدای متعال، هر کدام این زیارت را با این ضمان تضمین کرده اند و خداوند به ذات اقدس خود قسم یاد نموده است که هرکس این زیارت و دعا را بخواند، دعا و زیارتش را می پذیرم و خواسته اش هر چه باشد، برآورده می سازم .

بدین ترتیب از این نقل استفاده می شود که زیارت عاشورا از احادیث قدسی است و همین مطالب سبب شده است که علما و استادان ما با آن همه فعالیت های علمی و مراجعاتی که داشتند به خواندن آن مقیّد بودند تا جایی که استاد ما مرحوم حاج شیخ محمد حسین اصفهانی از خداوند خواسته بودند که در آخر عمرشان زیارت عاشورا بخوانند و سپس قبض روح شوند و دعایشان هم مستجاب شد و پس از پایان این زیارت درگذشتند .

مرحوم شیخ صدرای بادکوبه ای با تبحّرش در علوم عقلی و نقلی آن چنان مقید به زیارت عاشورا بود که به هیچ عنوان آن را ترک نکرد و کسی باورش نمی شد که ایشان این چنین پایبند به عبادات و زیارت عاشورا باشد .(1)

از مرحوم علامه مجلسی نقل شده است که در میان شاگردان فاضل مرحوم شیخ طوسی که درجه اجتهاد داشته اند، بیش از سیصد نفر از

1- آیت الله سید محسن خرازی، روزنه ای به عالم غیب ، ص 90 .

خاصه و افزون بر این تعداد از عامه بوده اند. در آن زمان، بنی عباس حکومت می کردند و به نوعی در تعظیم و تکریم علما اهتمام بسیار داشته اند. آنان یک صندلی برای شیخ تخصیص داده بودند تا تدریس کند (زیرا خلفای عباسی برای شخص وحید عصر خود هر کسی که بود، یک صندلی رسمی تخصیص می دادند تا روی آن تدریس نماید .)

در مجالس عظیم همه گونه مذاکرات علمی در اصول و فروع حتی در امامت نیز مطرح می شده است. نقل است که نزد خلیفه وقت سعایت کردند که شیخ طوسی و اتباع او صحابه را سب می کنند، چنان که در کتاب مصباح خود گوید از دعاهای روز عاشورا است «اللهم خُصّ انتَ اوّل ظالمٍ باللعنِ منّی ... »

پس به دستورخلیفه شیخ و کتاب مصباح او را احضار کردند. چون شیخ از حقیقت امر مستحضر شد به الهام خداوندی گفت که مراد از این جمله ها آن نیست که به عرض خلیفه رسانیده اند، بلکه مراد از ظالم اول قابیل است که قاتل برادر خود هابیل می باشد و دومی پی کننده ناقه صالح و سومی قاتل یحیی بن زکریا و چهارمی عبدالرحمان بن ملجم مرادی قاتل علی بن ابی طالب است . خلیفه عذر او را قبول کرد و به مراتب تجلیل شیخ افزوده شد و آن ساعی سخن چین هم به کیفر رسید .(1)

از این قطعه تاریخی به خوبی استفاده می شود که زیارت عاشورای معروف، به گونه ای مورد عمل مشهور بوده که امکان انکار آن وجود نداشته است، از این رو مرحوم شیخ برای تبرئه خود و دیگران وارد توجیه می گردد. این

1- ریحانه الادب ،ج3، ص 328؛ مجالس المؤمنین ، ج 1 ، ص480.

سند تاریخی، مصداق بارزی برای قرینه وثوق به صدور است که از بدو امر تا به امروز قابل استناد می باشد .

بررسی سند زیارت عاشورا در مصباح الزائر

مرحوم سید بن طاووس در مصباح الزائر حدیث امام باقر علیه السلام را از صالح بن عقبه از عقبه بن قیس از امام باقر علیه السلام روایت نموده که این سند از ناحیه عقبه بن قیس مخدوش است ، امّا حدیث امام صادق علیه السلام را از محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره از صفوان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که همگی مورد اعتماد می باشند .

اینک در ادامه مطالب مهمی در طی چند نکته بیان می شود :

نکته اول: از آن چه تاکنون گفته شد معلوم می گردد که زیارت عاشورا به آن شکل که در کتاب کامل الزیارات و مزار کبیر با ذکر سند و درکتاب مصباح کفعمی بدون ذکر سند روایت شده از زیارات معروف و مورد عمل علمای امامیه و قاطبه شیعیان است و بیش از 45 شخصیت علمی در قالب کتاب یا مقاله درباره آن اعلام نظر کرده اند .

نکته دوم: تا آنجا که ملاحظه شد از بهترین شرحهای این زیارت، کتاب «شفاء الصدور فی شرح زیاره العاشور» نوشته فاضل محقق مرحوم حاج میرزا ابوالفضل کلانتری تهرانی است. او در سال 1273ق متولد شد و در سال 1316ق در تهران وفات یافت و در مقبره والدش در صحن امامزاده حمزه در شهر ری به خاک سپرده شد. پدر ایشان مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری صاحب تقریرات درس شیخ انصاری است. مرحوم حاج میرزا ابوالفضل یکی از شاگردان برجسته مرحوم میرزا محمد حسن

شیرازی است و کتاب شفاء الصدور را به دستور ایشان نگاشته است. مرحوم میرزا ابوالفضل کلانتری از نوابغ روزگار و مجتهدی بزرگوار محسوب می شود که در فقه و اصول ماهر و در ادبیات عرب و تاریخ و حدیث و تفسیر بهره وافر داشته است .(1)

این محقق بزرگوار تصریح نموده است که زیارت عاشورا از دو امام معصوم صادر شده است؛ یکی از امام باقر علیه السلام و دیگری از امام صادق و آن چه در کتاب مصباح المتهجّد زاید بر آن از امام صادق علیه السلام روایت شده است و صفوان ناقل آن می باشد؛ از زیارت حضرت امیر علیه السلام در آن مرقد مطهر و دعای وداع امیر المؤمنین و دعای بعد از زیارت عاشورا و اوراد و اذکار قبل از آن خارج از اصل زیارت است و از آداب استحبابی قبل و بعد از زیارت محسوب می گردد، هم چنان که مرحوم حاج میرزا محمد ارباب قمی از مجتهدان معقول و منقول در کتاب اربعین حسینی به آن تصریح کرده است .(2)

نکته سوم: طبق فرمایش مرحوم محدّث قمی «ابن طاووس» بر جماعتی اطلاق می شود که مشهورترین ایشان ، سید اَجل، اورع، قدوه العارفین و مصباح المتهجدین رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس است. علامه حلی در اجازه ای که به بنی زهره داده است، از او به عنوان صاحب

1- رجوع شود به مقدمه سید علی بن حاج سید مرتضی موحد ابطحی بر کتاب شفاء الصدور، همچنین به کتاب اربعین حسینی از حاج میرزا محمد ارباب قمی، ص82، چاپ انتشارات اسوه.
2- اربعین حسینی.

کرامات باهره و مقامات عالیه و جامع کمالات سامیه یاد کرده و نیز فرموده است: «کان اعبد من رایناه من اهل زمانه ».(1)

در کتاب ریحانه الادب مرقوم است که سید بن طاووس تألیفات بسیار دارد، سپس 45 کتاب او معرفی شده و چنین آمده است: یکی از آن کتابها مصباح الزائر است که حاوی زیارت عاشورا با ذکر صد لعن و صد سلام می باشد و دیگری کتاب اقبال است .(2)

مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی درباره «اقبال» نوشته اند: سید بن طاووس در سال 589ق ولادت و در سال 644ق وفات یافته و کتاب اقبال را در سنّ 60 سالگی تدوین نموده است. شهید اول در مجموعه ای که به خط خود نوشته فرموده اند کتابخانه سید در سال 650 دارای 1500 کتاب بوده و نیز فرموده «اقبال» کتاب جلیلی است که آن را از کتاب های نفیس استخراج کرده است .(3)

در کتاب فوائد الرضویه مرقوم است که آن بزرگوار مدّتی در بغداد و زمانی در حله و مدّتی هم در نجف ساکن بوده است. او وصیت کرد جنازه اش را به نجف ببرند و زیر پای والدینش دفن کنند تا به امر قرآن به تواضع در قبال والدین حیّاً و میّتاً عمل کرده باشد .

پیش تر ذکر شد که اگر مرحوم سید زیارت عاشورای معروف را در اقبال ذکر نکرده است، بدین جهت بوده که از ضایع شدن زیارات جلوگیری

1- هدیه الاحباب از محدث قمی ، ص 79؛ فوائد الرضویه ، ج 1، ص 333.
2- ریحانه الادب ، ج 8 ، ص 76.
3- الذریعه إلی تصانیف الشیعه ، ج2 ، ص264.

کند، لذا فرموده در مصباح الزائر دو زیارت را آورده ام در این کتاب هم دو زیارت دیگر را می آورم. پس نیاوردن زیارت عاشورا در اقبال دلیل بر ضعف سند آن نیست و گفتار کسی که آن را دلیل بر ضعف سند دانسته از مصادیق افترا و قلّت تتبع می باشد .

نکته چهارم : زیارت عاشورا که در حدیث صفوان از امام صادق علیه السلام نقل شده از سنخ زیارات متداول نیست، بلکه همان گونه که مرحوم حاجی نوری فرموده اند از سنخ احادیث قدسی است. این زیارت حماسه شیعه و از شعارهای افتخار آمیز است و طبق تجویز معصوم می توان هر روز آن را خواند تا «کلّ ارض کربلا وکلّ یوم عاشورا» ثابت شود .

این زیارت هم چنان که پیش تر گفته شد دارای آداب و تشریفات خاصی است که باید قبل از زیارت انجام داد و نیز ادعیه و برنامه هایی برای بعد از آن وارد شده که بخشی از آن ها نظیر دعای منقول از صفوان بن مهران جمّال را شیخ طوسی در کتاب «مصباح المتهجد» آورده است و در متون اصلی دیگر نیست .(1)

4)- اثبات اعتبار از راه قاعده تسامح در ادله سنن

قاعده تسامح در ادلّه سنن یکی از قواعد معتبر است که پشتوانه آن روایات بسیار می باشد . این روایات را مرحوم صاحب وسائل در جلد اول ، باب 18 از ابواب مقدمات عبادات ، درج نموده است در یکی از این روایات آمده است: «عن أبی عبدالله علیه السلام قال: من بلغه شیء من الثواب

1- مصباح المتهجد ، ص 777.

علی شیء من الخیر فعمله کان له أجر ذلک و إن کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لم یقله». هرکس به وسیله روایات معصومین (هرچند بدون سند) از ثواب عملی آگاه شود و آن عمل را به امید آن پاداش و ثواب به جا آورد، آن ثواب به او داده می شود هر چند رسول الله آن را نگفته باشد (البته مقصود روایاتی است که قطع به کذب آن نداشته باشیم .)

در این جا، بحث در این است که مفاد قاعده مزبور، حجیت سند ضعیف در مستحبات است که بر این اساس، قاعده بیانگر یک مسأله اصولی است یا قاعده در مقام اثبات استحباب است که بر این تقدیر، مفاد آن، بیان یک قاعده فقهی است و یا این که قاعده فوق بیانگر اعطای ثواب های مذکور می باشد که بر این پایه، مفاد قاعده، ارشاد به حکم عقل است و می توان آن را از مسائل کلامی دانست .

در هر حال کسانی که در مورد زیارت عاشورا از راه سند قانع نشوند، می توانند از این قاعده که مستنبط از احادیث کثیره است استفاده نمایند و از برکات آن زیارت بهره مند شوند .

مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار فرموده است : روایاتی که بیانگر ادویه و ادعیه می باشند نیاز به اسناد قوی ندارد ،(1) اما این که کلام علامه ناظر به قاعده تسامح است یا مطلب دیگر، فعلاً مجالی برای پاسخ به آن نیست .

1- بحارالانوار ، ج1 ، ص30.

5)- اثبات اعتبار از راه برکات و ثمرات خواندن این زیارت

اشاره

هریک از برکات و ثمرات ناشی از خواندن زیارت شریف عاشورا می تواند یک دلیل مستقل باشد. البته این برکات بسیار است و در این مختصر بعضی از آنها ذکر می شود :

الف) ثمرات برزخی خواندن زیارت عاشورا

فقیه زاده عادل مرحوم شیخ جواد بن شیخ مشکور عرب که از اجله علما و فقهای نجف اشرف و مرجع تقلید جمعی از شیعیان عراق و نیز از ائمه جماعت صحن مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است، در سال 1337ق در حدود نود سالگی وفات نموده و در جوار پدرش در یکی از حجره های صحن مطهر مدفون گردید .

آن مرحوم در شب 26 صفر 1336ق در نجف اشرف حضرت عزرائیل ملک الموت را در خواب می بیند، ایشان می گوید: پس از سلام از او پرسیدم از کجا می آیی؟ فرمود: از شیراز و روح مرحوم میرزا ابراهیم محلاتی را قبض کردم. آن گاه سؤال کردم روح او در برزخ در چه حالی است .

فرمود: در بهترین حالات و در بهترین باغ های عالم برزخ و خداوند هزار ملک موکل او کرده است که فرمان او را می برند. گفتم برای چه عملی از اعمال به چنین مقامی رسیده است؟ آیا برای مقام علمی و تدریس و تربیت شاگرد است؟ فرمود: نه. گفتم برای نماز جماعت و رساندن احکام به مردم؟ فرمود: نه. گفتم پس برای چه؟ فرمود: برای خواندن زیارت عاشورا (مرحوم میرزای محلاتی سی سال آخر عمرش زیارت عاشورا را ترک نکرد و هر روزی که به سبب بیماری یا امر دیگر نمی توانست بخواند نایب می گرفت .)

سپس شیخ از خواب بیدار می شود و فردا به منزل آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی می رود و خواب خود را برای ایشان نقل می کند. مرحوم میرزا محمد تقی با شنیدن آن به گریه می افتد، از ایشان سبب گریه را می پرسند، می فرماید: میرزای محلاتی از دنیا رفت، وی استوانه فقه بود. به ایشان گفتند شیخ خوابی دیده و واقعیت آن معلوم نیست. میرزا می فرماید: بلی خواب است، اما خواب شیخ مشکور است نه افراد عادی. فردای آن روز تلگراف فوت میرزای محلاتی از شیراز به نجف اشرف می رسد و صدق رؤیای شیخ آشکار می گردد .

این داستان را جمعی از فضلای نجف اشرف از مرحوم آیت الله سید عبد الهادی شیرازی نقل کرده اند. مرحوم آیت الله آقای حاج سید عبد الهادی فرموده اند: من در منزل مرحوم میرزا محمد تقی هنگام ورود شیخ جواد بن شیخ مشکور عرب و نقل این رؤیای مذکور حاضر بودم. و نیز دانشمند گرامی جناب حاج صدر الدین محلاتی فرزندزاده آن مرحوم از شیخ این داستان را شنیده اند .(1)

1- داستان های شگفت از مرحوم شهید آیت الله دستغیب شیرازی: 273، رقم 114. و نظیر آن در کتاب منتخب التواریخ، ص388 اینگونه آمده است: عالم جلیل القدر شیخ محمد علی شامی که از جمله علما و محصلین نجف اشرف است به حقیر فرمود که جد امی بلاواسطه من، جناب آقا سید ابراهیم دمشقی که نسبتش به سید مرتضی علم الهدی منتهی می شود و سن شریفش افزون بر نود سال و بسیار شریف و محترم بود، سه دختر داشت و اولاد ذکور نداشت شبی دختر بزرگشان در خ-واب دید جناب رقیه بنت الحسین علیهما السلام را که فرمود: «به پدرت بگو به وال-ی ب-گوید آب افتاده میان قبر و لحد من و بدن من در اذیت است بگو بیاید و قبر و لحد مرا تعمیر کند». دخترش به سید عرض کرد، سید از ترس حضرات اهل تسنن به خواب اثری مترتب ننمود . شب دوم دختر وسطی سید همین خواب را دید و باز به پدر گفت ترتیب اثری نداد. شب سوم دختر کوچک تر سید همین خواب را دید و به پدر گفت ایضاً ترتیب اثری نداد. شب چهارم خود سید، مخدره رقیه را در خواب دید که به طریق عتاب فرمود که «چرا والی را خبردار نکردی». سید بیدار شد صبح رفت نزد والی شام و خوابش را برای والی شام نقل کرد. والی امر کرد علما و صلحای شام از سنی و شیعه بروند غسل کنند و لباس های نظیف

در برکنند به دست هرکس قفل درب حرم باز شد همان کس برود و قبر مقدسه او را نبش کند و جسد مطهره را بیرون بیاورد تا قبر مطهر را تعمیر کنند. بزرگان و صلحا از شیعه وسنی در کمال آداب غسل کردند و لباس نظیف در بر کردند قفل به دست هیچ یک باز نشد مگر به دست مرحوم سید. بعد که میان حرم مشرف شدند، کلنگ هیچ یک به زمین اثر نکرد مگر کلنگ سید ابراهیم، سپس حرم را خلوت کردند و لحد را شکافتند دیدند بدن نازنین مخدره میان لحد و کفن آن مخدره مکرمه صحیح و سالم است، لیکن آب زیادی میان لحد جمع شده پس سید بدن شریف مخدره را از میان لحد بیرون آورد و روی زانوی خود نهاد و سه روز به همین روش بالای زانوی خود نگه داشت و متصل گریه می کرد تا آن که لحد مخدره را از بنیاد تعمیر کردند. اوقات نماز که می شد سید بدن مخدره را بالای شیئی نظیف می گذاشت بعد از فراغ باز بر می داشت و بر زانو می نهاد تا آن که از تعمیر قبر فارغ شدند، سید بدن مخدره را دفن کرد و از معجزه این مخدره در این سه روز سید نه محتاج به غذا شد و نه محتاج به آب و نه محتاج به تجدید وضو بعد که خواست مخدره را دفن کند سید دعا کرد خداوند پسری به او مرحمت نماید، دعای سید مستجاب شد و در این سن پیری خداوند به او پسر مرحمت فرمود مسمی به سید مصطفی . والی شام تفصیل واقعه را به سلطان عبد الحمید نوشت او هم تولیت زینبیه و مرقد شریف رقیه و مرقد شریف ام کلثوم و سکینه علیهما السلام را به او واگذار کرد . در کتاب معجزات و کرامات ائمه اطهار از سید میرزا هادی حسینی خراسانی از علمای معروف است که نوشته : وی گفته یکی از بستگان ما از بام خانه پایین می آمد، که در بین راه دست او را گزنده ای گزید. تدریجاً درد شدید شد به حدی که طاقت بر تحمل نداشت. در کربلا سادات شامی در دفع سموم معروف اند. وارد خانه ایشان شدیم. جوانی به نام سید عبد الامیر ما را در اطاق پذیرایی با احترام پذیرایی ن-مود. پرسید کجا درد می کند؟ جای نیش را به او نشان دادیم. فوراً انگشت خود را بر موضع درد گذارد. مریض گفت گویا آتش از شانه ام به زیر می آید. کم کم درد ساکن شد، سید مذکورگفت: من نه دعایی و نه دوایی دارم، این سرّی است در نسل ما و آن را از آبا و اجداد ارث می بریم. هر سمی که باشد زنبور یا عقرب یا مار اگر فوراً بیاورند به آب دهان و انگشت گذاردن علاج می کنیم. پرسیدم سرّ این امر چیست؟ گفت جدّ ما سید اسماعیل ساکن شام در دمشق بود. در زمانی که آب به مرقد مطهر حضرت رقیه خاتون علیها السلام افتاد رفتند قبر را شکافتند احدی جرأت نکرد جلو برود و نتوانست نزدیک شود و جثه مطهر آن معصومه مظلومه را بلند کند ولی جدّ ما که پیرمردی عابد و زاهد بود آن جسد مطهر را به روی

دست گرفت. فوراَ تعمیر لازم را کردند سپس دفن نمودند. از برکت آن معصومه در دست جد ما این اثر ماند و به ما به میراث رسیده است .

ص:50

ب) رفع خطر ابتلای شیعیان سامرا به وبا در اثر خواندن زیارت عاشورا

مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری در کتاب خاطرات (سرّ دلبران) که در مشهد نوشته اند و توسط آیت الله آقای استادی به چاپ رسیده فرموده اند: مرحوم پدرم فرمود با مرحوم میرزا علی آقای شیرازی درس خصوصی نزد مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی می خواندیم و من به امر مرحوم میرزا به آن درس می رفتم و با میرزا علی آقا فرزند میرزا محمد حسن شیرازی مباحثه می کردیم محل درس در بالا خانه بود. مرحوم

استاد آقای سید محمد فشارکی که از پائین صدای دوست یعنی آقای میرزا محمد تقی را شنید آمد بالا و این جریان موقعی بود که صحبت بود بیماری وبا در سامرا آمده است. ایشان در ضمن مذاکره و صحبت با مرحوم میرزا که با هم رفیق بوده و بحث دونفری داشتند روکرد و گفت: آقای میرزا من را مجتهد می دانی؟

ایشان گفتند: آری شما را مجتهد می دانم .

دوباره گفتند: مرا عادل می دانی؟

گفتند: بلی شما را عادل می دانم.

دفعه سوم گفتند: حکم مجتهد عادل را نافذ می دانی؟

مرحوم میرزا در جواب گفتند: اطلاق آن محل منع است. ایشان گفتند: من حکم کردم بر تمام مردان و زنان شیعه سامرا که زیارت عاشورا بخوانند و ثواب آن را هدیه نمایند به روح جناب نرجس خاتون علیها السلام والده ماجده حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و آن بزرگوار را شفیع نمایند نزد فرزندش حضرت حجت که ایشان شفاعت نمایند عندالله و من ضامن می شوم که هر کس این عمل را انجام دهد مبتلا به بیماری وبا نشود.

این حکم منتشر شد و همه عمل کردند و هیچ کس مبتلا به بیماری وبا از شیعه نشد. جز یک پاره دوز که معلوم نشد آن زیارت را خوانده یا نه و آیا به مرض وبا مرده است یا نه .

مرحوم آقای حائری می نویسد این از دلایل محکم حقانیت مذهب جعفری و صحت شفاعت و اعتبار زیارت عاشورا است و خود یکی از کرامات سید فشارکی است که می گوید من ضمانت می کنم هرکس این زیارت را بخواند به وبا گرفتار نشود. ضمانت مذکور به دلیل اطلاع ایشان بر غیبی

از غیوبه الله است و شاید به واسطه خلیفه الله فی ارضه باشد .(1) این داستان در کتاب الکلام یجر الکلام نیز نقل شده است .

ج) خواندن زیارت عاشورا برای پیدا شدن قالی های مسروقه

حدود پنجاه سال قبل مرحوم پدرم به دعوت جمعی از اهل کاشان برای امامت جماعت در یکی از مساجد آن شهر به کاشان هجرت کرد و در منزلی که تدارک دیده بود با عائله مستقر شد. در رأس دعوت کنندگان ایشان مرد صالحی بود به نام حاج ماندعلی جهان آرائی. جمعی از قالی فروشان که جای امنی برای انبار فرش نداشتند منزل آقای جهان آرائی را مکانی امن می دانستند و قالی های نفیس را در یک محوطه سر پوشیده که بخشی از منزل این مرد صالح بود به ودیعه به او می سپردند. در همان هفته اول ورود پدرم در کاشان، دزدان بخشی از قالی های امانتی و ملکی را با خراب کردن قسمتی از آن محوطه سرپوشیده به سرقت می برند .

بعضی از یاوه گویان هم این جریان را به عنوان بدقدمی پدرم مربوط می کردند. صاحبان قالی ها هم نیروی انتظامی آن روز را در جریان قرار دادند، ولی با تمام فعالیتی که انجام شد اثری از قالی های مسروقه مشاهده نشد .

آقای جهان آرائی به پدرم گفت آیا از طرق معنوی چیزی به خاطر دارید که مؤثر باشد؟ پدرم پاسخ داد روز جمعه بالای بام برود و زیارت عاشورا را به طور کامل بخواند و از خداوند مدد بطلبد. آن مرد صالح که از اوتاد

1- سرّ دلبران ، ص 88 .

عصر خود بود به دستور پدرم عمل کرد آنچه به یاد دارم همان روز نزدیک غروب جوانی برای به دست آوردن کبوترهای چاه نشین به چاه مخروبه قناتی که آب آن خشک شده بود می رود و می بیند ارتفاع چاه بسیار کم شده و زیر پای او هم اشیاء نرم احساس می شود، بعد از لحظاتی متوجه می شود که چاه انبار قالی شده، بدین ترتیب آن جوان پلیس را خبر کرد و معلوم شد که سارقین قالی های مسروقه را به آن چاه ریخته اند تا در فرصت مناسب به محل دیگر منتقل کنند .

د) دستور العمل مرحوم شاه آبادی

آیت الله شب زنده دار فرمودند: یکی از آقازاده های مرحوم آیت الله شاه آبادی گفتند: پدرم یک روز از مردم گله کرده بود که چرا حاضر نیستید به راه بیفتید (وترقی کنید) چند نفر اظهار آمادگی کرده بودند، پدرم فرمود نماز را اول وقت بخوانید و هر روز پس از پایان کار خمس درآمدتان را بدهید و هر روز زیارت عاشورا بخوانید .

یکی از آنان که به این دستور عمل کرده بود گفت روزی به مسجدی رفتم و به امام جماعت اقتدا کردم اما در بین نماز دیدم امام حاضر نیست و غایب است و باز دیدم حاضر است و دوباره غایب است پس از پایان نماز به او گفتم آقا من شما را در حال نماز چنین یافتم. فرمود راست است من امروز با همسرم بگو مگو داشتم و در حال نماز دوبار به خانه رفتم و با او دعوی کردم .(1)

1- روزنه هایی از عالم غیب ، ص 221.

از آنچه تاکنون بحث شده مشخص گردید :

الف - زیارت عاشورای معروف از زیاراتی است که به عنوان یکی از بزرگ ترین میراث های فرهنگی امامیه اثناعشریه می باشد. قاطبه علمای شیعه آن را محترم و به عنوان یک وسیله معنوی در ترسیم حق و باطل دانسته اند و در حل مشکلات به آن توسل می جویند .

ب - این زیارت در اصطلاح قدماء موثوق الصدور و صحیح دانسته شده و در اصطلاح متأخرین نیز بعضی از اسناد آن صحیح می باشد .

ج - در کتاب کامل الزیارات این زیارت با دو سند از امام باقر علیه السلام روایت شده است و طریق دوم آن قابل توجیه و تصحیح می باشد، در مصباح الزائر نیز به چند طریق روایت شده است که به گفته صاحب شفاء الصدور این طرق یا صحیح است یا حسن .

د - از منابع مهم این کتاب علاوه بر مصباح کبیر و مصباح صغیر از شیخ طوسی، کتاب مصباح الزائر از سید بن طاووس و کتاب المزار الکبیر از شیخ محمد مشهدی است که اخیراً هر دو کتاب به چاپ رسیده و شاید منشأ بعضی از اشکالات از نداشتن این دو کتاب به وجود آمده باشد.

ه- - نسخه خطی مصباح المتهجد، مشتمل بر تمام صد لعن و صد سلام می باشد مگر نسخه ای که مورد استفاده سید بن طاووس بوده است، لذا سید آن را از مصباح صغیر شیخ استفاده کرده و این امر مربوط به یک نسخه از مجموع نسخ می باشد و ملازمه ای با کذب سایر نسخه ها ندارد .

و - دعایی که صفوان از امام صادق علیه السلام بعد از زیارت خوانده است، مربوط به آداب بعد از زیارت است و نه جزء آن، ولی این دعا در برآمدن حاجات طبق روایت مؤثر می باشد .

در هر حال باید دانست که مصباح کبیر (مصباح المتهجد) و مصباح صغیر هر دو از شیخ طوسی است و این که سید می گوید بعضی از این زیارت (زیارت عاشورا) در نسخه او وجود ندارد، وهنی به مصباح صغیر وارد نمی کند، هم چنان که نقص یک نسخه خطی با وجود نقص در نسخه های دیگر ملازمه ندارد .

مرحوم شیخ در کتاب مصباح المتهجد این زیارت را به دو طریق از امام باقر علیه السلام و به یک طریق از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است، طریق اول را محمد بن اسماعیل بن بزیع از صالح بن عقبه از پدرش عقبه از امام باقر علیه السلام نقل کرده است .

طریق شیخ به محمد بن اسماعیل بن بزیع در نهایت اتقان و صحت است و کسی در این امر تشکیک ننموده است وثاقت محمد بن اسماعیل بن بزیع هم مورد اتفاق بزرگان می باشد. اما صالح بن عقبه را مرحوم علامه در کتاب «خلاصه» تضعیف کرده و اورا غالی و کذّاب دانسته است .(1)

لیکن مرحوم مامقانی فرموده است که کلام علامه برگرفته از رجال ابن غضائری است (که خود و کتابش از نظر وجود خارجی مشکوک است) و لذا بر تضعیفات او نباید اعتماد کرد .(2)

علامه نامدار و مجتهد بزرگوار مرحوم وحید بهبهانی اظهار داشته اند که تضعیفات ابن غضائری ناشی از نقل روایاتی است که حاکی از معجزات ائمه می باشد، زیرا در آن زمان و اوضاع آشفته، اموری را که امروزه جزو

1- خلاصه الاقوال، ص360.
2- تنقیح المقال، ج 1، ص 193؛ معجم رجال الحدیث ، ج1، ص 102.

ضروریات مذهب است، غلو محسوب می داشتند و راویان این گونه معجزات را غالی می نامیدند .(1)

آیت الله کریمی معتقدند علاوه بر این، چند دلیل بر وثاقت و حجیت قول صالح بن عقبه موجود است ، از جمله :

1- اعتماد محمد بن اسماعیل به روایات او توثیق عملی است .

2- ذکر وی توسط نجاشی در کتاب فهرست دلیل بر اعتبار او به عنوان یک مؤلف می باشد، زیرا مرحوم نجاشی در مقدمه کتابش فرموده است که من کسانی را مطرح می کنم که از سلف صالح می باشند .

این کلام مدح کلی کسانی است که در فهرست مؤلفان شیعه (معروف به رجال نجاشی) مطرح می باشند. از این رو با توجه به این مقدمه و قرائن دیگر، جمعی را عقیده بر آن است که سکوت نجاشی نسبت به جرح و تعدیل دلیل بر این است که نقطه ضعفی از او ملاحظه نشده است .

3- ذیل حدیث ذکر شده است که صالح بن عقبه همراه سیف بن عمیره و علقمه در محضر امام بودند، علقمه بعد از آن که امام از بیان آداب روز عاشورا فارغ شد، استدعای تعلیم زیارتی را کرده که از راه دور و نزدیک بتواند در روز عاشورا بخواند، بنابراین حلقه اخیر حدیث مشتمل بر سه نفر می باشد که از میان آنان سیف توثیق شده است و با این توضیحات سند زیارت معتبر خواهد بود .

بدین ترتیب می توان گفت ظاهر کلام این است که صالح بن عقبه و سیف از علقمه روایت کرده اند پس حلقه آخر منحصر به علقمه است، و باید

1- تنقیح المقال، ج 1، ص 193.

بررسی شود که علقمه چه کسی است؟ اما در کتاب های رجالی علقمه توثیق صریح نشده است و به اصطلاح مجهول می باشد .

ولی در سند دیگری که مرحوم شیخ آورده است، مذکور است که صفوان جمال با سیف بن عمیره در کنار مرقد مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام بودند بعد از آنکه از زیارت حضرت امیر علیه السلام فارغ شدند، صفوان گفت حضرت سید الشهدا (حسین بن علی) را هم از همین مکان رو به جانب کربلا زیارت کنیم و زیارت مرویه از امام باقر علیه السلام را که توسط علقمه ذکر شد خواند. سپس دو رکعت نماز زیارت خواند و دعایی که در واقع دعای صفوان می باشد (در زبان ها معروف شد به دعای علقمه) قرائت کرد سیف می گوید من به صفوان گفتم: زیارت عاشورا را علقمه از امام باقر علیه السلام برای ما نقل کرد و این دعا را ذکر نکرد، صفوان گفت: من در خدمت امام صادق علیه السلام به این مکان آمدم، امام صادق علیه السلام امام حسین علیه السلام را از این جا به همان کیفیت که بیان شد زیارت کرد و بعد از فرا غ از زیارت این دعا را خواند .

از این حکایت استنباط می شود که علقمه نزد صفوان مورد اعتماد بوده است، لذا خدشه ای بر او وارد نکرده است و زیارت منقول از امام باقر علیه السلام که مروی علقمه بود، مورد عمل امام صادق علیه السلام قرار داد .

با این توضیحات هم زیارت مصباح کبیر تأیید می شود و هم علقمه مورد اعتماد صفوان قرار می گیرد و هم سند زیارت امام باقر علیه السلامکه شیخ در مصباح کبیر نقل کرده است، معتبر شناخته می شود. باید افزود که مرحوم حاجی نوری و عده ای دیگر از بزرگان، این زیارت را از احادیث قدسی

محسوب می نمایند، زیرا سلسله سند آن به خداوند تبارک و تعالی شأنه منتهی می شود .(1)

1- اعتبار زیارت عاشورا ، صص 49 – 66.

فصل سوم : ارائهٔ شواهدی بر وجود هر چهار فقره در زیارت عاشورا

اشاره

ارائۀ شواهدی بر وجود هر چهار فقره در زیارت عاشورا

باتوجه به شواهدی که ارائه خواهیم کرد ، به نظر ما نسخۀ صحیح و بدون اعمال تقیّه از زیارت عاشورا در «مصباح کبیر» و «مصباح صغیر» مشتمل بر هر چهار فقره میباشد .

شاهد 1)- کلام مرحوم سید بن طاووس ، متوفی 644ه.ق

ایشان در کتاب شریف «مصباح الزائر» بعد از نقل زیارت عاشورا چنین میفرماید :

«هذه الزیاره نقلناه باسنادها من المصباح الکبیر و هو مقابل بخط مصنفه – رحمه الله- و لم یکن فی الفاظ الزیاره الفصلان یکرران مائۀ مرۀ و انما نقلنا الزیادۀ من المصباح الصغیر فاعلم ذلک؛ زیارت عاشورا را از کتاب مصباح کبیر نقل کردیم که با خط مصنف آن مقابله شده بود . البته در الفاظ زیارت ، دو فصلی که صد بار تکرار میشوند وجود نداشت و ما آن دو فصل را از کتاب مصباح صغیر نقل نمودیم .»(1)

آن چه از این عبارت استفاده میشود :

اولاً: نسخهای ارزشمند از «مصباح کبیر» در نزد سید بن طاووس بوده که این نسخه با نسخهای که به خط مرحوم شیخ طوسی بوده ، مقابله

1- مصباح الزائر، ص 278.

شده است . اگر چه مرحوم سید ، نامی از شخص یا اشخاص مقابله کننده به میان نیاورده ، اما چون از یک سو از عدم صحت این مقابله سخن نمیگوید و از سوی دیگر بخشهای عمدهٔ زیارت را از همان نسخه «مصباح کبیر» نقل میکند ، باید این نسخه را به پیروی از مرحوم سید نسخهای قابل قبول دانست .

ثانیاً: مستفاد از عبارت این است که در «مصباح کبیر» مذکور فقط فقرهٔ دوم و سوم – یعنی فقرهٔ مشتمل بر «صد لعن» و «صد سلام» - وجود نداشته و هرگز از این جمله نمیتوان فهمید که فقرهٔ اول «و معاویه و یزید بن معاویه ...» و فقرهٔ چهارم «اللهم خص انت اول ظالم ...» هم در آن نبوده است .

بله ! اگر علت حذف دو فقرهٔ دوم و سوم (صد لعن و صد سلام) را تقیه بدانیم ، میتوان حدس زد که فقرهٔ چهارم (اللهم خص انت اول ظالم) هم در نسخه نبوده است ، ولی به هر حال ظاهر کلام سید فقط عدم ذکر دو فقرهٔ دوم و سوم است .

ثالثاً: به طور قطع و یقین جناب سید المراقبین ، سید بن طاووس ، مطلبی را بدون اعتماد به نسخهٔ معتبر نقل نمیکند . او تا حدی امانت داری را رعایت کرده که صراحتاً میفرماید : «این دو فقره در مصباح کبیر نیست» ؛ حال که هم دو فقرهٔ دوم و سوم و هم فقرهٔ چهارم را از «مصباح صغیر» نقل میکند و اشارهای هم به عدم اعتماد بر نسخه نمیکند ، معلوم میشود که منبع را معتبر شمرده است . پس ما منبعی معتبر در اواسط قرن هفتم در دست داریم که هر چهار فقره در آن وجود دارد . روی همین اساس این که

برخی از افراد، فقرهٔ «اللهم خص انت اول ظالم ...» را مربوط به قرون اخیر میدانند ، کلامی سست و بی پایه است .

شاهد 2)- کلام مرحوم شهید اول، متوفی 786 ه.ق

مرحوم شهید اول در کتاب «مزار» هر چهار فقره را ذکر کرده است ؛ لذا کسانی که فقرهٔ چهارم را از اضافات و تزویرات غالیان در قرون اخیر میدانند ، حتماً باید منظورشان از مزوّرین، شخصیتهای بزرگواری چون شهید اول باشد ؟!!! و یا این که مرحوم شهید را مربوط به قرن 9 و 10 و قرون بعدی میشمرند !!!

شاهد 3)- کلام مرحوم کفعمی

مرحوم کفعمی از اعلام نام آور شیعه در قرن نهم در دو کتاب گران قدر «بلدالامین»(1) و «مصباح»(2)

هر چهار فقرهٔ مورد بحث را به همان نحو مشهور نقل فرموده است . ایشان در مقدمهٔ هر دو کتاب تصریح میفرماید که : این ادعیه و زیارات را از کتاب های معتبر، صحیح و پایدار(3)

نقل

1- بلدالامین، ص 271.
2- مصباح، ص 484 و 485.
3- «و قد جمعته من کتب معتمد علی صحتها، مامور بالتمسک یوثفی عروتها لا یغیرها کرّ العصرین و لا مر الملومین». [المصباح] «مأخوذة من کتب معتمد علی صحتها مأمور بالتمسک بعروتها لا یغیرها اختلاف العصرین و لا کر الملومین». [البلدالامین].

میکند. در پایان مصباح هم اولین منبع خود را «[مصباح] المتهجد» شیخ طوسی و «مختصر [مصباح] المتهجد] معرفی میکند .

حال به زعم باطل کسانی که فقرۀ چهارم را ساختۀ غالیان قرون اخیر میشمرند ، نسخههایی که از «مصباح کبیر» و «مصباح صغیر» - مربوط به پیش از قرن نهم- در دست مرحوم کفعمی- متوفی قرن نهم – بوده، به دست مزوّران قرنهای دهم، یازدهم یا دوازدهم نگاشته است؟ !!! یا این که – نعوذبالله العظیم- خود مرحوم کفعمی آغازگر این تزویر و تحریف بوده است ؟ !!!

شاهد 4)- کلام مرحوم ابن مشهدی

مرحوم «محمد بن جعفر المشهدی» از بزرگان قرن ششم در دو جای کتاب مزار خود که موسوم به «مزار کبیر» است، زیارت عاشورا را با چهار فقره نقل فرموده و در مقدمۀ کتابش چنین میگوید :

«فانی قد جمعت فی کتابی هذه من فنون الزیارات للمشاهد المشرفات و ما ورد فی الترغیب فی المساجد المبارکات و الادعیه المختارات ... مما اتصلت به من ثقات الزواۀ الی السادات»

کمترین مطلبی که از این مقدمه استفاده میشود ، اعتماد این بزرگوار بر منابع در اختیار خود و مؤلفین آنها بوده است . پس باید در منابع پیش از این بزرگوار که خود در قرن ششم میزیسته ، این فقرات زیارت موجود باشد .

در این جا باید دید که کتابی به عنوان «زیارهٔ عاشورا فی المیزان» مینویسد و فقرهٔ چهارم را تزویر و تحریف میداند ، چه سخنی برای گفتن دارد ؟!

شاهد5)- وجود این نسخه ها در اکثر نسخه های خطی

در اکثر نسخههای خطی موجود از «مصباح کبیر» و «مصباح صغیر» که به شهادت قرائن و گواهی شخصیتهایی نسخهشناس، مربوط به قرن پنجم است و نیز در بعضی از نسخههایی که نزد بزرگان مقابله و قرائت شده ، هر چهار فقره در متن نسخه ذکر شده است .

شاهد 6)- ذکر فقرات حذف شده در حاشیه

در اکثریت قریب به اتفاق نسخههای «مصباح کبیر» و «مصباح صغیر» که آن چهار فقره یا خصوص فقرهای اخیر یافت نمیشود ، مصحح کتاب ، آن را در حاشیه ذکر کرده است . این نسخهها در دست بزرگان از علما ، محدثان دقیق و نکته سنج ، فضلای متعبد بوده است . این تصحیحها را یا خود آنها انجام دادهاند و یا این که بعد از تصحیح آن را رؤیت کرده و اعتراضی نکردهاند . حال آیا میتوان با چشم پوشی از این مطالب ، به همهٔ آنها با دید تزویر نگاه کرد یا این که آنان را جاهلی دانست که از حقیقت غافل بوده اند ؟!!!

شاهد 7)- منهاج الصلاح علامۀ حلی

در نسخههای خطی از «منهاج الصلاح» علامه حلی،(1)

مشاهده کردیم که یا هر چهار فقره در متن کتاب آمده و یا این که به عنوان تصحیح در حاشیه ذکر شده است .

شاهد 8)- کتاب المزار محمدبن داوود

یکی از راویان بسیارگران قدر و موثق شیعه جناب «محمد بن داوود» است که نجاشی از او به عنوان «شیخ هذه الطائفه و عاملها و شیخ القميين فی وقته و فقیهم» یاد میکند . وی همچنین از قول استادش جناب «حسین بن عبیدالله الغضائری» نقل میکند که کسی را به قدرت حافظه ، تفقه و آشنایی به حدیث ، برتر از «محمد بن داوود» ندیده است . آنگاه تاریخ فوت او را 368 ه.ق میداند و نام یکی از کتابهای او را هم «المزار» معرفی میکند .(2)

مرحوم شیخ طوسی نیز در فهرست، کتاب مزار او را ، کتابی زیبا و بزرگ میشمرد .(3)

مرحوم علامه طهرانی در «الذریعه» ، گزارشی از این کتاب ارائه میدهد و بعد از اشاره به کلام نجاشی و شیخ میفرماید : «... ینقل عنه السیدعبدالکریم بن طاووس فی «فرحۀ الغری» و یظهر من نقل السید رضی

1- این کتاب مختصر «مصباح الکبیر» است.
2- اپرجال نجاشی، رقم 385.
3- فهرست شیخ طوسی، رقم 604.

الدین علی بن طاووس انه فی جزئین و یعبّر عنه فی الاقبال بالزیارات و الفضائل ... و عدّۀ الکفعمی من مآخذ کتابه «البلد الامین» کما فی آخره فیظهر وجوده عنده و الموجود فی الرضویه بخط السید محمد مرحوم الرضوی القائنی فی 1095»

نسخهای که علامۀ طهرانی از کتابخانۀ آستان قدس رضوی نشانه دارد ، مورد ملاحظۀ دقیق قرار گرفت ، این نسخه کتاب بزرگی نیست و تنها مشتمل بر 131 برگ است. ما اگر چه اطمینان نداریم که این نسخه منتسب به «محمد بن احمد بن داوود» است ، اما بالاخره این نسخه مربوط به سال 1095 ه.ق است که احتمالاً همان مزار «محمد بن احمد» باشد ، لذا این نسخه قرینه و مویّد مدعای ما است و در آن نسخه چهار فقرۀ مورد بحث از زیارت عاشورا با همان عبارت مشهور نقل شده است (1).

شاهد9)- پذیرش عملی متأخرین

پذیرش عملی بزرگان از متاخرین ما – که زیارت را به همان نحو مشهور قرائت و نقل فرمودهاند- میتواند مویّدی قوی در پذیرش زیارت کنونی دانست . به عنوان نمونه به موارد ذیل توجه کنید :

1- میزان تشیّع، ص 231.

الف) علامهٔ مجلسی این زیارت را به همین صورت معروف و با نقل هر چهار فقره در سه کتاب خود ذکر کرده است .(1)

ب) علامهٔ مجلسی خصوص فقرهٔ چهارم را - که برخی آن را ساخته و پرداختهٔ مزوّران میدانند - به صورت جداگانه در «بحارالانوار» نقل نموده و به آن استشهاد نموده است .(2)

ج) بزرگانی مثل «محدث بحرانی» در «مزار عوالم» ، «مولی رضی قزوینی» در «تظلم الزهراء» ،(3)

«سید حیدر کاظمی» ،(4)

«شیخ محمد اصطهباناتی»(5)

و محدث دقیق «مرحوم شیخ عباس قمی» در دو کتاب «مفاتیح الجنان و هدیۀالزائرین»(6)

و نیز «مرحوم ملا حبیب الله کاشانی» در کتاب «شرح زیارت عاشورا» و ... زیارت را با همین عبارت و مشتمل بر هر چهار فقره نقل فرمودهاند .

د) مصحح دانشمند و متتبع «مصباح کبیر» مطبوع در سال 1338 ه.ق که در سراسر کتاب و از جمله زیارت عاشورا ، به اختلاف نسخههای خیلی ساده هم پرداخته و نسخه بدلها را بان فرموده است ، زیارت عاشورا را مشتمل بر هر چهار فقره نقل کرده و هیچ اشارهای به عدم وجود این

1- بحارالانوار، ج 98، ص 296، تحفۀ الزائر، چاپ قدیم، باب هشتم، فصل اول، زیارت اول، زادالمعاد، چا پ قدیم، باب 6 ، فصل اول.
2- -بحارالانوار، ج 30، ص 399.
3- تظلم الزهرا، ص 403.
4- عمدۀالزائر، ص 147.
5- -نور العین فی المشی الی زیارۀ قبر الحسین علیه السلام ، ص 286.
6- هدیه الزائرین، ص 139.

فقرات – مخصوصاً فقرهٔ چهارم- در بعضی از نسخهها نمیکند . در این زمینه به دو نکتهٔ ذیل هم توجه فرمایید :

اولاً: ایشان در تصحیح خود پنج نسخهٔ خطی بسیار ارزشمند را معیار قرار داده است . از جملهٔ نسخهها ، نسخهای عتیق میباشد که اکنون در آستان مقدس رضوی است و مربوط به سال 502 ه.ق میباشد . این نسخه ، همان نسخهای است که برخی چنین وانمود میکنند که آنها کاشف نسخه بودهاند و مصححان زیارت عاشورا از وجود آن اطلاعی نداشتند .

ثانیاً: مرحوم علم الهدی این مقابله و تصحیح را با همکاری گروهی از عاملان مورد وثوق مشهد رضوی انجام داده و در مقدمهٔ مصباح چنین میفرماید :

«... فتحسّست الکتب من عند علماءهم و جمعتُ خمس نسخ من دارالکتب للعالم المحدث الفقیه الحاج شیخ عبدالحسین دامت برکاته و کانت نسخته مصححهً من نسخهٔ قوبلت بخطوط ابن ادریس و ابن السکون (قدس سرهما) و ثانیها نسخهٌ عتیقهٌ مت دارالکتب للعالم الفاضل و الادیب الکامل مادح اهل البیت بدایع نگار آستان رضوی و هی اقدم نسخهٍ وجدتها فی المشهد المقدس بل ما عثرت باقدمَ منها فی اسئر البلدان اذ تاریخ کتابتها بهذا النص : «اتفق الفراغ عن استنساخه عند الضَّحوَهٔ من یوم الخمسین الثالث و العشرین من صفر سنهٔ اثنان و خمسم أهٔ هجریهٔ فی المشهدالمقدس الرضوی علی ساکنهٔ السلام و الصلواهٔ من نسخهٔ الشیخ الجلیل الصائن العفیف الحاجی بن اسحاق ابراهیم بن محمد الماوراء النهری» لانّه کان قریباً من زمان مصنفه باثنین و اربعین سنهٔ. و ثالثها نسخهٔ عتیقهٔ من دارالکتب

الفقیه الفقید السیدالجلیل میرزا عبدالحسین یزدی طاب ثراه و کانت تلک النسخهٔ مصححهٔ ایضاً من خطوط ابن ادریس و ابن السکون المقدم ذکرهما. و رابعها: نسخهٔ عتیقهٔ اخذتها من دارالکتب مدینهٔالعلم و مهبط الوحی المخصوصهٔ لعتبهٔ الرضویهٔ ئ خامسها: نسخهٔ عتیقهٔ کانت عندی. فبعد ما جمعت الکتب المزبور دعوت ثقاهٔ من علماء المشهد و اتقیائهم لمساعدتی فی المقابلهٔ فاجابوا شکر الله مساعیهم دعوتی فبذلوا جهدهم فی ذلک ... ؛ علم الهدی مصحح کتاب مصباح میفرماید : ... من برای تصحیح و مقابلهٔ مصباح به مشهد آمدم . نسخهها را از علمای مشهد جستجو کردم و در نهایت پنج نسخه را پیدا کردم .

اولین نسخه از کتابخانهٔ عالم محدث و فقیه ، حاج شیخ عبدالحسین دامت برکاته بود. این نسخه با نسخهای که با خط ابن ادریس و ابن سکون مقابله شده بود ، تصحیح شده بود .

دومین نسخه ، نسخهای عتیق بود از کتابخانهٔ عالم فاضل و ادیب ، مداح اهل بیت بدایع نگار آستان قدس رضوی نسخهٔ یاد شده ، قدیمیترین نسخهای بودکه در مشهد مقدس به دست آوردم . بلکه در سایر شهرها نیز نسخهای قدیمی تر پیدا نکردم . تاریخ کتابت این نسخه با این عبارت بود : «پایان کتابت این نسخه هنگام ظهر از روز پنج شنبه بیست و سوم صفر، سال 502 هجری ، در مشهد مقدس رضوی بر ساکن آن سلام و درود . از نسخهٔ شیخ جلیل، با تقوا و عفیف حاجی ابن اسحاق ابراهیم بن محمد ماوراء النهری صورت گرفت . علت عتیق بودن آن هم این است که نسخهٔ ذکر شده از زمان مصنف آن چهل و دو سال بیشتر فاصله نداشت .

سومین نسخه ، نسخهای عیتق از کتابخانه ی فقیه فقید سید بزرگوار میرزا عبدالحسین یزدی بود . آن نسخه هم تصحیح شده بود با نسخهای که با خط ابن ادریس و ابن سکون مطابقت داده شده بود .

چهارمین نسخه ، نسخهای عتیق بود که از کتابخانه شهر علم و مهبط وحی دریافت کردم ، این نسخه ، مخصوص عتبۀ رضویه بود .

پنجمین نسخه ، نسخهای عتیق بود که نزد خودم بود . بعد از آن که کتابهای نوشته شده را جمع آوری کردم ، معتمدینی از با تقواترین علمای مشهد را دعوت کردم تا در مقابلۀ کتابها ما را یاری دهند و آنها نیز دعوت مرا اجابت کردند و تمام تلاش خود را در این راه به کار بردند . خداوند به آنها جزای خیر دهد . »(1)

ه-) دهها دانشمند بزرگ و حدیث شناس فقیه که یا تمام زیارت عاشورا را شرح دادهاند ، یا پیرامون فقراتی از توضیحاتی مطرح کردهاند ، و یا این که کیفیت خواندن آن را بیان فرمودهاند(2)، هیچگونه اشارهای به عدم وجود چهار فقرۀ مزبور و از جمله فقره چهارم نداشتهاند .

1- مصباح، چاپ 1338ق.
2- ر.ک: المداخلات الکامله، ص 17 به بعد ؛ زیارۀ عاشورا تحفۀ من السماء، ص 174 به بعد.

شاهد 10)- نقل داستان شیخ طوسی توسط بزرگان

اشاره

علی رغم گمان مدعیان کشف تزویر که داستان معروف شیخ طوسی با خلیفۀ عباسی را ساختگی میپندارند، این قضیه توسط اعاظم ، شاهد صدقی بر وقع آن است . این قضیه مؤیّدی است بر این که زیارت عاشورا در مصباح شیخ طوسی با همین عبارت مشهور و از جمله وجود فقرۀ چهارم از زمان شیخ موجود بوده است . دانشمندانی که این حکایت را گزارش کردهاند عبارتند از :

«مرحوم قاضی نورالله شوشتری» ،(1) «قطب الدین محمدلاهیجی اشکوری»(2) «مرحوم بحرالعلوم» ،(3)

«مرحوم صاحب حدائق» ،(4) «مرحوم مامقانی» ،(5)

«مرحوم روضاتی» ،(6) «مرحوم تنکابنی»،(7)

«مرحوم حبیب الله کاشانی»،(8) «مرحوم ملا علی علیاری»،(9) «مرحوم میرزا ابوالفضل تهرانی»(10) و دیگران نقل فرمودهاند .

1- مجالس المؤمنین، چاپ قدیم، شرح حال شیخ طوسی.
2- لؤلؤ البحرین، ص 294؛ الذریعه، ج 20، ص 141.
3- رجال بحرالعلوم، ج3، ص 105.
4- لؤلؤ البحرین ، ص 294.
5- تنقیح المقال، ج3، ص 105.
6- روضات الجنات، ج6، ص 226.
7- قصص العلماء، ص 396.
8- شرح زیارت عاشورا، ص 105.
9- بهجۀ الآمال، ج6، ص 364.
10- شفاء الصدور، ص 364.

چگونه است که پذیرش این امر برای بعضی سنگین آمده و حال آن که خود مرحوم شیخ طوسی در کتاب «فهرست» ، داستانی را که شبیه به همین داستان است از جناب «ابویحیی احمد بن داوود بن سعید الفرازی» نقل میکند .(1)

نقل ماجرای شیخ طوسی

عدهای شکایت شیخ طوسی را نزد خلیفهٔ عباسی بردند. به او گفتند : شیخ و یارانش صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دشنام میدهند . دلیل این مطلب هم وجود این عبارت در کتاب «مصباح» او است : «اللهم خص انت اول ظالم ...» خلیفهٔ عباسی ، مرحوم شیخ را احضار کرده و از حقیقت ماجرا پرسید . شیخ طوسی در مقام تقیّه چنان فرمود : مراد از این عبارات ، آن چیزی نبوده که به ذهن بدگویان رسیده . بلکه مراد از «اول» قابیل، قاتل هابیل بود . او اولین کسی بود که قتل و ظلم را پایه ریزی کرد . منظور از «ثانی» قیدار است که ناقهٔ صالح را پی کرد . مراد از «ثالث» قاتل یحیی بن زکریا است که به خاطر سرکشی یکی از سرکشان بنی اسرائیل او را به قتل رساند . مراد از «رابع» هم عبدالرحمان بن ملجم قاتل علی بن ابیطالب علیهما السلام است و وقتی خلیفه این سخنان را از شیخ شنید سخنانش را پذیرفت و جایگاهش را نزد خود بالاتر برد . آنگاه از بدگویان انتقام گرفته و از خود دورشان کرد .

1- ر.ک: فهرست شیخ طوسی، رقم 100؛ میزان تشیع، ص 236.

شاهد 11)- موافقت مضمون هر چهار فقره با روایات و زیارات

اشاره

شاهد بعدی موافقت مضمون هر چهار فقره با روایات و زیارات بسیار است ؛ آن هم به صورتی که در مورد مضمون آن میتوان ادعای تواتر معنوی داشت . در سه فقره از آن ، بانیان اصلی فاجعه و ادامه دهندگان راه آنها به صورت اشاره یا کنایه و یا به شکل صریح معرفی و لعن شدهاند . در یک فقره هم که به امام شهید و اصحاب او عرض سلام و ادب میکنیم ؛ وراجع به سلام که بحثی نیست ، اما راجع به لعن با عناوین خاص و بعضاً کنایی ، به نصوصی اشاره میکنیم که در آنها هم امثال این تعابیر ذکر شده . نصوصی چون :

«الاولان» ، «الاول و الثانی و الثالث و الرابع» ، «ملعونان» ، «خدّاعان» ، «ناکثان» ، «اعرابیان» ، «هامان و فرعون» ، «جبت و طاغوت» ، «خداعان» ، «ناکثان»، «اعرابیان» ، «هامان و فرعون» ، «جبت و طاغوت» ، «خداعان» ، «الجبتان» ، «صنمی قریش»، «اوثان اربعه» ، «ود» ، «یعوق» ، «یغوث» ، «نسر» و ...(1)

ادعایی عجیب در مورد فقرهٔ چهارم

مضحک این که جناب کاشف التزویر ! گمان میکند که فقط این «فقرهٔ چهارم» است که باعث جنگها و فتنهها بین شیعه و سنّی شده ! او بر این باور است که چه بسا این عبارت توسط متعصبین از اهل سنت اضافه شده

1- ر.ک: کتاب چهار جلدی «الاَسرار فیما کُنّی و عُرِفَ بِهِ الاشرارُ، دارالحق، بیروت.

است ! آن گاه هدف آنها از انجام این را هم مبارزه با مکتب تشیع میداند ! او برای این سخن دلیل سخیفی ارائه میدهد و میگوید : در این فقره، کلمهٔ «الرابع» ذکر شده و منظور از آن هم خلیفهٔ چهارم علی علیه السلام است !

این فرد آن قدر به خود زحمت نداده که به متن این فقره از زیارت دقت کند . در این فقره آمده : «اللهم خص انت اول ظالم» ؛ یعنی مبنای شمارش در این جمله «ظلم» است ، نه «خلافت» ! به عبارت دیگر این جمله در صدد لعن اولین ظالم ، دومین ، سومین و چهارمین و پنجمین ظالم و غاصب است؛ نه در صدد شمارش اولین و دومین و ... خلیفه !

اگر از معاویه گاهی با نام یاد میشود و گاهی هم به صورت کنایی و با عنوان «رابع» ، به جهت آن است که سلسلهٔ ظلم را ترسیم نماید تا بر همگان روشن شود که شخص سفّاک و کافری چون یزید ، در حلقهٔ پنجم از این سلسلهٔ ظلم و ستم قرار دارد. حلقهای که هرچه به ابتدای آن نزدیک تر میشویم ، به ریشه و عامل اصلی تمام جنایت ها و درنده خوییهایی که در کربلا واقع شد، نزدیک تر شدهایم .(1)

حقیقت زیارت عاشورا در کلام شیخ صدوق

تمام حقیقت زیارت عاشورا و فقرهٔ چهارم مورد بحث در سخن بلند شیخ المحدثین مرحوم صدوق جمع است که اعتقاد شیعه را دربارهٔ ظالمین به اهل بیت علیهم السلام بیان میکند :

1- میزان تشیّع، ص 238.

«باب الاعتقاد فی الظالمین ...: اعتقادنا فیهم أنّهم ملعونون، و البراءه منهم واجبه و ... و الظلم وضع الشی ء فی غیر موضعه، فمن ادّعی الإمامه و لیس بإمام فهو ظالم ملعون، و من وضع الإمامه فی غیر أهلها فهو ظالم ملعون... قَالَ الصَّادِقُ- عَلَیْهِ السَّلَامُ-: «مَنْ شَکَّ فِی کُفْرِ أَعْدَائِنَا وَ الظَّالِمِینَ لَنَا فَهُوَ کَافِرٌ».

ا و أمّا فاطمه صلوات اللّه علیها فاعتقادنا فیها أنّها سیده نساء العالمین من الأوّلین و الآخرین، و أنّ اللّه یغضب لغضبها، و یرضی لرضاها و أنّها خرجت من الدنیا ساخطه علی ظالمیها و غاصبیها و مانعی إرثها... و اعتقادنا فی البراءه أنّها واجبه من الأوثان الأربعه و من الانداد الأربعه و من جمیع أشیاعهم و أتباعهم، و أنّهم شرّ خلق اللّه. و لا یتم الإقرار باللّه و برسوله و بالأئمّه إلّا بالبراءه من أعدائهم. و اعتقادنا فی قتله الأنبیاء و قتله الأئمّه أنّهم کفّار مشرکون مخلدون فی أسفل درک من النّار. و من اعتقد فیهم غیر ما ذکرناه فلیس عندنا من دین اللّه فی شی ء ؛

ابن بابویه رحمه اللَّه علیه گوید :

اعتقاد ما درباره ظالمان آن است که آنها ملعون هستند . و اظهار برائت و تبری از آنها واجب است . (بعد آیاتی را مطرح فرموده) در ادامه چنین میگوید : ظلم عبارت است از :

نهادن چیزی در غیر موضع خود ، پس هر که ادعای امامت کند و امام نباشد ، چنین کسی ظالم و ملعون است . کسی که امامت را به غیر اهلش بسپارد ، چنین شخصی هم ظالم و ملعون است . (آنگاه روایاتی را ذکر

میکند) . حضرت صادق علیه السلام فرمودند : کسی که در کفر دشمنان و ظلم کنندگان به ما شک داشته باشد، کافر است .» ...

و اما فاطمه علیها السلام ، اعتقاد ما در مورد آن حضرت این است که : ایشان بانوی زنان عالمیان از اولین و آخرین هستند ، و [نیز معتقدیم که] حقتعالی غضب میفرماید به سبب غضب او، و خشنود می شود به خشنودی او. [و معتقدیم که] آن حضرت از دنیا مفارقت کند در حالی که بر کسانی که بر او ظلم کرده و حقش را غصب کردند و مانع ارثش شدند ، غضبناک بود ... و اعتقاد ما در برائت از «اوثان اربعه ، چهار بت» ، «انداد اربعه»(1) . و از جمیع پیروان و تابعین آنها واجب است . و [معتقدیم که] آنها بدترین خلق خداوند هستند و اقرار به خداوند و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم و اقرار به ائمه معصومین علیهم السلام کامل نمیشود ، مگر با بیزاری و برائت جستن از دشمنان آنها .

اعتقاد ما در مورد قاتلین انبیای الهی و قاتلین ائمه معصومین علیهم السلام این است که آنها کافر و مشرک هستند و در پایینترین جای دوزخ جای دارند و کسی که در مورد آنها اعتقادی غیر از این چیزی که گفتیم داشته باشد ، به نظر ما در دین خداوند نیست .»(2)

لازم به تذکر است که مرحوم شیخ مفید با این که در کتاب «تصحیح الاعتقاد» برخی از کلمات و اعتقادات شیخ صدوق را نقد میکند ، در این

1- چهار بت و چهار شریک عبارتند از: (یغوث و یَعُوق و نَسر و هُبَل) (لات و عُزّی و مَنات و شَعری)
2- اعتقادات الإمامیه و تصحیح الاعتقاد، ج 1، ص 104 تا 106.

بخش هیچ سخنی ندارد. همچنین علامۀ مجلسی در بحارالانوار کلامی از علامۀ حلی نقل فرموده که مشابه فرمایش مرحوم صدوق است.(1)

علامه مجلسی رحمه الله در بحار، از علامه حلی رحمه الله در شرح الیاقوت، حکایت میکند که گفت:

اعتقاد ما درباره برائت این است که [باید برائت جست] از اوثان و اِناث چهارگانه و از همۀ پیروان و دنباله روآن آنها، و اینکه آنان بدترین آفریده های خدایند، و اقرار به خدا و رسول او و به امامان علیهم السلام ، تمام نمی شود مگر با برائت از دشمنان آنان ... .

بنابراین هماهنگی مضمونی هر چهار فقره با اعتقادات ضروری و قطعی شیعه ، شاهد صدقی بر عدم تحقق زیاده ، عدم تحریف و تزویر است .

پس کسی که به گمان خود زیارت عاشورا را در ترازوی سنجش گذاشته و در راه نگارش کتاب «زیارهٔ عاشورا فی المیزان» سه سال از عمر خود را تلف میکند ، باید به این حقیقت تن در دهد که : «زیارت عاشورا هی المیزان» . همچنین بداند که مخالفت با این میزان و معیار ، خروج قطعی از آیین و اعتقادات مسلم تشیّع است .

شاهد 12) : ذکر سه اصل برای رفع تردید

اشاره

اگر بر فرض کسی بگوید : «من از یک سو با توجه به مجموع شواهد فوق و از سوی دیگر باتوجه به سخن مدعیان تحریف و تزویر دچار تردید

1- ر.ک: بحارالانوار، ج8، ص 366.

شدهام» ، در چنین صورتی تکلیف او رجوع به اصل است و ما در این مورد به سه اصل اشاره میکنیم :

اصل اول : اصل عدم خیانت و تزویر

معنای شک این است که اگر ما در تحقیق «خیانت» ، «تزویر» و انجام تحریف توسط کاتبان و ناسخان تردید داریم ، در چنین حالی از آن جا که کاتب فردی مسلمان است ، خیانت و تزویر و تحریف ، بر خلاف ظهور حال وی بوده و محتاج به اثبات و اقامهٔ دلیل است . روی همین اساس اگر دلیلی بر تزویر نداشته و در وقوع آن شک داشتیم، اصلِ عدم تحقق خیانت و تزویر جاری است .

اصل دوم: اصل عدم اجتهاد در استنساخ

فرض کنید خیانتی در کار نیست ، اما آیا ممکن است که ناسخ از روی «اجتهاد» و برای تفهیم مطلب یا به غرض دیگر مطلبی را به زیارت عاشورا اضافه کرده باشد یا نه ؟ در این جا عُقلا چنین عملی را خلاف کار محوّل شده به وی دانسته و میگویند : اگر هم بر فرض غرضی در بیان یک جملهٔ اضافه وجود داشته باشد ، باید ناسخ به نحوی اضافات را از متن جدا کند ، و گر نه این عمل تدلیس و خیانت است ؛ هر چند که کاتب قصدی هم نداشته باشد. پس هرگز نمیتوان وجود این چهار فقره را ناشی از برداشت و اجتهاد کاتبان دانست .

اصل سوم: اصل عدم زیاده

معنای این اصل عقلایی آن است که اگر شک کنیم کاتب از روی «غفلت» ، کلمه یا جمله‌ای را اضافه کرده است ، اصل عقلایی در عدم غفلت بوده و وجود غفلت محتاج به اقامهٔ شاهد است . فرض ما هم بر این است که شاهد و دلیلی بر این امر نداریم . البته عُقلا در چنین جایی اصل دیگری را نیز به نام «اصل عدم نقیصه» جاری میدانند . یعنی اگر شک کنیم در نسخه‌هایی که فاقد هر چهار فقره یا بعضی از این فقرات است ، غفلت و نقیصه‌ای صورت گرفته است یا نه ؟ عقلا اصل عدم غفلت و در نتیجه اصل عدم نقیصه جاری میشود .

حال در این جا ما هستیم و دو اصل : یکی «اصل عدم زیاده» و دیگری «اصل عدم نقیصه» ؛ لذا ممکن است گفته شود : «این دو اصل با یکدیگر تعارض و تساقط میکنند و چون هیچ دلیل بر وجود این فقرات نداریم ، پس عملاً زیارت عاشورا فاقد این فقرات شد» .

پاسخ این است که : عقلا در اصل عدم غفلت بین «غفلت در انجام زیاده» با «غفلت در ایجاد نقیصه» فرق میگذارند و میگویند : «اصل عدم زیاده» بر «اصل عدم نقیصه» مقدم است . چون بسیار بعید است که ناسخ از روی غفلت کلمه‌ای را (تا چه رسد به جمله ، جملات و فقرات) اضافه کند ، اما احتمال این که غفلتاً چیزی را به هنگام استنساخ از قلم بیندازد بعید نیست و عملاً اتفاق میافتد .

تقدم «اصل عدم زیاده» بر «اصل عدم نقیصه» نهایتاً در مورد زیاده و نقیصهٔ یک حرف یا کلمه و حداکثر چند کلمه قابل قبول است ، نه در زیاده و نقیصهٔ جمله و جملات ! در زیارت عاشورا حداکثر چهار فقره و

حداقل خصوص فقرۀ چهارم مورد تردید در زیاده و نقیصه قرار گرفته است . در این جا عُقلا «اصل عدم غفلت در نقیصه» را مثل «اصل عدم غفلت در زیاده» میدانند و هیچ کدام را مقدم نمیکنند . بنابراین معتقدیم که در این بحث ، اصلی به نام «اصل عدم زیاده» وجود ندارد ، اما همانگونه که ملاحظه فرمودید «اصل عدم خیانت» و «اصل عدم اجتهاد در استنساخ» برای اثبات مدعای ما کافی بود .(1)

بیان دو نکته ضروری

نکتۀ اول: فهمی نادرست از معنای «اصل عدم زیاده»

و تقدم آن بر اصل عدم نقیصه از نظر برخی از علمای اصول همان مطلبی بود که بیان شد ، نه آن چه جناب کاشف التزویر از اصل عدم زیاده بیان کرده است .(2)

نویسندهای با ارائۀ شش نسخه از «مصباح کبیر» در پی اثبات آن است که در زیارت عاشورا و به خصوص در فقرۀ چهارم ، تزویر و و تحریف رخ داده است :

نسخۀ اول : نسخۀ نقاش رازی است که تاریخ کتابت آن به سال 502 ه.ق میرسد و قدیمیترین نسخۀ موجود از «مصباح کبیر» است . در این نسخه ، دو فقرۀ «صد لعن» و «صد سلام» و فقرۀ «اللهم خص انت ...» در متن نیست ، هر چند که این فقرات در حاشیه و با خطی مغایر با متن

1- میزان تشیّع، ص 240-242.
2- ر ک: زیارۀ عاشورا فی المیزان، ص 124 و 130.

ذکر شدهاند . ارزش این نسخۀ عتیق فقط به قدمت آن نیست ، بلکه تصحیحات ، قرائتها و مقابلههایی توسط برخی از علما بر روی آن انجام شده است .

نسخۀ دوم : نسخهای است از کتابخانۀ مرحوم آیت الله مرعشی نجفی که متن آن دقیقاً منطبق با نسخۀ پیشین است و فقرات چهارگانه در حاشیه و با خطی مغایر با متن نوشته شده است . این نسخه به گفتۀ ایشان مربوط به قرن ششم است .

نسخۀ سوم : نسخۀ سید بن طاووس است که در «مصباح الزائر» گزارش آن را داده و چنین گفته : «نسخهای از «مصباح کبیر» که در نزد من است و با نسخۀ شیه طوسی مقابله شده است ، دو فصلی را که صد بار تکرار میشوند ، ندارد و من آن دو فصل را از مصباح صغیر نقل کردهام» . از نظر نویسنده ، این نسخۀ مصباح که نزد سید بن طاووس بوده دقیقاً مثل دو نسخۀ قبل است و هیچ تزویری در آن راه پیدا نکرده است .

نسخۀ چهارم : نسخهای که کاتب آن «بخشی تونی» است . این نسخه مربوط به قرن نهم هجری است و قرائتها و تصحیحهایی بر روی آن انجام شده است . از جملۀ این قرائتها ، قرائتی است که فرزند ناسخ به نام «کمال بن بخشی» در محضر محقق کرکی انجام داده است . زیارت عاشورا در این نسخه هم مثل نسخۀ «سید بن طاووس» و دیگر نسخههای یاد شدۀ پیشین است و باز هم با خطی که با متن تفاوت دارد ، فرازهای یاد شده در حاشیه ذکر شده است .

نسخهٔ پنجم : نسخهٔ «جد حفصی» است مربوط به قرن دهم است و متن آن هم دقیقاً مثل نسخههای قبل است ؛ با این تفاوت که در حاشیهٔ این نسخه به فرازهای مذکور هیچ اشارهای نشده است .

نسخهٔ ششم : نسخهٔ «خواجه شیراحمد» است که مربوط به قرن یازدهم هجری است . این نسخه هم نسخهای است مهم و موافق با پنج نسخهٔ قبل و مثل نسخهٔ نقاش ، مرعشی و بخشی ، فقرات مورد بحث در حاشیه با خط مغایر با متن آمده است .

این نویسنده از شش نسخه نتیجه میگیرد که چون این نسخهها قدیمیترین و صحیحترین نسخهها هستند پس با اطمینان ! میتوان گفت که فقرهٔ «اللهم خص انت..» توسط تزویرگران به زیارت عاشورا اضافه شده است !(1)

اگر چه با توجه به مطالب پیشین سستی این سخنان بارز و آشکار شد، اما در این جا مناسب است به برخی از موارد تزویر در گفته های این شخص اشاره کنیم:

1)- این قلم به دست بارها تکرار کرده است که نسخهٔ «مصباح کبیر» که نزد «سید بن طاووس» بوده، مثل پنج نسخهٔ خطی نامبرده است ؛ در حالی که:

1- زیاره عاشورا فی المیزان، ص 143 تا 212.

اولاً : فقرهٔ اول که بعد از لعن به ابوسفیان شروع میشود و پایانش «... بالموالاهٔ لنبیک و آل نبیک» هست ، در نسخهٔ مصباح «سید بن طاووس» موجود بوده ، ولی در متن این پنج نسخه نیست .

ثانیاً : فقرهٔ چهارم «اللهم خص انت ...» در نسخهٔ مصباح «سید بن طاووس» بوده ، ولی در متن این پنج نسخه نیست .

دلیل ادعای ما این است که «سید بن طاووس» تصریح فرمود در نسخهٔ مصباح کبیری که در نزد من است و با نسخهای که به خط مصنف بوده مقابله شده است فقرهٔ دوم و سوم نیست ؛ یعنی دو فقرهٔ مشتمل بر «صد لعن» و «صد سلام» ، و هیچ اشارهای به فقدان فقرهٔ اول و چهارم نمیکند .(1)

پس این مطلب ، تزویری است آشکار که این نویسنده بارها مرتکب آن شده است .

2)- تزویر دوم این است که نویسنده بارها وانمود کرده ، فقرهٔ چهارم تزویری است که در قرون اخیر و توسط افراد مزوّر صورت گرفته است ، افرادی که به دنبال ایجاد تنش بین شیعه و سنی هستند ؛ در حالی که تمام نسخههای موجود از «مصباح الزائر» سید بن طاووس فقرهٔ چهارم را نقل کرده است . جناب آقای «سید بن طاووس» که متوفی سال 664ه.ق است ، مربوط به قرون متاخره بوده ؟! و آیا منبع او در نقل این قسمت نسخههای قرن دهم به بعد بوده است ؟!

1- «لَم یَکُن فی الفاظِ الزِّیارهِٔ الفَصلانِ الَّذانِ یکَرِّرَانِ مِئَهَٔ مَرَّهٔ»، مصباح الزائر، ص 278.

3)- قانون تحقیق- و نه تزویر- این بود که هم موارد مثبت و دارای اهمیت را در پنج نسخه متذکر میشد و هم کمبودها و نواقص آنها را ؛ لذا در عین اعتراف به اهمیت والای این نسخهها چنین میگوییم :

«یکی از نکتههای منفی در این نسخهها نبودن فقرهٔ اول است که در تمام متونی که زیارت عاشورا را نقل کردهاند یافت میشود و نبودنش در متن این پنج نسخه نمرهای منفی به این نسخهها میدهد . همچنین نمرهٔ منفی دیگر ، نبودن فقرهٔ دوم و سوم است که غیر از این نسخه و نسخهٔ «سید بن طاووس» در همهٔ نسخهها و متون مختلفه مثل مصباح و کامل الزیارات و ... نقل شده است . خود «سید بن طاووس» هم متوجه این اشکال بوده است ؛ روی همین اساس، دو فقرهٔ دوم و سوم را از «مصباح صغیر» نقل میکند .»

4)- تزویر دیگر نویسنده این است که هیچ اشارهای به اشکالات فنی و نسخهای موجود در پنج نسخهٔ خطی نمیکند ، در حالی که هر پنج نسخه دچار اشکالهایی است که ما از ذکر آنها خودداری کرده و خوانندهٔ گرامی را به کتاب تحقیقی: «المداخلات الکامله فی رد مدعی التزویر» ارجاع میدهیم .

در این کتاب به صورت مبسوط و محققانه با چشم پوشی از مناقشههای کوچکی که میتوان بر آن داشت این مطلب بررسی شده است .

5)- این شخص در بررسی نسخهها به هیچ وجه وجود حالت خفقان و شرایط سخت شیعه که لازمهاش تقیّه است را ملاحظه نکرده است . ما بعید میدانیم این نویسنده تا این حد بی اطلاع باشد که نفهمد شیعه در چه زمانی زندگی میکرده و با چه شرایط سختی روبرو بوده است . روی

همین حساب برای عدم لحاظ تقیّه ، هیچ توجیهی غیر از «تزویر» نویسنده نمیتوانیم بیابیم . در یک کلام اگر خوانندهٔ گرامی مجدداً به همین شواهدی که در این فصل ارائه دادیم مراجعه کند ، به موارد تزویر سخن این نویسنده پی خواهد برد .

نکتهٔ دوم: مقایسهٔ نقل «کامل الزیارات» با «مصباح المتهجد»

آن عده از سعادتمندان که مورد عنایت حضرت سیدالشهداء علیه السلامقرار گرفته نسبت به زیارت عاشورا میراث جاوید عاشورا عرض ادب نمودهاند ، در باب نقل منابع این زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلامنیز تحقیق داشتهاند ، نخستین آن را «کامل الزیارات» نوشتهٔ ابن قولویه قمی (در قرن چهارم هجری قمری) و دومین منبع را «مصباح المتهجد» شیخ طوسی (در قرن پنجم) و سومین آن را «مزار کبیر» محمد بن جعفر مشهدی (در قرن ششم) و ...(1) دانستهاند . اگر طبق سنّت اهل تحقیق که قدیمیترین منبع را در واقع نزدیکترین سند به عصر معصوم علیه السلامملاکِ پژوهش و بررسی قرار میدهند بخواهیم ملاک قرار دهیم نسخهٔ ابن قولویه قمی رحمه الله که یک قرن قبل از شیخ طوسی رحمه الله میزیسته ، این فراز از زیارت عاشورا به این صورت آمده است : «اللَّهُمَ خُصَ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِیِّکَ بِاللَّعْنِ

1- 4-1) مصباح الزائر از سید علی بن موسی بن طاووس در قرن هفتم، 5)- فرحهٔ العزی از سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس در قرن هفتم، 6)- منهاج الصلاح از علامه حلی در قرن هشتم، 7)- مزار شهید اول در قرن هشتم، 8)- البلدالامین از تقی الدین ابراهیم کفعمی در قرن دهم، 9)- بحارالانوار از مجلسی و تحفه الزائر در قرن یازدهم (زیارت عاشورا فراتر از شبهه، تألیف آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی رحمه الله، ص 92).

ثُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ وَ أَبَاهُ وَ الْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ وَ بَنِی أُمَيَّةَ قَاطِبَةً إِلَی يَوْمِ الْقِيَامَهِ»(1)

در حالی که باز هم با چشم پوشی از اختلاف نسخههای جزیی در اکثر نسخههای «مصباح کبیر» ، «مصباح صغیر» و دیگر منابع فقرۀ چهارم اینگونه است :

«اللَّهُمَ خُصَ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّی، وَ ابْدَأْ بِهِ أَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِیَ وَ الثَّالِثَ وَ الرَّابِعَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِساً، وَ الْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنَ زِيَادٍ وَ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ شِمْراً، وَ آلَ أَبِی سُفْيَانَ وَ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ إِلَی يَوْمِ الْقِيَامَهِ.»

آنچه در این مورد میتوان گفت :

اولاً: اصل عدم خیانت در هر دو عبارت جاری است و هیچ یک تعارضی با یکدیگر ندارند . بنابراین در خواندن هر دو عبارت ، هیچ اشکالی وجود ندارد .

ثانیاً : میتوانیم بگوییم : با توجه به این که زیارت عاشورا از دو امام بزرگوار یعنی امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده است ، ممکن است اختلاف هر دو عبارت ، مربوط به نقل هر یک از دو بزرگوار باشد .

ثالثاً : احتمال دارد هر دو عبارت از هر دو امام باشد ؛ منتها یکی مربوط به زمان تقیّه باشد (عبارت کامل الزیارات) و دیگری مربوط به غیر زمان

1- کامل الزیارات ، ابن قولویه، ترجمه سید علی حسینی، ص 620.

تقیّه باشد (عبارت مصباح) . همان گونه که در بعضی از زیارتها به این نکته اشاره شده و گفته شده که این زیارت مربوط به زمان تقیّه است .(1)

رابعاً : اگر نوبت به سنجش و ترجیح برسد ، ترجیح سندی با نقل «مصباح المتهجد» است ؛ زیرا همانگونه که مشاهده فرمودید یکی از سندهای مصباح قطعاً صحیح است ، در حالی که هیچ یک از دو سند کامل الزیارات صحیح اصطلاحی نیستند .

1- یونس بن ظبیان عن ای عبدالله علیه السلام قال: قلت به جعلت فداک زیارة قبر الحسین علیه السلام فی حال التقیه قال اذا اتیت الفرات فاغتسل ثم ...، ر.ک: کامل الزیارات، الباب الخامس و الأربعون ثواب من زار الحسین علیه السلام و علیه خوف، ص 126. و در کتاب من لا یحضر الفقیه ، ج2، ص 598 بابی با عنوان بَابُ مَا یُجْزِی مِنْ زِیَارَهِ الْحُسَیْنِ علیه السلام فِی حَالِ التَّقِیَّه قرار داده شده است.

فصل چهارم : تصاویر بعضی از نسخ خطی زیارت عاشورا

اشاره

ص:91

تصاویر بعضی از نسخ خطی زیارت عاشورا

نسخه مصباح المتهجد معروف به نسخه بروجردی

ص:92

نسخه مصباح الزائر سید بن طاووس رحمه الله

ص:93

نسخه مصباح الصغیر، ابن ابی الجود

نسخه کامل الزيارات کتابخانه آيت الله مرعشی رحمه الله

نسخه مصباح المتهجد کتابخانه آستان قدس رضوی

نسخه تحفةالزائر علامه مجلسی رحمه الله ، کتابخانه آستان قدس رضوی

فصل پنجم : شبهه تحریف زیارت عاشورا و پاسخ مفصل و قاطع به آن

اشاره

ص:99

شبهه تحریف زیارت عاشورا و پاسخ مفصل و قاطع به آن

حجت الاسلام شیخ حسین راضی ، در مقالهٔ خود سعی دارد با استناد به نسخههای خطی که در دسترس وی بوده ، اثبات نماید که فقراتی که صد مرتبه تکرار میباشند و نیز قسمت آخر زیارت عاشورا که مشتمل بر لعن است ، در نسخههای اصلی کتاب «مصباح المتهجد» شیخ طوسی رحمه الله وجود ندارد و زیارت عاشورایی که رایج است و چاپ میشود ، تحریف شده است .

نقد زیارت عاشورا و دیدگاه شیخ راضی

برای روز عاشورا ، چهار روایت و زیارت نقل شده است :

1)- زیارت امام حسین علیه السلام که علقمه ، از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است . این زیارت در «کامل الزیارات» ابن قولویه رحمه الله ، «مصباح المتهجد الکبیر» و «مصباح المتهجد صغیر» شیخ طوسی رحمه الله آمده است . همین زیارت را سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «مصباح الزائر» و ابن مشهدی رحمه الله در کتاب «المزار الکبیر» به صورت مرسله از مصباح نقل کردهاند . زیارت عاشورای متداول ، همین زیارت است .

2)- زیارت عاشورایی که عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است . این زیارت در «مصباح المتهجد کبیر» شیخ طوسی رحمه الله ، «اقبال

الاعمال» سید بن طاووس رحمه الله (با سند خودش) و «المزار الکبیر» ابن مشهدی رحمه الله (با سند صحیح خودش) آمده است .

3)- زیارتی که سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «اقبال» ذکر کرده است .

4)- زیارتی که سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «مصباح الزائر» آورده است .

با مراجعه به کتاب «کامل الزیارات» ، تفاوت زیارت عاشورای آن کتاب ، با زیارت رایج معلوم میگردد . اولین کسی که باب نقد و منازعه در زیارت عاشورا را باز کرد ، سید بن طاووس رحمه الله بود که میگوید : «من این زیارت را از کتاب «مصباح الکبیر» شیخ طوسی رحمه الله که به خط خودش نوشته ، نقل کردم ، در حالی که دو فصل آخر یعنی لعن و سلام صد مرتبه تکرار و فصل «اللَّهُمَ خُصَ...» در آن نبود . و حال آنکه بعد از چندین قرن ، کتابهایی که زیارت را از «مصباح »نقل کردهاند ، همگی دارای لعن و سلام و فصل آخر میباشند که همین سخن سید ، موجب گردید تا به بررسی نسخههای خطی کتاب مصباح شیخ طوسی رحمه الله بپردازیم .

منشأ تحریف

در راستای این تحقیق ، به نسخههای فراوانی از کتاب «مصباح المتهجد الکبیر» شیخ طوسی رحمه الله دسترسی یافته ، چرا که سرمنشأ اصلی این تحریفات موجود را ، حذف و اضافاتی دیدم که بر این نسخه وارد شده است . به طور کلی نسخههای موجود از این کتاب را به سه دسته میتوان تقسیم نمود :

1)- نسخههایی است که با نسخه شیخ طوسی رحمه الله مطابقت دارند و سید بن طاووس رحمه الله نیز زیارت عاشورا را از این نسخهها نقل کرده است .

2)- نسخههایی است که با نسخههای قدیمی کتاب «مختصر المصباح» شیخ طوسی رحمه الله مطابقت دارند ، البته همراه با برخی اضافات .

3)- نسخههایی که نه با «مصباح الکبیر» و نه با «مصباح الصغیر» مطابقت ندارد و تنها چیزی که در آنها فراوان است ، تحریفات و اضافات بر زیارت عاشوراست.

بازکاوی نسخههای خطی

1)- قسم اول (نسخ صحیحه که لعن ندارند) شامل شش نسخه است :

نسخه نقاش رازی نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی

نسخه رضی الدین بن طاووس نسخه بخشی تونی

نسخه جد حفصی نسخه خواجه شیر احمد

مهمترین آنها نسخه «نقاش رازی» است که در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد نگهداری میشود . در متن نسخه این گونه آمده است : «قرأ کاتب النسخه هذه ابو مسعود عبدالجبار بن علی بن منصور النقاش الرازی علی شیخه ابی اسحاق ابراهیم ماوراء النهری و اعطاه اجازهً للروایهٔ ؛ کاتب این نسخه حاضر ، ابومسعود عبدالجبار بن علی بن منصور بن نقاش رازی ، قرائت کرد این نسخه را بر استادش ابی اسحاق ابراهیم ماوراء النهری و او نیز به کاتب نسخه ، اجازه روایت این نسخه را صادر فرمود .»

از برخی قرائن که در حاشیه نسخه موجود است ، فهمیده میشود که ابن ادریس آن را بر درویستی قرائت کرده است . بر اساس گفته برخی خط شناسان ، اجازهای برای ابن ادریس در این نسخه هست که به خط

علامه حلی رحمه الله میباشد . چون در آن عبارت آمده : «... حسن بن مطهر بن علی...» .

از آنجا که تاریخ نسخه (23/2/502 ه.ق) است یعنی فقط 42 سال بعد از وفات مؤلف ، این نسخه از قدیمیترین نسخههای خطی کتاب «مصباح الکبیر» شیخ طوسی رحمه الله است .

2)- قسم دوم (نسخههای نیمه محرف هستند) که با نسخه قدیمی مختصر المصباح مطابقت دارند ، ولی مقداری هم زوائد دارند . این نسخ عبارتند از :

نسخه نصیرالملک : این نسخه فقرات مورد بحث را دارا است ، به استثنای «اَوَّلًا ثُمَّ العَنِّ الثَّانِیَ وَ الثَّالِثَ وَ الرَّابِعَ».

نسخه دماوندی : در این نسخه ، در فقره آخر زیارت آمده است :

«... اللَّهُمَّ الْعَنْ یَزِیدَ بْنَ مُعَاوِیَه وَ الْعَنْ عُبَیْدَ اللَّهِ بْنَ زِیَادٍ...»

3)- قسم سوم : نسخههایی که لعن در آنها آمده ، ولی عنوان نسخه بدل را ندارند . در این جا به تعدادی از آنها اشاره میکنیم :

نسخه ابن ابی الجود

این نسخه دچار اشکالات زیر است :

1)- تاریخ نسخه و نام ناسخ این نسخه مجهول و نامعلوم است .

2)- در نسخه مختصر المصباح سلسله سند ، متصلاً به مصنف شیخ طوسی رحمه الله میرسد در حالی که در این جا اتصالی وجود ندارد .

نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی

ص:103

این نسخه دارای دو خط متفاوت در صفحات مختلف نسخه است که نشانه بارز بروز وجود تحریف در این نسخه است .

نسخه شیخ عباس قمی رحمه الله

این نسخه در مسجد گوهرشاد مشهد نگهداری میشود . علت نام گذاری این نسخه به نسخه شیخ عباس قمی رحمه الله ، این است که این نسخه در دست شیخ به امانت بوده است .

اشکالات وارد بر این نسخه عبارتند از :

1)- هیچ مستندی از قبیل اجازه و یا نام شخص مقابل (کسی که نسخه بر نسخه او مقابله شده است) وجود ندارد .

2)- این نسخه از نسخههای قرن یازدهم میباشد و حال آن که نسخه شخص رازی به قرن ششم تعلق دارد و با آن نسخه در تعارض است .

نتیجه گیری شیخ راضی

نتیجهای که با بررسی نسخهها میتوان به آن دست یافت ، این است که تنها معتمداً بر حسب ویژگیهای منحصر به فردی که دارا بود ، از قبیل قدمت و اجازهها و اتصال نام به نسخههای مصنف «نسخه نقاش رازی» میتواند باشد .

نسخهای که فصلهای پایانی مشتمل بر لعن و سلام را ندارد .

پاسخ شیخ یوسف احمد احسایی

اشاره

بعد از آن که شیخ راضی با ادله و مدارکی که ارائه نمود ، ادعای وجود تحریف در زیارت عاشورای موجود در کتب ادعیه حاضر را مطرح کرد ، کسانی که از مقاله مزبور اطلاع پیدا کردند ، در مقام پاسخگویی و نقد برآمدند که در این میان متقن ترین و مستدلترین پاسخ ، توسط «شیخ یوسف احمد احسایی» مسئول مؤسسه الزهرا علیها السلام قم ارائه شد . ایشان نقدهای خود را در قالب کتابی تحت عنوان «المداخلات الکامله فی رد مدعی التزویر» منتشر کرده است که به اختصار به بیان پاسخهای ارائه شده توسط ایشان میپردازیم :

اشکال اول

در ابتدا به شکل ارائه بحثها توسط شیخ راضی ، ایراد وارد است ، زیرا پسندیده نیست چنین مباحثی در جمع انسانهای غیر متخصص و غیر محقق ارائه شود . حتی چنین بحثهایی قابلیت طرح در مجامع روشنفکری جامعه را نیز ندارند ، در حالی که این مطالب غامض و تخصصی در جمع عوام و توده جوانان خالی الذهن جامعه مطرح شده است ؛ زیرا روشن فکر یا مهندس و یا هر شخص دیگری توانایی شناخت نسخه صحیح از ناصحیح را ندارد ؛ چون به دانش نسخه شناسی اشراف و احاطهای ندارد . پس سزاوار بود که این مباحث در میان اهل نظر و تحقیق مطرح میشد ، تا به نقد و بررسی عالمانه مطالب پرداخته شود .

اشکال دوم

اشکالات محتوایی شیخ راضی است که در این مباحث ، فراوان با آن مواجه میشویم . از جمله در ابتدای بحث خود ، از زیارت عاشورا با نام زیارت متعارف یاد میکنند که برای خواننده معنای سطحی از زیارت برداشت میشود . بهتر بود از عبارت : زیارت معروف و مشهور و مورد عمل یاد میکرد .

احسایی ، چندین صفحه از کتاب خود را به بیان و اثبات و اهتمام و توجه نسبت به این زیارت مقدس که از جانب علمای شیعه از گذشته تا حال صورت گرفته ، اختصاص میدهند که به همین راستا از هفتاد تن از علمای شیعه نام میبرند .

اشکال سوم

اشکال مبنایی است . چرا که شیخ راضی مبنای خود را در بسیاری از جهات ، بر پیش فرضهای سابق خود و عقاید شخصیاش بنا نهاده است .

چون شیخ راضی معتقد است که لعن جزء دین نیست و نباید لعن کرد و لعن از مصادیق فحش و ناسزاست ، باید از آن اجتناب نمود. به خاطر همین باور درونی ، هر جا که مدرک و نسخه ، خلاف مدعایش را ثابت کند ، به راحتی آنها را نادیده میگیرد و خود را به تغافل میزنند و هر جا که دلیل و مدرک مؤیّد اوست ، آن را با الفاظ مختلف و شیوهای گوناگون در ذهن مخاطبش جا میاندازد .

اشکال چهارم

شیخ راضی ، در جایی از بحث خود میگوید : بیشتر جنگها و خونریزیهای واقع شده در اسلام (میان تسنن و شیعیان) به خاطر وجود همین فقرات لعن آخر زیارت میباشد .

احسایی میگوید : این تهمتی بیش نیست ؛ چرا که او فقط فقرات زیارات را آورده است و بس . این جنگها و خونریزیها نیز هیچ ارتباطی به لعنهای موجود در زیارت عاشورا ندارد .

اشکال پنجم

کمبود سواد نسخه شناسی شیخ راضی است . به همین علت به توضیح سه اصطلاح مهم «مقابله ، قرائت و اجازه» میپردازد . در این راستا نسخه «نقاش رازی» را که حکم پایه و اساس استدلال راضی را دارد ، ویران میکند . به این صورت که :

نقاش رازی در نقل نسخه خود به نسخه ماوراء النهری اعتماد کرده است که به دلیل مجهولیت این شخص (ماوراءالنهری) ، این نسخه از اعتبار ساقط است . و تمامی مطالب مطرح شده از قبیل اجازات علامه حلی رحمه الله و غیره همه بر پایه احتمالات است .

هیچگاه با شاید و احتمال نمیتوان یک بحث علمی مهم را بنا نهاد. البته شیخ راضی ادعای تطابق نسخه نقاش با نسخه سید رحمه الله را مطرح کرده است که این صرف ادعاست و نیاز به دلیل دارد .

اشکال ششم

شیخ راضی بر اصل قدمت نسخه تأکید دارد و حال آن که معیار صحت یک نسخه ، اقدمیت آن نیست ، بلکه تامیت سند نسخه به نسخه مخطوط

ص:107

مصنف ، دارای اهمیت به سزایی است ؛ لذا شیخ یوسف احمد احسایی ، در پایان بحث خود از هفت نسخه نام میبرد که با وجود تأخر زمانی از نسخه نقاش ، اما وجود سند صحیح متصل السند به نسخه مصنف ، باعث ارجحیت این نسخهها شده است و مُثبِت وجود لعن در زیارت عاشورا هستند .

بیان صحت نسخ مصباح المتهجد

اشاره

او از میان نسخههای مخدوش شده توسط شیخ راضی که بالغ بر شصت و چهار نسخه میباشد ، برای اثبات وجود فقرات پایانی زیارت عاشورا یعنی لعنها ، به هفت نسخه استناد میکند که دو نسخه در درجه اول صحت قرار دارند ، یعنی دارای اتصال تام و کامل به نسخه مصنف هستند که عبارتند از :

نسخه غیاث الدین استرآبادی

نسخه ابن ابی الجود

1)- در خصوص نسخه خطی «مصباح کبیر»

اشاره

کتاب «مصباح کبیر» شیخ طوسی رحمه الله از کتب ادعیه معروف است که زیارت عاشورا در این کتاب نقل شده است و نسخ خطی از مصباح متهجد کبیر (که به زمان شیخ طوسی رحمه الله بر میگردد) وجود دارد که میتو ان ضمن تطبیق نسخ موجود با آن نسخه تمام فرازهای زیارت عاشورا را به اثبات برساند .

در اینجا به بعضی از نسخی که محل شاهد ما میباشد اشاره میشود تا ادعای ما در خصوص زیارت عاشورا را به اثبات برساند .

الف: نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی رحمه الله

اشاره

این نسخه مهمترین نسحه از مصباح کبیر میباشد به دلیل اینکه بین نسخه «مصباح الکبیر» و نسخه مرحوم « غیاث الدین استرآبادی رحمه الله » طریق مشترک وجود دارد که به زمان خود شیخ طوسی رحمه الله بر میگردد و این مقابله نسخه با نسخه شیخ طوسی رحمه الله از مولی احمد بن حاجی محمد بشروی تونی رحمه الله ذکر نموده است که این مقابله مذکور در حقیقت به سه مقابله بر میگردد که آنها را مورد بررسی قرار میدهیم :

مقابله اول : مقابله نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی رحمه الله بر نسخه مرحوم حسن بن راشد رحمه الله ، و این مقابله توسط مرحوم احمد تونی رحمه الله صورت گرفته است .

مقابله دوم : مقابله نسخه مرحوم حسن بن راشد رحمه الله بر نسخه مرحوم علی بن احمد رمیلی رحمه الله و با ذکر این مقابله روشن میشود که نسخه ابتدا توسط مرحوم حسن بن راشد رحمه الله بر نسخه مرحوم علی بن احمد رمیلی رحمه الله صورت گرفته و خود مرحوم علی بن احمد رمیلی رحمه الله نسخه خود را با نسخه مرحوم ابن سکون رحمه الله مقابله نموده است .

مقابله سوم : نسخه مرحوم حسن بن راشد رحمه الله بر نسخههای متعدده ، از جمله مقابله نموده با نسخه مرحوم ابن ادریس رحمه الله و نسخه مرحوم ابن ادریس رحمه الله مقابله شده با نسخه مصنف مرحوم شیخ طوسی رحمه الله و مقابله کننده اول ، عمادالدین شریف استرآبادی رحمه الله است و مقابله کننده دوم مرحوم ابن ادریس رحمه الله است .

بعد از بررسی سلسله مقابلههایی که صورت گرفته به این نتیجه میرسیم که نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی رحمه الله به نسخه مرحوم شیخ طوسی رحمه الله از نظر سند متصل است و میتوان به صحت نسخه غیاث الدین استرآبادی پی برد .

مقابله صورت گرفته با بررسی مقابلههایی که صورت گرفتهاند بدین شرح میباشد : مرحوم غیاث الدین استرآبادی رحمه الله مقابله کرده نسخه خود را بر نسخه مرحوم حسن بن راشد رحمه الله و مرحوم حسن بن راشد رحمه الله مقابله کرده نسخه خود را به نسخه علی بن احمد الرمیلی رحمه الله و مرحوم علی بن احمد الرمیلی رحمه الله نسخه خود را مقابله کرده بر نسخه ابن سکون و مرحوم ابن سکون رحمه الله نسخه خود را مقابله کرده با نسخه شیخ طوسی رحمه الله . نسخه حسن بن راشد رحمه الله با نسخ مختلفی مقابله شده است از جمله آن مقابلهها ، مقابله نسخه حسن بن راشد رحمه الله با نسخه ابن ادریس است که نسخه ابن ادریس به زمان شیخ طوسی رحمه الله میرسد .

تذکری در خصوص نسخه غیاث الدین استرآبادی رحمه الله

این نسخه بنابر آنچه گذشت :

1)- نسخه توسط خود غیاث الدین استرآبادی رحمه الله کپی شده است .

2)- این نسخه طبق اجازه‌ای که بر آن ثبت شده است ، یکی از شاگردان استرآبادی این نسخه را برایشان قرائت کرده است .

3)- این نسخه با دقت از نسخه شیخ طوسی رحمه الله کپی گرفته شده است .

4)- بنابر یادداشتی که بر نسخه استرآبادی رحمه الله وجود دارد ، دوبار با نسخه اصلی تطبیق شده است .

اجارات که بر روی نسخه غیاث الدین رحمه الله وجود دارد به زمان خود مؤلف شیخ طوسی رحمه الله میرسد و اینگونه در نسخه ثبت شده است کاتب نسخه غیاث الدین بن شمس الدین نجم استرآبادی رحمه الله و کپی این نسخه در 15 شعبان سال 912 ق به اتمام رسیده است . و در آخرین صفحه نسخه غیاث الدین رحمه الله دارد :

«فی یوم الخمس خامس عشر من شهر شعبان المعظم المنتظم فی سلک شهور سنهٔ اثنی عشر و تسعمائهٔ هجریهٔ بنبویه علی صاحبه الصلوات النامیه رب کما وفقتنی لاتمامه وفقنی للتحلی بما فیه ربنا تقبل منا انک انت السمیع العلیم و ارحم عبد آقا ... و انا العبد ... غیاث الدین بن شمس الدین .»

در آخر نسخه غیاث الدین استرآبادی رحمه الله احمد بن حاجی محمد معروف به تونی در حاشیه مطلبی دارد که دال بر اعتبار این نسخه است .

تونی رحمه الله در حاشیه ذکر کرده است که این نسخه را مکرر بر طبق نسخههای مختلف تصریح کرده است و نسخی که از روی آن تصحیح صورت گرفته به زمان شیخ طوسی رحمه الله میرسد .

مرحوم تونی رحمه الله در حاشیه اینگونه میگوید :

«بلغت المقابلهٔ بنسخهٔ مصححهٔ و قد بذلنا الجهد فی تصحیح و اصلاح ما وجد فیه من الغلط الا ما زاغ عند البصر و حسر عنه النظر ؛ یعنی : نسخه خود را با نسخه مصححه مقابله کرده و در آن تلاش کردم که اشتباه را از نسخهام زائل کنم مگر آنکه چشم به خطا رفته باشد ».

حسن بن راشد در حاشیه دیگر نسخه غیاث الدین رحمه الله ذکر میکند :

«بلغت مقابلته بنسخهٔ مصححهٔ بخط علی بن احمد المعروف بالمریلی ، ذکر انه نقل نسخته تلک من خط علی بن محمد السکون و قابلها بها بالمشهد المقدس الحائری الحسینی سلام الله علیه ، و کان ذلک فی سابع شعبان المعظم عمت میامنه من سنهٔ ثلاثین و ثمان مائهٔ کتبه الفقیر الی الله حسن بن راشد ؛ یعنی: نسخه خود را با نسخه ای به خط علی بن احمد معروف به رمیلی رحمه الله مقابله کردهام و مرحوم رمیلی رحمه الله گفته که نسخه خود را با نسخه علی بن محمد سکون رحمه الله در کربلای معلی در هفتم شعبان 830ه مقاله کردهام ».

و همچنین در حاشیه دیگر ازنسخه غیاث الدین رحمه الله مرحوم حسن بن راشد رحمه الله میگوید :

«بلغت المقابلهٔ بنسخ متعددهٔ صحیحهٔ و ذلک فی شهر شعبان من سنهٔ احدی و سبعین و تسعمائهٔ ، و کان واحد من النسخ بخط الشیخ العالم الفاضل محمد بن ادریس العجلی صاحب کتاب (السرائر)؛ یعنی من نسخه خود را با نسخ متعدد در شعبان سال 971 ق مقابله کردم و یکی از نسخ ، نسخه شیخ ابن ادریس رحمه الله میباشد . (لازم به ذکر است که نسخهٔ ابن ادریس به زمان شیخ طوسی رحمه الله بر میگردد).

و در آخر نسخه خود ابن ادریس رحمه الله دارد :

«فرغ من نقله و کتابته محمد بن منصور بن احمد بن ادریس بن الحسین بن القاسم بن عیسی العجلی فی جمادی الاولی سنهٔ سبعین و خمسمائهٔ (خلده الله تعالی) و عورض هذا الکتاب بالاصل المسطور بخط المصنف رحمه الله و بذلت فیه و سعی و مجهوری الا ما زاغ عنه نظری و حسر عنه بصری ، الله الله من غیّ فیه شیئاً او بدل و تعاطی ما لیس فیه فانه اقسم علیه بحق الله سبحانه و محمد صلی الله علیه و آله و سلم ان یغیر فیه حرفاً او یبدل فیه لفظاً من اعراب و غیره و رحم الله من نظر فیه و دعا له و للمؤمنین بالغفران».

یعنی : من نسخه خود را در سال 572 ه . ق به پایان رساندم و آن را با نسخه مؤلف (شیخ طوسی رحمه الله) مقابله کردم .

در آخر نسخه استرآبادی میگوید :

«.. و کتب العبد الاقل عمادالدین علی الشریف القاری الاستّرادی فی السنهٔ المذکورهٔ ، ونحن حین قابلناه بذلک الاصل کان معنا مختصر المصباح بخط العالم العابد الورع علی بن محمد بن محمد بن علی بن السکون الحلی رحمه الله فکلما کتبنا علیه بخطهما فالمراد ابن السکون و ابن ادریس. و کان الفراغ منها فی اوائل شهر محرم الحرام من شهور سنهٔ ثمان و ستین بعد الالف من لهجرهٔالنبویه علیه الصلاهٔ و التحیهٔ »

و در آخر نسخه مرحوم استرآبادی میگوید :

نسخه خود را با نسخه اصل ابن سکون و ابن ادریس الحلی تطبیق نموده و نسخه خود را در اوائل محرم الحرام سال 1068 ه.ق به پایان رساندهام . (فراتر از شبهه ، ص 313)

ص:114

صفحه اول نسخه غیاث الدین

ص:115

صفحه زیارت عاشورا نسخه غیاث الدین

ص:116

صفحه آخر نسخه غیاث الدین

ب: نسخه ابن ابی الجود

اشاره

این نسخه یکی از مهمترین نسخ «مصباح الکبیر» است و صحیحترین نسخه موجود میباشد و به واسطه اجازهای که در این کتاب موجود است زمان آن به شیخ طوسی رحمه الله میرسد ، اجازه را مرحوم سید حیدر حسینی رحمه الله به مرحوم ربیب الدین ابن ابی الجود رحمه الله داده است و خود مرحوم سید حسینی رحمه الله اجازه را از استادش مرحوم ابن شهر آشوب رحمه الله گرفته است . (صاحب کتاب معالمالدین) و خود مرحوم ابن شهر آشوب رحمه الله از جدش و استادش مرحوم شهرآشوب سروی اجازه داشته و مرحوم شهرآشوب سروی رحمه الله از استادش مرحوم شیخ طوسی رحمه الله مجاز بوده است . با توجه به مطلب فوق و سلسله اجازات مذکور بر متتبع منصف ظاهر میشود که نسخه مرحوم ابن ابی الجود رحمه الله به زمان شیخ طوسی رحمه الله بر میگردد که نسخه کپی جلد اول آن موجود میباشد . این نسخه در حال حاضر در مرکز بزرگ مخطوطات دارالصدیقهٔ الشهیده علیها السلام نگهداری میشود و نسخهٔ دیگری در مکتبه آیت الله نجفی مرعشی رحمه الله میباشد که مشهور است که نسخه مرحوم ابن ابی جارود رحمه الله است و لیکن بعد از تتبع ، بر ما روشن شد که نسخه متأخر بوده و نسخهٔ اصلی نمیباشد ؛ بلکه نسخه ای است که از روی نسخه ابن ابی الجود رحمه الله کپی گرفته شده است. لازم به تذکر است نسخهای که مربوط به ابن ابی جود رحمه الله و نسخه اصلی است ، به تاریخ 627 ق بر میگردد و اجازه مرحوم حیدر

حسینی رحمه الله که بر روی نسخه حک شده ، سال 629 ق میباشد روشن میشود که سید حیدر حسینی رحمه الله ، بعد از کپی گرفتن از نسخه اصلی ابی جود رحمه الله آن را به ابی جود رحمه الله نشان داده و ابی جود رحمه الله اجازه را بر آن ثبت کرده است و نسخه موجود نسخه اصلی ابی جود رحمه الله نمیباشد ؛ بلکه کپی آن است که توسط سید حیدر حسینی رحمه الله نوشته شده است .

این نسخه خطی فعلاً در کتابخانه «دارالصدیقهٔ الشهیدهٔ علیها السلام» نگهداری میشود .

تأیید بر نسخه غیاث الدین رحمه الله و ابن ابی جود رحمه الله

چهار نسخه وجود دارد که میتواند تأیید بر نسخه مرحوم غیاثالدین استرآبادی رحمه الله و نسخهٔ مرحوم ابن ابیجود رحمه الله باشد که آن نسخهها عبارتند از:

1)- نسخه مرحوم رقی رحمه الله ؛ 2)- نسخه مرحوم نهاری رحمه الله ؛ 3)- نسخه مرحوم فاضل التونی رحمه الله ؛ 4)- نسخه الانصاری رحمه الله.

نسخه خطی آن زمان با توجه زمان تقیّه و مشکلاتی که شیعیان داشتند به شکلهای مختلف نگاشته میشد که با الهام گیری از «مصباح کبیر» دست به دست رد و بدل میشد . و بعضی از نسخ ، مانند نسخه مرحوم فاضل تونی رحمه الله و نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی رحمه الله ، نسخه خواجه شیراحمد و ... فقرات فصول سه گانه که شامل : لعن «اللهم العن اول ظالم ظلم ...» و سلام «السلام علیک یا اباعبدالله » و «اللهم خص انت اول ظالم ..» میباشد در حاشیه ذکر شده است که این خود دال بر

سختگیری بر شیعیان و ملاحظه امور در آن دوران بوده است و هر کس به نسخ موجود آن زمان نظر کرد پی میبرد که شیعیان با توجه به تقیه و فشاری که داشتند به هر نحو ممکن میخواستند این زیارت مبارکه به دست افراد برسد و هرچند مجبور شوند فرازی از آن را حذف نمایند که رعایت تقیه در بعضی از نسخ خطی به وضوح مشاهده میشود .

(نسخههایی که توسط شیخ راضی مخدوش بود ، احیا شدند و در نتیجه وجود فقرات پایانی و عدم تحریف در زیارت عاشورا را بیان میکنند .)

صفحه اجازه نسخه ابن ابی الجود

ص:121

صفحه زیارت نسخه ابن ابی الجود

ج: نسخه مرحوم رقی رحمه الله

کاتب محمد بن یوسف بن محمود الرقی با نسخ معرب خود ، قبل از شروع کتاب و بسمله صیغه وقف نامه روی کتاب به خط نستعلیق دیده میشود که در آن گفته شده : « بنا به وصیت میرزا محمد داوودی این کتاب وقف شیعیان علی بن ابیطالب علیهما السلام گردیده که از آن مستفیض شوند و از شهر مقدس بیرون نبرند ». تاریخ وقف نامه 1241قمری است .

متن کتاب با جمله زیر پایان مییابد :

«و قد تحریره فی الرابع من شهر رجب المرجب من شهور سنهٔ تسعه و تسعین بعد الف علی ید اقل العباد عملاً و اکثرهم زللاً المحتاج الی ربه الودود محمد بن یوسف بن محمود الرقی مولداً و المشهدی مسکناً الحمدلله اولاً و آخراً و باطناً . اللهم وفقنا للعمل به وصل علی محمد و آله»

پس از جمله بالا به خط نستعلیق و با زبان عربی محمد بن یوسف مینویسد که : « این نسخه با نسخهای که به خط علی بن احمد معروف به رمیلی مقابله شده و نسخه رمیلی با نسخه ابن سکون مقابله شده است و نسخه خطی رمیلی با نسخه نوشته شده مقابله گردیده و نسخه مسکون که از طرف الحسن بن راشد نوشته شده با چند نسخه دیگر در شعبان 971ق مقابله شده است که یکی از این نسخهها به خط علامه محمد بن ادریس حلی صاحب کتاب «السرائر» بوده که در آخر آن نوشته شده : محمد بن منصور بن احمد بن

ادریس بن الحسین بن قاسم بن عیسی عجلی در جمادی الاولی سنه 570 آن را نوشته است. و این نسخه با نسخه اصل که به خط مؤلف بوده در سال 573 مقابله گردیده ، نسخه معتبر و پاکیزه است .(1)

د: نسخه محمدصالح نهاری رحمه الله

این نسخه بنابر حاشیهای که در آن وجود دارد به تاریخ 1062 بر میگردد و با نسخه مولی عبدالله تونی الشبروی (صاحب وافیه در علم الاصول متوفی سنه 1071ق) مقابله شده است .

و در حاشیه کتاب محمد صالح النهاری رحمه الله این گونه مینویسد :

«قد حرر و نقل هذا الکتاب عن النسخهٔ المولی الالمعی افضل الفضلا و اصلح الصلحاء استادی مجتهد الربانی مولانا عبدالله التونی ادام الله فضله و نسله. تاریخ کتابتها سنهٔ ثلاثهٔ و خمسین و تسعمائهٔ و علیها بخطه سلمه الله ما صورته قد وقع الفراغ من مقابلهٔ هذه النسخهٔ الشریفه حادی عشر شهر شعبان المعظم من سنهٔ سبع و خمسین بعد الالف من الهجرهٔ النبویهٔ علیه افضل الصلاهٔ و التحیهٔ و انا افقر افقراء الی الله ابن حاجی محمد التبری الخراسانی عبدالله و قد کانت

1- کتابخانه ملک تهران، به شماره 1256، تاریخ کتابت 1099ه. دارای 239 برگ یعنی 478 صفحه 21 سطری خط نسخ معرب خوب کاغذ ترمه، قطع 2/19 سانتی متر عرض و 25 سانتی متر طول و در بعضی صفحات ک تاب حواشی وجود دارد.

النسخة التی قبلت معها نخسة، عتیقة تاریخ کتابتها سنة اثنین و ثلاثین و سبعمائة و علیها مکتوب ما صورته قابلت هذا المصباح فی الحلة فی مقام مولانا جعفرالصادق رحمه الله مع نسخةالاصل الذی هی بخط مصفنه رحمه الله و انا الفقیر عبدالرحمان بن محمد الجزائری غفرالله ذنوبهما »

فاضل تونی خبر میدهد که مقابله و کپی نسخهای به سال 732ق بر می گردد و نسخه اصلی متعلق به عبدالرحمان بن محمد جزائری است که مقابله شده است با نسخه اصلی مؤلف مصباح المتهجد الشیخ طوسی رحمه الله و این مقابله در حله در کنار مقام امام صادق رحمه الله صورت گرفته است .

و همچنین در حاشیه النهاری دارد :

«و علیه ایضاً بلغ مقابله بنسخة مصححه منقوله عنها فی مجلس متعددة آخرها سادس شهر محرم الحرام من شهور سنة و ستین و تسعمأئة منالهجرة النبویه علیه افضلا لصلاة و التحیة و صح الا ما زاغ عنه البصر و حسر عنه النظر و الحمدلله وحده .... کتب الحواشی علی هذا الکتاب الشریف العزیز فی مشهد سیدنا مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام ».

یعنی : نسخه تونی که النهاری از آن کپی گرفته است مقابلة دیگری با نسخههای مختلف شده است که آخرین مقابله سال 963 ه صورت گرفته است .

و همچنین در حاشیه نسخه النهاری دارد :

«و بلغ مقابلهٔ بنسخهٔ مصححهٔ ... مصنفه رحمه الله علیه العبد عبدالعلی الکلینی الحلی و علیه ایضاً خط الشهید الثانی فی اول عمل شهر رمضان و قد کتب صورهٔ هذا ... هذا کلمهٔ صورهٔ حفظه الله و سلمه. انتهی ما کتب بالحاشیهٔ من اسفل».

که ذکر کرده است فاضل تونی مقابله دیگری غیر از دو مقابله قبل و آن مقابله را عبدالعلی کلینی حلی صورت داده است و تونی ذکر میکند که نسخهای از آن کپی گرفته است به سال 732ه بر میگردد و خط ثانی که به نظر میآید حواشی از شهید ثانی برای اعمال شهر رمضان باشد . هاری بعد از ذکر مقابلههای تونی میگوید : با توجه به اعتماد به این نسخه ، نسخه خود را از او کپی گرفته است .

و در حاشیه کتاب خود این گونه میگوید :

« قد وفقنی الله تبارک و تعالی علی مقابلهٔ هذا الکتاب و تصحیحه و اصلاحه مع المنتسخ المذکور فی الحاشیه و مع الحواشی المسطورهٔ فی هامشه بقدر الجهد و الطاقهٔ الا ما زاغ علیه البصر و حسر عنه النظر و الحمدلله کثیراً و سبحان الله بکرهٔ و اصیلاً و صلواته علی اشرف انبیائه و خیر جمیع خلقه عبده ... و صفیه محمد المصطفی و آله مصابیح الدجی و سلم کثثیراً الضعیف و محمد صالح بن خان احمد عفی الله عنهما بمحمد و آله سنهٔ 1062ه».

یعنی خداوند به من توفیق داد که این نسخه را مقابله و تصحیح و اصلاح کنم ... با توجه به تمام حواشی ای که در نسخه موجود است تمام توان

خود را به کار گرفتم که چیزی از نظر پنهان نماند و لکن ممکن است بعضی از موارد از دیدگان من دور مانده باشند و حمد میکنم خدا را و تسبیح میگویم او را .. و محمد بن صالح بن خان احمد که خدا رحمتش کند و از گناهانش در گذرد به حق محمد و آل محمد سال 1062ه.ق »

ه: نسخه بخشی تونی رحمه الله

اشاره

این نسخه حسب ظاهر که بر روی نسخه ذکر شده است با نسخه این ادریس مباشرتاً یا به واسطه نسخه دیگر مقابله شده است .

این نسخه در سال 899 ه.ق کپی برداری شده است و مقابلات و صتحیحات متعدد بر روی این نسخه وجود دارد از جمله تصحیحات ناسخ و فرزند و چند نفر زا علما واین نسخه را شیخ کمال بن بخشی بن محمد تونی بر محقق کرکی خوانده است .

خصوصیات نسخه

1)- تاریخ نسخ معلوم است.

2) - قرائت نسخه بر محقق کرکی.

این نسخه جز کتب خطی دانشگاه تهران میباشد .

و: نسخه انصاری رحمه الله

این نسخه بنابر آنچه بر ظاهر نسخه درج شده است مقابله شده است با نسخه غیاث الدین استرآبادی رحمه الله (قبلاً مقابلاتی که بر نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی رحمه الله صورت گرته ذکر شد) و ان توسط محمد بن یونس بن محمد خان الهمدانی در سال 1115 ه.ق و همچنین این نسخه توسط شیخ اسماعیل انصاری زنجانی با نسخ دیگر مقابله شده است و این کار در سال 1401 ه.ق صورت گرفته است :

1)- نسخه عالم بزرگ حاج شیخ عبدالحسن و آن نسخه خود تصحیح شده بود با نسخه ابن ادریس و السکون .

2)- نسخه سید جلیل میرزا عبدالحسین یزدی و تصحیح شده بود این نسخه به ابن ادریس و السکون .

3)- نسخه نقاش الرازی

4)- با نسخهای که ادعی شده ، نسخه قدیمی است مقابله شده است .

ص:128

2)- در خصوص نسخ خطی «مصباح صغیر»

اشاره

مرحوم شیخ طوسی رحمه الله «مصباح صغیر» را تألیف نمود تا نسبت به مصباح کبیر مختصر باشد و چون در آن زمان اختصار مرغوب بود و هم چنین زمان اقتضاء میکرد کتابی نسبت به «مصباح کبیر» تدوین شود که به اهم مطالب اشاره کرده باشد و حمل آن آسان باشد و راحت تر در دسترس قرار گیرد و این قاعده متداول بوده و هست. اگر به کتاب «مفاتیح الجنان» نظر شود میبینید که بعضی کتب تدوین شدهاند در این زمان به عنوان مختصر یا منتخب مفاتیح الجنان به چاپ رسیده است . اقتضا داشت که کتاب «مصباج کبیر» به صورت خلاصه تدوین شود تا اهم مطالب در آن تدوین شود . بر این اساس ، کتاب «مصباح صغیر» تدوین و در اختیار مؤمنین قرار گرفت و کتاب مصباح صغیر مورد رجوع علما قرار گرفت و از آن نقل قول کردهاند ، که میتوان از جمله به نسخه سید بن طاووس رحمه الله اشاره کرد که در کتاب «مصباح الزائر» به کتاب «مصباح صغیر» استناد کرده است .

نسخه خطی موجود از مصباح صغیر به شرح زیر میباشد :

1)- نسخه خطی مرحوم ابن علقمی رحمه الله ؛

2)- نسخه خطی مرحوم طبسی مشهدی رحمه الله ؛

3)- نسخه مرحوم ابن زنبور رحمه الله ؛

4)- نسخه خطی مکتبۀ آیت الله گلپایگانی رحمه الله .

نسخه خطی مرحوم محمد بن احمد بن علقمی رحمه الله

این نسخه از اقدم نسخ موجود از «مختصر المصباح» میباشد و این نسخه به مرحوم شیخ محمد بن احمد بن العلقمی رحمه الله نسبت داده میشود . این نسخه هم اکنون در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران به شماره سند 86589 نگهداری میشود و تاریخ آن به سال 578 ق بر میگردد و این نسخه از جهت وضوح خط و حواشی که بعضی از بزرگان از جمله : مرحوم شهید اول ، محمد بن مکی رحمه الله ، شهید ثانی ، مرحوم زین الدین رحمه الله و مرحوم علامه مجلسی رحمه الله بر آن ، از امتیاز خاصی برخوردار است .

این نسخه فقط میتواند یک مویّد قوی برای نسخ معتبره باشد و این نسخه به واسطه تقیّه در آن دست کاری شده است که با مشاهده اصل نسخه میتوان به این حقیقت پی برد که فرازهای زیارت عاشورا کاملاً در این نسخه بوده و لیکن بعضی از فرازهای به خاطر رعایت تقیه محو شده است .

سه فصل مورد بحث در این کتاب عبارتند از :

فصل اول: «اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد ...اللهم العنهم جمیعا».

فصل دوم : «السلام علیک یا اباعبدالله و علی الارواح التی حلت بفنائک ... اصحاب الحسین» فصل سوم: «اللهم خص انت .. الی یوم القیامهٔ» .

فصل ثالث از زیارت عاشورا در نسخه علقمی محو شده است و لیکن به وضوح روشن است که این فقر در نسخه بوده ، لکن به دلیل شدت تقیه محو شد است و بعدها به خاطر تملیک نسخه و یا خفّت تقیّه به این نسخه اضافه شده است .

نسخه مرحوم محمد بن علی طبسی رحمه الله

این نسخه هم اکنون در مکتبه مرحوم آیت الله حکیم رحمه الله در نجف اشرف نگهداری میشود و در قرن 11 در پنجم شوال سال 1081 ق توسط مرحوم محمد بن علی بن محمود طبسی رحمه الله نگاشته شده است .

شیخ آقا بزرگ تهرانی رحمه الله ، مرحوم شیخ محمد بن علی طبسی رحمه الله را از طبقات اعلام شیعه ذکر کرده و از او به عالم فاضل تعبیر نموده است .(1)

بعد از بررسی این نسخه خطی پی میبریم که مرحوم محمد فاضل بن محمد مهدی مشهدی رحمه الله نسخه را با نسخه ابی سکون رحمه الله مقابله کرده است. این مقابله در اواسط ذی الحجه سنه 1081ه.ق صورت گرفته است .

و مرحوم محمدفاضل مشهدی رحمه الله از اعلام قرن 11 میباشد که بعضی از فقها، از او به فقیه امامی، محدث و شاعر تعبیر نمودهاند و از شاگردان مرحوم حر عاملی رحمه الله میباشد .(2)

و این نص مقابلهای است که در این نسخه ذکر شده است :

«الحمدلله موفق الخيرات و مجيب الدعوات و الصلاة على محمد و آله شفيعى الخطيئات و السيئات، فقد بلغت مقابلة هذا الكتاب و تصحيحه من اوله الى هنا بنسخ صحيحة بقدر الوسع و الطاقة ، منها نسخة كانت بخط الشيخ الفقيه العابد

1- طبقات اعلام الشيعه ، ج 5 ، ص 527 .
2- طبقات فقها ، ج 12، ص31، ترجمه 3875 .

الزاهد الورع علی بن محمد بن محمد بن علی بن السکون طاب ثراه ، و کتبت فی سنهٔ ثمان و خمسین و خمسمأئهٔ و بالغت فی مطابقته لها وتصحیحه منها، و مع ذلک فسهو القلم و طغیان البصر من عوارض ذات البشر، و کان ذلک فی اواسط شهر ذی الحجه من سنهٔ احدی و ثمانین بعد الالف من الهجرهٔ، و انا العبد الفقیر الی الله الغنی فاضل بن محمد مهدی المشهدی، فرحم الله من اذا نظر فیه او عمل بما تضمنه دعائی [دعالی] بالرحمهٔ المغفرهٔ و الرضوان ».

محمد بن فاضل مشهدی میگوید: من این نسخه را با نسخه ابن سکون رحمه الله که قدمت نسخه به سال 558 ق می رسد در سال 1081 ق نیمه ذی الحجه مقابله کردم .

و خود مرحوم محمد علی طبسی رحمه الله در پایان نسخه میگوید :

«ثم الکتاب و الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین ، اتفق الفراغ من نسخهٔ اصیل الثلاثاء الخامس من شهر شوال من سنهٔ احدی و ثمانین بعد الالف من الهجرهٔ النبویه بید الفقیر الی الله الغنی محمد علی الطبسی»

فارغ شدم از کتابت این نسخه سه شنبه پنجم شهر شوال سنه 1081 بعد از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم .

و بعد ازمراجعه به نسخه مرحوم محمد علی طبسی رحمه الله مشاهده میشود بعضی تصحیحات نسخه طبسی رحمه الله به واسطه نسخه محمد فاضل

مشهدی رحمه الله صورت گرفته ، که خود مشهدی رحمه الله نسخه خود را با نسخه سکون رحمه الله مقابله نموده است .

مشهدی در صفحه اول از مخطوطه خود میگوید :

«ما ادرجته فی هذا الکتاب من الادعیهٔ المهمهٔ التی لم ینقلها الشیخ المصنف (قدس الله روحه) فیه و نقلها فی الصمباح المتهجد. منها دعاء علی بن الحسین علیهما السلام من ادعیهٔ الصحیفهٔ فی یومی الجمعه و الاضحی، و منها دعاء مروی عن ابی جعفر علیه السلام فی یوم الجمعهٔ بعد الظهر و منها دعاء السحر لابی حمزهٔ الثمالی مروی عن علی بن الحسین سید العابدین علیه السلام فی شهر رمضان. و احمدالله الذی وفقنی لاستکتابه و مقابلته ، و اساله ان یوقنی لطاعته و عبادته بحق محمد و آله مبلغی شریعته و مالکی طریقته و انا العبد الجانی الفانی محمد فاضل بن محمد مهدی المشهدی».

یعنی بعضی از ادعیه مهم که در مصباح کبیر شیخ طوسی رحمه الله ذکر کرده است و در مصباح صغیر آن را حذف نموده در نسخه خود ذکر کردهام . سپس مرحوم مشهدی رحمه الله به موارد از دعاهایی که ذکر کرده است اشاره میکند.

صفحه مقابله نسخه طبسی مشهدی

ص:135

صفحه زیارت نسخه طبسی مشهدی

نسخه مرحوم ابن ابی زنبور رحمه الله

بعد از بررسی نسخههای موجود در کتابخانه «ثامن الحجج حضرت امام رضا علیه السلام» در مشهد مقدس به شماره 9607، اینگونه به دست میآید که مرحوم حسن بن ابی جود رحمه الله نسخه «مصباح صغیر» را بر شیخ مرحوم خودش عمادالدین ابوالرضا احمد بن علی بن ابی زنبور رحمه الله خوانده است و این مقابله در سال 607 صورت گرفته که نص اینگونه آمده است :

«بسم الله الرحمن الرحیم ، یقول اصغر عبادالله تعالی و اضعف خلقه و احوجهم الی عفوه و تجاوزه، الحسن بن محمد بن یحیی بن علی بن ابی الجود ، عفی الله عنه و رحمه، قرأت مختصر مصباح المتهجد علی شیخی العالم عمادالدین ابی الرضا احمد بن علی بن ... ابی زنبورu فی سنهٔ سبع و ستمأئهٔ و اخبرنی انه قراه علی شیخه رشیدالدین ابی جعفر محمد بن علی بن شهرآشوب ، فاخبره به عن جده شهرآشوب بن ابی نصر بن ابی الجیش المازندرانی ، عن مؤلفه الشیخ السعید ابی جعفر الطوسی u و الحمدلله رب العالمین و الصلوات خلقه سده الحمد نبی الرحمهٔ و آله الطاهرین»

یعنی حسن بن جود در سال 607 نسخه مصباح صغیر را بر شیخ خودش مرحوم ابن ابی زنبور رحمه الله خوانده و شیخ ابی رضا احمد بن علی بن ابی زنبور رحمه الله نسخه را بر شیخ رشیدالدین ابی جعفر محمد بن علی بن

شهرآشوب خوانده و ابن شهر آشوب رحمه الله میگوید جدم شهرآشوب بن ابی نصر بن ابی جیش مازندرانی این نسخه را از شیخ طوسی رحمه الله نقل میکند .

لازم به ذکر است که نسخه ناقص میباشد و بعضی از فرازهای دعاهای مختلف ذکر شده است از جمله اینکه در «اللهم العن اول ظالم» دارد «اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آخر تابع له علی ذلک ، اللهم العن العصابه التی جاهدت الحسین و شایعت و بایعت علی قتله، اللهم اجعل لعنتک و باسک و نقمتک علیهم اللهم العنهم جمیعا (یقول ذلک مأئة مرة)

و در فصل سلام دارد : «السلام علیک یا اباعبدالله و علی الارواح ... علی اصحاب الحسین» (یقول ذلک مأئه مره)

و در فصل سوم «اللهم خص » دارد : «اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی و ابدا به اولا و العن عبیدالله بن زیاد و بن مرجانه و عمربن سعد و شمرا و ال ابی سفیان و ال زیاد و آل مروان الی یوم القیامه» و در این فراز «ثم الثانی و الثالث و الرابع، اللهم العن یزید خامسا» حذف شده است و ثبت فصل سوم به صورت موجود در نسخه ، دال بر مراعات تقیه بوده است .

نتیجه :

این نسخه میتواند مویّد قوی برای سایر نسخههای موجود باشد. این نسخه مطابق است با نسخه «مصباح صغیر» و همچنین موافق است با نسخه «مصباح کبیر». مقابلههای متعدد موجود در حواشی قابل توجه است ، این نسخه با خطهای متفاوت و افراد متعدد حاشیه زده شده است

ص:138

و از این تعلیقها میتوان نتیجه گرفت که این نسخه در دست افراد متعددی قرار گرفته است .

نسخه کتابخانه آیت الله گلپایگانی رحمه الله

اشاره

این نسخه در کتابخانه مرحوم آیت الله گلپایگانی رحمه الله میباشد که به شماره 41384 ثبت شده است. تاریخ کتابت این نسخه مشخص نیست اما از بعضی از قرائن استفاده میشود که نسخه توسط عده ای از متأخرین تدوین شده است و لیکن دارای مقابلهای است که می تواند مویّد برای سایر نسخ خطی باشد .

امتیازات نسخه

از خصوصیات ممیزیه این نسخه آن است که بر روی آن مقابله و تصحیحات فراوانی انجام شده است که میتوان به مقابلهای که با نسخه مرحوم ابن ادریس رحمه الله و مرحوم ابن السکون رحمه الله شده است اشاره کرد . خبر مقابله این نسخه توسط مؤلف در نسخه مشاهده میشود . بعضی از تصحیحات نگاشته شده در این نسخه ، توسط شخص مؤلف تدوین شده و بعضی دیگر از موارد تصحیح را از واسطه گرفته و در نسخه ثبت نموده است .

این نسخه خطی با نسخه خطی مرحوم ابن ادریس حلی رحمه الله مقابله شده که مؤلف اینگونه اشاره میکند : این نسخه با نسخهای که بادست خط شیخ سعید محمد بن ادریس رحمه الله میباشد مقابله شده است .

ص:139

متن زیارت عاشورا همراه با فصول سه گانه در این کتاب آمده است .

صفحه اول نسخه کتابخانه آیت الله گلپایگانی رحمه الله

صفحه زیارت نسخه کتابخانه آیت الله گلپایگانی رحمه الله

نسخه مرحوم معین الدین اصفهانی رحمه الله

نسخه مرحوم معین الدین اصفهانی رحمه الله است که در کتابخانه دانشگاه تهران و در شماره 2353 نگهداری میشود . در آخر فرازهای زیارت دارد :

«ثم تقول : اللهم العن اول ظالم ... العنهم جمیعا (تقول انک مأئهٔ مرهٔ) ثم تقول : «السلام علیک یا ابا عبدالله .. اصحاب الحسین» (تقول ذلک مأئهٔ مرهٔ) ثم تقول : «اللهم خص انت اول ظالم باللعن و ابدأ به اولاًا للهم العن یزید بن معاویه و العن عبیدالله بن زیاد و ابن مرجانه و عمربن سعد وشمرا و آل ابی سفیان و آل زیاد و ال مروان الی یوم القیامه».

و در حاشیه کتاب به خط دیگر اینگونه ذکر شده است : اولاً ثم الثانی و الثالث و الرابع و العن یزید خامساً که همانگونه که بیان شد این تعلیقهها و حاشیهها بر اثر مرور زمان و تخفیف فشار بر شیعه به کتاب اضافه شده است .

نسخه مرحوم عبدالسمیع رحمه الله

نسخه مرحوم عبدالسمیع رحمه الله به قرن 11 بر میگردد و در مکتبه مجلس شورای اسلامی تهران به شماه 13433 محافظت میشود و در تاریخ روز یک شنبه 16 ذی قعده 1054 نوشته شده است .

فصل زیارت بعد از لعن و سلام صد مرتبه دارد :

«اللهم خص انت اول ظالم باللعن و براء به اللهم العن يزید بن معاویه و العن عبیدالله بن زیاد و ابن مرجانه و عمربن سعد و شمرا و آل ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان الی یوم القیامه» ثم تسجد ....

و در حاشیه دارد : «اولاً ثم العن الثانی و الثالث و الرابع اللهم العن یزید خامساً» و همان مطلب قبل در همین مقطع تکرار میگردد و جای شبهه نیست که بعدها نسخه طبق اصل موجود حاشیه زده شده است و حذف این فراز به خاطر شدت تقیّه بوده است .

نسخه مرحوم شاهرودی رحمه الله

این نسخه در آستان قدس رضوی نگهداری میشود و تاریخ آن شب 6 ربیع الثانی سنه 1126 ق میباشد و نویسنده این نسخه مرحوم محمد جعفر بن حق نظرکلوری شاهرودی رحمه الله است . و از مقطع «اولا ثم الثانی و الثالث و الرابع اللهم العن یزید خامساً» را در پرانتز ذکر کرده است . بعضی خواستهاند بدین جهت بهانه گرفته و بگوید در پرانتز ذکر کردن دال بر آن است که این مقطع در اصل کتاب مصباح المتهجدین نبوده است. ذکر این مقطع در بین پرانتز دال بر آن است که ین نسخه از نسخ کپی برداری شده است که در تقیه سخت نگاشته شده و مقطع در پرانتز را نداشته ؛ لذا کپی کننده برای حفظ امانت آن را در پرانتز ذکر کرده است .

نسخه مرحوم شمس الدين يزدى رحمه الله

اين نسخه در مكتبه آيت الله بروجردى رحمه الله نگهدارى ميشود و به قرن هفتم هجرى بر ميگردد و ظاهر اين نسخه اين است كه يک نسخهاى وجود داشته كه بعضى از اوراق آن از بين رفته و مرحوم شمس الدين رحمه الله با استفاده از آن اوراق ناقص نسخه را كامل كرده است صفحه آخر اين نسخه دال بر اين دعى ميباشد .

نسخه ملا محمدجعفر رحمه الله

نسخه مذكور در مركز «احياء التراث الاسلامى» قم به شماره 3789 نگهدارى ميشود و مجموعا وراق آن 147 ميباشد و تاريخ آن به محرم سال 1073 ه- بر ميگردد و به احتمال زياد مؤلف همان محمد جعفر معروف به ترک ميباشد. اين نسخه فرازهاى سلام صد مرتبه و لعن صد مرتبه را دارد . فراز «اللهم خص انت « اللهم العن اول ثم الثانى و الثالث و الرابع و العن يزيد خامساً» را ندارد و به جاى كلمه عبيدالله اشتباهاً كلمه عبدالله آورده شده و اينگونه ثبت شده است : «اللهم خص انت اول ظالم عبدالله بن زياد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و ال ابى سفيان و آل زياد و آل مروان الى يوم القيامه» .

در خصوص اين نسخه نكاتى قابل دقت ميباشد .

اولاً : در ايام شدت تقيّه كپى شده ؛ لذا بعضى فرازهاى دعا حذف شده است.

ثانیاً: نسخه ثبت شده بر اثر آنکه از نسخه کپی گرفته شده که با ظرفیت تقیّه تدوین شده؛ لذا با کپی گرفتن از عین آن نسخه موجود بعضی فرازها ذکر نشده است .

ثالثاً : با توجه به اینکه دأب این بوده که هنگام مقابله بعضی از اشخاص قرائت میکردند و دیگرتان آن را مینوشتند ممکن است شخصی که آن را قرائت کرده از نسخهای قرائت کرده که این فراز به دلیل شدت تقیّه قرائت نشده است ؛ لذا آن گونه کپی شده است ؛ در هر حال وجود این نسخه موجب انکار یا تغییر زیارت عاشورا با توجه به قرائن موجود و شرایط سخت تقیّه نمیشود .

نسخه کرکانی رحمه الله

نسخه دیگری با عنوان نسخه کرکانی در مرکز «احیاء التراث الاسلامی» در قم مقدس به شماره 3/322 وجود دارد که در ماه صفر 1123 ق نوشته شده است و کاتب این نسخه معلوم نمیباشد ؛ و لیکن در سنین مختلف در دست بعضی قرار داشته که نام آنها بر روی این نسخه درج شده است .

در حاشیه کتاب ثبت شده که : فرهاد میرزا فرزند ولی عهد در سال 1281 ق مالک آن بوده و در سال 1323ق کرکانی آن را تملیک کرده است و این کتاب با دعاهای هفته شروع میشود و تمام فرازها زیارت عاشورا در آن ذکر شده است الا فراز «ابدأ به اولاً ثم العن الثانی و الثالث

و الرابع» که عدم ذکر این مقطع پر واضح است که مؤمنین با توجه به فشار و اختناق موجود سعی میکردند بهانه دست معاندین ندهند و بعضی از فرازها را حذف کرده تا بتوانند این زیارت را به آسانی در اختیار یکدیگر قرار دهند و حذف این فرازها چیزی از اصل زیارت عاشورا بر طبق نص موجود در مصباح المتهجد کم نمیکند .

و این اختلاف نسخ نه تنها در خصوص بعضی زیارات رخ میداده است ، بلکه احادیث متعدد صحیح موجود میباشد که علما آن را حمل بر تقیّه میکنند . خود مویّد این مدعی است که شیعه همواره با توصیه امام علیه السلام شرایط تقیّه را مراعات میکردند . و یکی از مواردی که مورد تقیه بوده بعضی از فرازهای زیارت عاشورا بوده که با مراعات تقیّه حذف میشده است .

و اگر به حاشیه این زیارت در نسخه با دقت نظر شود مشاهده میشود کلمه اولاً از فراز : «اللهم العن اولا ثم الثانی ...» در نسخه موجود میباشد و بقیه فرازها محو شده است و لذا این احتمال دارد که :

1)- فرازهای زیارت عاشورا از جلمه «اللهم العن اول ثم الثانی و ...» در نسخه بوده و لیکن به خاطر شرایط تقیّه محو شده و در این نسخه به وضوح مشاهده میشود که پاک کننده است .

2)- لفظ «اللهم العن اولا ثم الثانی و ...» بعدها به نسخه اضاقه شده و دوباره به خاطر مراعات تقیّه آن را محو کرده اند و لفظ اولاً خوب محو نشده است .

نسخه علاء بیک رحمه الله

یکی از نسخهها نسخه علاء بیک میباشد که در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره 3247 نگهداری میشود . این نسخه در تاریخ 951 ق ماه رجب کپی شده است و نویسنده آن محمد بن جلال الدین مشهور به علاء بیک است . در متن زیارت ، فصل سوم زیارت را دارد :

«اللهم خص بالعن مني ابدأ به» و مقطع «اولاً ثم الثانی و الثالث و الرابع اللهم العن یزید خامساً» در حاشیه ذکر شده است .

نسخه عبدالحی رحمه الله

این نسخه به قرن دهم بر میگردد که ناسخ آن سید عبدالحی رحمه الله میباشد و در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمه الله نگهداری میشود که شماره آن 6717 میباشد و در حاشیه بعد از ذکر صد لعن دارد :

«و شایعت و تابعت علی قتله، اللهم اجعل لعنتک و باسک و نقمتک علیهم اللهم العنهم جمیعاً ...» ثم یقول : «اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی وابدأ به اللهم العن یزید خامساً و العن عبیدالله بن زیاد ...» و در حاشیه نسخه با خط دیگر دارد : «اولاً ثم الثانی و الثالث و الرابع و ...»

این نسخه همانگونه که مشاهده میشود در خصوص کلمات اضافه شده در شایعت و تابعت علی ... متعارف است و برای مبالغه در اظهار تنفر از معاندین اهل بیت علیهم السلام کلمات دیگری در نسخه اضافه شده است که

ضرری به اصل زیارت نمیرسد و این امر هم اکنون هم متداول است که در حین دعا بعضی کلمات که دال بر ظلم معاندین است ذکر میشود و عدم ذکر اولاً ثم الثانی و الثالت ... بر میگردد بر همان حفاظتی که شیعه سعی بر ان داشته که آن را مراعات کند و بعد به واسطه رفع تقیّه یا خصوصی شدن نسخه این فرازها اضافه شده است .

نسخه ابن زنگی رحمه الله

این نسخه در قرن ششم کپی شده است و در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمه الله نگهداری میشود و در شماره 14226 بایگانی شده است. و بر روی این کتاب نام طفرلتین اتابک ابی المظفر مسعود بن مودود بن زنگی بن آقا سنقر نصیرالمؤمنین نوشته شده است .

اما چرا این نسخه به ابن زنگی معروف شده است دقیقاً نمیتوان جواب داد و لیکن بر حسب آنچه که آن زمان موسوم بوده ، یک کتاب اگر در کتابخانه شخصی نگهداری میشده ، آن کتاب به آن شخص نسبت داده میشده ، بعید نیست بدینگونه است . در آخر این نسخه خطی اینگونه دارد :

« اللهم خص انت اول ظالم بالعن منی و ابدأ به اولا ثم العن الثانی و الثالث و الرابع اللهم العن زیزد خامساً ظلم ...» تغییر جزیی در بعضی از فقرات دعا ضرری به اصل و اثبات آن نمیزنند و فتن العن یزید خامس ظالم یا یزید خامسا یک معنی است و اینگونه تغییر موجب اشکال نمیشود .

نسخه مرحوم فرخ رحمه الله

این نسخه متعلق است به فرخ بن عبدالله رحمه الله و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری میشود و شماره آن ش 202 خ و در مشهد مقدس کتابت شده است .

و این نسخه شامل لعن و صلوات صد مرتبه میباشد و فصل سوم را اینگونه ثبت کرده است :

«اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی و ابدأ به اول ثم العن الثانی و الثالث و الرابع الی اللهم العن یزید بن معاویه».

فصل ششم : لعن در زیارت عاشورا و وحدت اسلامی

اشاره

سخن مقام معظم رهبری دام ظله پیرامون لعن نمودن

«ما شمر را لعنت میکنیم برای اینکه ریشهٔ شمری شدن و شمری عمل کردن را در دنیا بکنیم ؛ ما یزید و عبیدالله را لعنت میکنیم برای اینکه با حاکمیت طاغوت ، حاکمیت یزیدی، حاکیمت عیش و نوش ، حاکمیت ظلم به مؤمنین در دنیا مقابله کنیم ».(1)

وحدت در کلام مقام معظم رهبری دام ظله

رهبر معظم انقلاب اسلامی ، حضرت آیت الله العظمی خامنهای دام ظله ، که در جامعه امروز مسلمین ، روشنترین و دقیقترین تعریف را از وحدت ارائه فرمودهاند ، میفرمایند :

«اتحاد به معنای انصراف از عقاید نیست ، ما در مسئلهٔ وحدت جدی هستیم . ما اتحاد مسلمین را هم معنا کردهایم . اتحاد مسلمین به معنای انصراف مسلمین و فِرَق گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست ؛ بلکه اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که هر دوی آن باید تأمین شود .

1- 72 سخن عاشورایی از بیانات حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنهای دام ظله، ص 269؛ بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم قم، 19/10/1386ش.

اول این که ، فِرَق گوناگون اسلامی (شیعه و سنی) که هر کدام فِرَق مختلف کلامی و فقهی دارند ، حقیقتاً در مقابله با دشمنان اسلام ، همدلی و همدستی و همکاری و همفکری کنند .

دوم اینکه ، فِرَق گوناگون مسلمین ، سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را با هم مقایسه و منطبق کنند . بسیاری از فتاوای فقها و علما هست که اگر مورد بحث فقهیِ عالمانه قرار بگیرد ممکن است با مختصر تغییری ، فتاوای دو مذهب به هم نزدیک شود .»(1)

«مراد ما از وحدت اسلامی ، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست . در میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی ، هر فرقهای ، عقاید خودش را دارد و خواهد داشت ، میدان علمی است ، میدان بحث فقهی است . میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی میتواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد . مراد ما از وحدت دنیای اسلام ، عدم تنازع است . «ولا تنازعوا فتفشلوا» تنازع نباشد ، اختلاف نباشد ».(2)

1- سخنرانی در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، روحانیون و مسئولان و ائمه جمعه و برادران اهل تسنن و تشیّع استانهای کردستان و کرمانشاه و جمعی از اقشار مختلف مردم قزوین، مبارکه، سرخه و خواف، 24/7/1368.

2- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی، 30/5/1385ش.

در کنار گروهی که معتقدند علت حذف «اللَّهُمَ خُصَّ» تقیّه بوده است نه دستکاری ، این گروه آنچه را شهید ثالث قاضی نورالله شوشتری پیرامون ماجرای شیخ طوسی رحمه الله و خلیفه عباسی نقل کرده مورد بحث قرار داده ، اظهار نظرهای نقادانه بی پروا کردهاند که از آن جمله شیخ حسین راضی مؤلف «زیارت عاشورا فی المیزان» است . نامبرده بعد از نقل ماجرای شیخ طوسی رحمه الله با خلیفه عباسی مینویسد : «ما میگوییم این مقطع زیارت [عاشورا] داخل شده است» سپس توضیح میدهد : «اگر امر دایر مدار بین وجود این فراز و عدم فراز این [فراز از زیارت عاشورا] باشد ، اصل بر عدم وجود این فرض میباشد ». در پی این خدشه بر اصالت بندِ «اللَّهُمَ خُصَ أَنْتَ» نتیجه میگیرد «این فراز را مجهولین وارد کردهاند» و در تفصیل دوم همان را آورده است که شیخ طوسی رحمه الله در جواب خلیفه عباسی بیان فرمودهاند(1) و اظهار میدارد «این تفسیر قصهای است که از شیخ طوسی رحمه الله پیرامون این فراز بیان شده و اساسی برای صحت این فصه نیست» . نامبرده برای اینکه تأئید و تأکید کرده باشد ، مینویسد : «اصل این قضیه صحت ندارد» . در مورد تفصیل سوم اشاره میکند که گفته شده «مراد از این مقطع [اللهم خص انت] قاتلان امام حسین علیه السلام هستند : اولی سنان بن انس ، دومی خولی ، سوم شیث بن ربعی ، چهارم عمرو بن الحجاج ، همه از رؤسای قتله امام حسین علیه السلام» . دربارهٔ این

1- مراد از اولی قابیل است که برادرش هابیل را کشت، دومی عاقر قیدار بن سالف بود و مراد از سومی قاتل یحیی بن زکریا است و رابع عبدالرحمن بن ملجم لعنهٔ الله علیه میباشد.

اظهار نظر مینویسد : «این تفسیر مثل اصل این فراز قائل آن معروف نیست» . بعد از اظهار نظرها مینویسد : «نتیجه ، این مقطع [از زیارت عاشورا مصباح متهجد] در این زیارت نمیشود باشد ، پس چطور وجود پیدا کرده ؟ فتنههایی بود که برخی در این زیارت وارد کردند و موجب نزاع بین شیعه و سنی شده ، موجب جنگها و ریختن خونها و از بین رفتن آبروها... »(1)

اظهار شیخ راضی که در آخر نقل اقوال او آوردیم حکایت میکند از جمله کسانی بوده که از اختلاف امت اسلامی بر سرِّ اینگونه موضوعات رنج میبرده است . و لذا آن را به عنوان قصهای بی اعتبار رد کرده است ؛ در صورتی که شیخ حسین راضی و دیگرانی چون او میدانند مسأله «اللَّهُمَ خُصَ أنْتَ...» تنها موضوع اختلاف نظر بین امت اسلامی نبوده و نیست که با اینگونه اظهار نظرهای سلیقهای صحیح یا غلط حل شود . و لذا بزرگانی در جواب شیخ حسین راضی کتابها تألیف کردهاند که از جملهٔ آنان حضرت آیت الله حاج سید محمد علی العلیu فرزند سید هاشم العلی است . نامبرده تحت عنوان «گفته کسی را که میگوید : «لعن» از روش اهل بیت علیهم السلام نیست ». این گونه به دفاع بر میخیزد .(2)

به نام خداوند بخشندهی مهربان

خداوندا ! بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج ایشان تعجیل فرما و بر همهٔ دشمنان ایشان لعنت کن !

1- زیارت عاشورا فی المیزان، شیخ حسین راضی، ص 130.
2- زیارت عاشورا، میراث جاودان عاشورا، ص 364.

مرحوم آیت الله سید محمد علی العلی در کتابش به معرفی ظلم پرداخته و احادیثی را ذکر کرده که دلالت میکند بر بدی ظلم و ظالم و نیز لعن ظالم در لسان دعا و زیارات ؛ و این کتاب به مثابهٔ ردّی است بر شیخ راضی که ادعا کرده زیارت عاشورا ساختگی است و لعن فرهنگ خشونت است و از روش اهل بیت علیهم السلام نیست و کار را به آنجا رسانده که علمای ما را به حشویه و تزویر متهم ساخته و سیرهی متشرعه از علمای ما را که هم عصر با ائمه طاهرین علیهم السلام بودهاند یا از نظر زمانی نزدیک به زمان آنان بودهاند با حیله دَر هم کوبیده، به خاطرآن که میخواهد دشمنان اهل بیت علیهم السلام را خشنود سازد .

او در مقدمه کتابش میگوید :

شکی نیست که اعتداء(1) ظلم است و برای ظلم و ظالم احکامی است که به آن دو مربوط است و کتاب عزیز مشتمل است بر آیاتی که نهی از ظلم میکند و بر آن تهدید مینماید و لعن ظالم در کتاب و سنت آمده است .

در این کتاب به زودی از کتاب و سنّت آیات و اخباری را که مربوط به ظلم و ظالم است عرضه میکنیم تا از آن طریق به بیان حکم لعن بپردازیم که آیا جایز است و یا جایز نیست ؟ و توفیق از ناحیهی پروردگار است .

مؤلف در متن کتاب میگوید :

تردیدی نیست در این که ظالم از مفسدین در زمین است و خدا نسبت به «مفسد فی الارض» حکم کرده که یا کشته شود، یا به دار آویخته شود ، یا دو دستش بر خلاف یکدیگر قطع شود و یا تبعید گردد ، و وقتی این

1- اعتداء یعنی تصرف عدوانی و تجاوز کردن به حقوق کسی.

حکم خدا نسبت به ظالم بود ، پس لعن در حق او چیز زشت و ناپسندی نیست و زیادتر از حق او نیست ، بلکه کمتر از آن چیزی است که سزاوار آن است ، مخصوصاً بعد از آن که لعن را تفسیر کردیم به دوری از رحمت خدا . پس جواز لعن ظالم بنابراین سزاوار است که مفروغ عنه باشد یعنی مطلبی مسلم و حتمی باشد ، مضافاً به آنچه به زودی عرضه میکنیم از آیات و اخبار و دعا و زیارات که مشتمل بر لعن است بلکه در زیارات و دعا جهت دیگری است برای دلالت ، آن دو در مقام تعلیم و تلقین هستند برای انچه میگوییم ، پس روایت زمانی که برای ما کیفیت زیارت را بیان کرده و فرمود: بگو : «اللَّهُمَّ الْعَنْ أُمَّهً ظَلَمَتْک» و تو میگویی : «اللَّهُمَّ الْعَنْ أُمَّهً ظَلَمَتْک» در حقیقت این تلقین است و ما را تلقین مینماید که آن را انشاءً بگوییم نه حکایتاً ، و تلقین به لعن بر این وجه یعنی امر به آن، و آن مستلزم حکم به جواز است و ما را به این نتیجه میکشاند که بر این تقدیر مجالی نسبت به زیارت عاشورا که آن به جهت اشتمال بر لعن ساقط است ، و آنچه برخی از افراد دیگر اظهار میدارند مانند زشت شمردن لعن و انکار آن و منع از آن ، به ادعای این که لعن از روش اهل بیت علیهم السلام نیست ، امری است که مصدری برای آن نیست و قولی است که دلیلی ندارد بلکه گفتاری مخالف واقع وجدانی میباشد .

آنچه از نصوص قرآن و سنّت و دعا و زیارت عرضه نمودیم ما را کاملاً قانع میسازد به اینکه لعن از روش قرآن و از روش اهل بیت علیهم السلام است و لعن از آنها نسبت به مستحق آن جاری گردیده، و این که اصرار بر انکار آن یا منع از آن مینمایند گاهی سببش اندیشهی تقریب است .

نهی از لعن ظالم و امر به ترک آن برای تقدیر نهی از معروف و امر به منکر شمرده میشود ، خدا ما را از آن پناه بدهد، و آن چیزی است که خبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را تحقق میبخشد که در خطبهاش در حجهٔالوداع نسبت به اوضاع آخرالزمان خبر داده و فرموده است :

«کَیْفَ بِکُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْکَرِ وَ نَهَیْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ؟

چگونه است حال شما وقتی امر به منکر و نهی از معروف کنید ؟

قِیلَ: یَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ یَکُونُ ذَلِکَ؟ !

عرض کردند : آیا چنین چیزی میشود؟

قَالَ: «نَعَمْ، وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِکَ، کَیْفَ بِکُمْ إِذَا رَأَیْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْکَراً وَ الْمُنْکَرَ مَعْرُوفاً؟ !»

فرمود: «آری ، و بدتر از آن. چگونه خواهد بود حال شما هنگامی که ببیند معروف ، منکر و منکر ، معروف گردیده است ؟»(1)

و نیز این کلام ما را به نتیجه دیگری میرساند و آن ، این است که نهی از لعن ظالم و رضایت نداشتن به آن گاهی بازگشت میکند به اظهار تمایل و هواداری نسبت به ظالم و مدارا نمودن با او در ظلم او، و این بازگشت میکند. در نتیجه به سبک شمردن ظلم ظالم و عدم انکار آن، و در مرحله بعد بازگشت میکند به مرتبهٔ خفیّهای از رضایت دادن به آن و بدین سبب مخفی نیست که شرکت کننده با ظالم در ظلم او شمرده

1- تحف العقول، ص 49؛ تهذیب، ج6، ص 177؛ بحارالانوار، ج100، ص 74.

میشود ؛ همانطور که نصّ صریحی از امام صادق علیه السلام در تأیید این مطلب آمده است :

آن حضرت فرمودهاند: امیرالمؤمنین علیه السلام اینگونه میفرمود :

«الْعَامِلُ بِالظُّلْمِ وَ الْمُعِینُ لَهُ وَ الرَّاضِی بِهِ شُرَکَاءُ ثَلَاثَتُهُمْ؛ ظلم کننده و کسی که او را بر آن کمک کند و رضایت دهندهٔ به آن ، هر سه شریک هستند .»(1)

و اضافه بر آنچه گفته شد، این منافات دارد با حقیقت ولاء نسبت به اهل بیت علیهم السلام که قوام آن به محبت آنان و تبری از دشمنان آنان است .

و منافات دارد با حقیقت ایمان که قوام آن به آن دو یعنی محبت اهل بیت علیهم السلام و تبری از دشمنانشان است ، به دلیل این آیه شریفه :

«لا تَجِدُ قَوْماً یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ یُوادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ کانُوا آباءَهُمْ أَوْ أَبْناءَهُمْ أَوْ إِخْوانَهُمْ أَوْ عَشیرَتَهُمْ أُولئِکَ کَتَبَ فی قُلُوبِهِمُ الْإیمانَ وَ أَیَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ یُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدینَ فیها رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ أُولئِکَ حِزْبُ اللَّهِ أَلا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ؛ هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمییابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند ، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند ، آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحهٔ دلهایشان نوشته و با روحی از ناحیهٔ خودش آنها را تقویت فرموده و آنها را در باغهایی از بهشت وارد میکند که نهرها از زیر درختانش

1- الکافی، ج2، ص 333.

جاری است، جاودانه در آن میمانند، خدا از آنها خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند ، آنها حزب الله هستند ، بدانید حزب الله پیروز و رستگارند ».(1)

و به خاطر آن بر مؤمن لازم است که در امر ظلم و ظالمین و نه در جواز لعن آنان سستی نکند تا در آنچه عقیده و ایمان او را ناقص میگرداند ، واقع نشود . خداوند ما را از انحراف قلبها در پناه خود حفظ کند . (2)

«پروردگارا ! قلوب ما را بعد از هدایت دچار انحراف مساز و از ناحیهٔ خودت برای ما رحمت مرحمت کن که تو بسیار بخشندهای ».(3)

« منزه است پروردگار تو ، پروردگار عزت (و قدرت) از آنچه آنان توصیف میکنند .»(4)

1- مجادله/ 22.
2- زیارت عاشورا، میراث جاودان عاشورا، ص 368.
3- آل عمران/ 8. «رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَهً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»
4- صافات/ 180. «سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ»

مطالبی پیرامون لعن در زیارت عاشورا

اختلاف اندکی میان آنچه در «کامل الزیارات» و «مصباح المتهجد» است مشاهده میشود . مفاتیح الجنان از «مصباح المتهجد» نقل کرده است : «اللَّهُمَّ الْعَنْ الأَوَّلَ وَ الثَّانِیَ وَ الثَّالِثَ وَ الرَّابِعَ». اما در «کامل الزیارات»(1) جعفر بن محمد بن قولویه، آمده است : «ثُمَّ تَقُولُ مأةَ مَرَّةً: اللَّهُمَ خُصَ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِیِّکَ بِاللَّعْنِ ثُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ اللَّهُمَّ اَلْعَنْ یَزِیدَ وَ أَبَاهُ وَ الْعَنْ عُبَیْدَ اللَّهِ بْنَ زِیَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ وَ بَنِی أُمَیَّةَ قَاطِبَةً إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ»

البته آنچه مهم است به جهت رعایت تولی و تبری اصل لعنت بر اذیت کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان ایشان مطابق با آیه قرآن است ، «إِنَّ الَّذِینَ یُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذاباً مُهیناً؛ بی گمان کسانی که خدا و رسولش را آزار میرسانند ، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفت آور آماده ساخته است .»(2)

باید گفت : لعن که به معنای دوری از لطف و رحمت الهی است و آنچه نکوهش شده ناسزاگویی و سب به خدایان مشرکان است : «وَ لا تَسُبُّوا الَّذینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَیَسُبُّوا اللَّهَ عَدْواً بِغَیْرِ عِلْمٍ؛ و آنهایی را که جز خدا میخوانند دشنام میدهید که آنان از روی دشمنی به نادانی خدا را دشنام خواهند داد .»(3)

1- ص 332؛ تحقیق جواد قیومی، چاپ نشر اسلامی.
2- سوره احزاب ، آیه 57 .
3- سوره انعام ، آیه 108 .

اما لعن به معنای طلب دوری از رحمت الهی، نسبت به کافران و ظالمان در قرآن نیز آمده است : «إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْکافِرینَ وَ أَعَدَّ لَهُمْ سَعیراً ؛ خداوند کافران را لعن میکند و عذاب را برای آنان آماده کرده است .»(1) و همچنین کسانی که پیامبر را آزار دادهاند مورد لعن قرار گرفتهاند . «إِنَّ الَّذینَ یُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَه ِ؛ کسانی که خداوند و پیامبرش را آزار میدهند خداوند آنان را در دنیا و آخرت مورد لعن قرار میدهد .»(2)

برای معاندان و محاربان با امام حسین علیه السلام و ظالمین به اسوهها و الگوهای هدایت مردم ، ابدی است . زیرا ملاک لعن ، ابدی است . آنچه که موجب لعن و نفرین نسبت به ظالمین به حق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم شده است، و ملاک لعن است ، چون باقی است لعن هم باقی است . علاوه بر این ، حقیقت و روح دین را همین حب و بغضها تشکیل میدهد .

حب و عشق نسبت به کسانی که بندگان مطیع و عارف درگاه الهی بودهاند و بغض نسبت به کسانی که دشمن حق و حقیقت بودهاند (تولی و تبری) از نشانههای ایمان است ؛ همچنان که در متون دینی آمده است :

«هَلِ الدِّینُ إِلَّا الْحُبُ وَ الْبُغْضُ (3)؟ هَلِ الْإِیمَانُ إِلَّا الْحُبُ وَ الْبُغْضُ(4)؟ آیا دین و ایمان چیزی غیر از حب و بغض است ؟»(5)

1- سوره احزاب ، آیه 64 .
2- سوره احزاب ، آیه 57 .
3- مستدرک الوسائل، ج 15، ص 129؛ و ج 12، ص 227.
4- المحاسن، ج 1، ص 262؛ الکافی، ج 2، ص 125.
5- میزان الحکمه، ج2، ص 944.

و در حدیث قدسی آمده است : «خداوند به موسی علیه السلام فرمود : آیا هرگز کاری برای من انجام دادهای ؟

حضرت موسی علیه السلام عرض کرد : برایت نماز گزاردم ، روزه گرفتم ، صدقه دادم و تو را یاد کردم ، خدا فرمود : نماز برهان و حجت برای توست و روزه سپر تو در برابر آتش جهنم است و صدقه ، سایهٔ سرت و یاد من ، نوری برای توست، چه کاری برای من کردهای ؟

حضرت موسی علیه السلام عرض کرد : مرا به کاری که برای توست راهنمایی فرما ؟

خداوند فرمود : ای موسی ! آیا هرگز برای من با کسی دوستی کردهای و برای من با کسی دشمنی کردهای ؟ پس موسی ، دانست که برترین اعمال ، حُب و دوستی به خاطر خدا و بغض و دشمنی به خاطر خداست ». (1)

در زمینه حب و بغض به خاطر خدا ، نقل متواتر از شیعه و سنی رسیده است .

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید :

«حب و بغض به خاطر خداوند ، واجب است ». (2)

از فلسفههای زیارت عاشورا تحکیم حُبّ و بُغض به خاطر خدا میتوان بر شمرد .

زیارت عاشورا و وحدت اسلامی

زیارت عاشورا و خواندن [آن] با اصل تأکید بر وحدت اسلامی تنافی و تناقض ندارد ؛ زیرا از نظر فقه شیعه آنجا که انجام کاری باعث نزاع و تفرقه میشود حتماً باید از آن پرهیز کرد و با تکیه بر اصل دیگر دینی «تقیّه» از انجام آن

1- میزان الحکمه، ج2، ص 966.

2- کنزالعمال، متقی هندی، ج 24688.

باید خودداری شود ، چنان که هر سال در موسم حج اتفاق میافتد که طبق نظر فقهای شیعه برای حفظ وحدت و هماهنگی اسلامی ، ُمهر گذاشتن در نماز لازم نیست و شرکت در نماز جماعت اهل سنّت جایز بوده و نماز هم اعاده ندارد . گذشته از همه اینها ، خواندن زیارت عاشورا نوعاً در جمع شیعیان است و یا هر کسی در خانه خود آن را میخواند ، در این صورت هیچ ضرر و زیانی به وحدت بین المللی اسلامی با دیگر مسلمانان وارد نمیکند .»(1)

اعلامیه علامه سید محمد علی العلی به نیابت از علما احساء

ایشان این دفاعیه از زیارت عاشورا که با عنوان «الله الله فی زیارة عاشورا» صادر نمودهاند را چنین آغاز کردهاند:

اینکه بعضی از افراد جرأت پیدا کردهاند و اعتراض و عرض اندام بر بعضی از فرازهای زیارت عاشورا که مشتمل بر لعن است ؛ نمودهاند و یا گفتهاند که زیارت عاشورا وضعِ برای زیارت شده و موضوعی برای زیارت حضرت حسین علیه السلام قرار داده شده است و اصل عاشورا خالی از این لعنهاست و متأسفانه برخی دیگر از اعلام این ادعا را قبول نمودهاند ؛ باید گفت : این شر و فتنهای است که دامنگیر آنها و تأییدکنندگان این کلام شده که قائلند تصرف در نص زیارت عاشورا پدید آمده است ؛ لذا بر این شدند که لعن را از بعضی از قسمتها حذف کنند و آن را به صورت طبع جدید و موافق کیفیتی که خودشان قائلند انتشار دهند .

1- 19 nahad.araku.ac.Ir آذر 1391.

این امر موضوعیست که اگر بدون جواب بماند تجرّی به سایر قسمتها کرده و فرصت دیگری برای فرد متجرّی پیدا میشود و در آیندهای نه چندان دور ، تصرف در زیارت جامعه ، دعای توسل ، دعای ندبه و در هر مأثوری که نفس آدمی با تفکر ولایی نسبت به آن حساسیت به خصوصی دارد ، به وجود میآید و دیگر حرمتی برای نصوص ما و ادعیه مأثور ما باقی نمیماند .

لذا سکوت ما در برابر چنین ادعاهایی و غفلت ما از چنین فتنههایی ، شایسته نیست ؛ و از علما اعلام خواستارم که بیدار شده و اینگونه تصرف و افراد متجرّی را مورد شناسایی قرار داده و به جد در نگهداری و حفظ آثار و مأثورات دینی و ارزشی و این مهم که در دست ماست اهمیت بدهند تا این آثار از بین نرود و در اثر این فتنهها به خاموشی و فراموشی سپرده نشود .

خداوند تعالی کفایت کننده ما و بهترین وکیل است و هیچ نیرو و توانی جز نیرو و توان او نمیباشد .

بیستم صفر سال هزار و چهارصد و بیست و نه هجری

به نیابت از علماء احساء سید محمد علی السید هاشم العلی(1)

1- WWW.SANABES.COM

فصل هفتم : سنّت و سیره قرار دادن زیارت عاشورا

سنت و سیره قرار دادن زیارت عاشورا

از اهم دلایل مستند بودن زیارت عاشورا سُنت و سیره قراردادن زیارت عاشورا میباشد که مفاخر علمای امامیه به آن عمل نمودهاند که حتی بسیاری از مراجع خودشان زیارت عاشورا با صد لعن و سلام و فقرۀ پایانی را قرائت و مردم را هم بدان ترغیب مینمودند که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره مینماییم :

1)- شیخ مرتضی انصاری رحمه الله

در شرح احوال مرحوم شیخ انصاری رحمه الله آوردهاند که از جمله عاداتش خواندن زیارت عاشورا بوده که هر روز دو بار صبح و عصر آن را میخواند و بر آن بسیار مواظبت مینمود . بعد از وفاتش کسی او را در خواب دید و از احوالش پرسید ، در جواب سه مرتبه فرمود : عاشورا ، عاشورا ، عاشورا .(1)

حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمه الله میفرمودند : شیخ انصاری رحمه الله ، زیارت عاشورا را با صد لعن و سلام میخواندند . بنابراین زیارت عاشورا محکی است که شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام را به منصه ظهور و بروز میرساند و به همین جهت است که دشمنان خاندان نبوت و رسالت ، مخصوصاً وهابیها

1- مردان علم در میدان عمل، ج2، ص 376.

در مکه و مدینه از به همراه بردن و خواندن مفاتیح مخالفت میکنند که عمدهٔ مخالفتشان به خاطر زیارت عاشورا است .(1)

2)- علامه طباطبایی رحمه الله

مرحوم حجت الاسلام هادی مروی رحمه الله میفرمودند : در خدمت مقام معظم رهبری دام ظله و آیت الله ناصری دام ظله عرض کردم ، خودم از آیت الله شیخ احمد پایانی رحمه الله این داستان را شنیدم :

روز عاشورایی بود که در قم وارد قبرستان نو شدم که دیدم مرحوم علامه طباطبایی گوشهای با سر و پای برهنه ایستادهاند . نزدیک شدم که مرحوم علامه مشغول قرائت زیارت عاشورا هستند و من هم ایستادم و گوش دادم . ایشان زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام به صورت کامل خواندند و بعد از تمام شدن زیارت به من فرمودند : «پایانی ! میدانی امروز چه روزی است؟ امروز نه تنها انسانها ، بلکه عوالم در عزای امام حسین علیه السلام خون گریه میکنند . میدانی چگونه ؟ ایشان کلوخی را از زمین برداشت و فشرد ، دیدم که قطرات خون از مُشت ایشان ، به زمین ریخت .(2)

توصیه علامه طباطبایی رحمه الله

مرحوم آیت الله سعادت پرور (پهلوانی) رحمه اللهاز قول علامه طباطبایی رحمه الله میفرمایند : از روز اول محرم شروع کن زیارت عاشورا را ، با صد لعن و صد

1- طرحی نو از زیارت عاشورا، ص 206و 207.
2- طرحی نو از زیارت عاشورا ، ص 212 و 213.

سلام بخوان و صد لعن و سلام را در طول روز بگو که سراسر زندگی تو ، در آن روز محشور با زیارت عاشورا باشد . در روز عاشورا ، با سر و پای برهنه برو زیر آسمان و زیارت عاشورا را کامل با صد لعن و صد سلام و نماز و دعایش بخوان .(1)

3)- حضرت امام خمینی رحمه الله

نقل میکنند : حضرت امام رحمه الله در اغلب ایام زیارتی در کنار قبر امام حسین علیه السلام بودند . در دهۀ محرم هر روز زیارت عاشورا معروفه را با صد مرتبه سلام و صد مرتبه لعن میخواندند . بیش از پنجاه سال شاید کمتر اتفاق افتاد که فجر طالع شود چشم امام در خواب بوده باشد .(2)

ترک نشدن زیارت عاشورا

حجت الاسلام و المسلمین غیوری نقل میکند : زیارت عاشورای امام خمینی رحمه الله هیچگاه ترک نمیشد. در صحبتی که خود من با ایشان داشتم متوجه این امر شدم و البته ایشان تصریح نفرمودند ، ولی من متوجه شدم زیارت عاشورای با صد لعن و صد سلامش ترک نمیشود .(3)

1- طرحی نو از زیارت عاشورا، ص 213.
2- طرحی نو از زیارت عاشورا ، ص 214.
3- طرحی نو از زیارت عاشورا ، ص 215، به نقل از سرگذشتهای ویژه از زندگی مام خمینی رحمه الله، ج6، ص 101.

4)- آیت الله العظمی سید حجت کوه کمرهای رحمه الله

در زمان متفقین، به واسطه نیامدن باران و گرانی ، مردم و طلاب در مشکلات فراوانی قرار گرفته بودند . به طوری که نان سنگگ دانهای یک تومان بود ، حال آن که شهریه طلاب ماهی ده تومان بیشتر نبود .

بدین جهت مرحوم آیت الله العظمی حجت کوه کمرهای دستور دادند ، چهل نفر از طلاب علوم دینیه روی بام مسجد مقدس جمکران بروند و چهل زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام بخوانند و ضمناً توسل به آقا موسی بن جعفر علیهما السلام و حضرت اباالفضل علیه السلام و آقا علی اصغر شیرخوار امام حسین علیه السلام پیدا کنند ، و بعد برای آمدن باران و رفع مشکلات دعا کنند .

عباس که فیض نامش اعجاز کن-د

فرداست که در بهشت پرواز کند

ام-روز هم از ک-ار ف-رو بست-ۀ ما

با دست بریده صد گ-ره باز کن-د

بالاخره بعد ازا انجام دستورات و مراجعت از مسجد جمکران، در فصل تابستان ابرها بالا آمدند و باران شدیدی شروع شد به طوری که طلاب کفشهای خود را بیرون آوردند و از میان سیلابها عبور کردند به برکت این رحمت الهی ، نعمتها فراوان شد .(1)

1- طرحی نو از زیارت عاشورا، ص 218؛ زیارت عاشورا و آثار شگفت، ص 73؛ زیارت عاشورا، میراث جاودان عاشورا، ص 437.

5)- آیت الله العظمی اراکی رحمه الله

یکی از ملازمان ایشان نقل میکرد : برنامه معظم له این بود که هر روز بالای بام میرفتند و به حالت ایستاده به خواندن زیارت عاشورا میپرداختند . ایشان مقیّد بودند صد لعن و صد صلوات که در زیارت عاشورا وارد شده است به طور کامل قرائت کنند و این برنامه ایشان تا موقعی که توانایی جسمی داشتند به همین نحو (بالای بام و روبه قبله) ، حتی در روزهای برفی و سرد هم بدون کم و کاست ادامه داشت . (1)

6)- آیت الله سید عبدالحسین طیب رحمه الله

متلکم فرهیخته، معلم اخلاق و مفسر بزرگ شیعه صاحب کتاب گرانسنگ و گرانقدر اطیب البیان، حضرت آیت الله حاج سید عبدالحسین طیب اصفهانی رحمه الله بر زیارت عاشورا با صد لعن و سلام با تمامی آداب (در تمامی ماههای محرم و صفر) در دورهای نزدیک به تمام عمر اهتمام داشتند .(2)

1- طرحی نو از زیارت عاشورا ، ص 219.
2- ریشهها و جلوههای تشیع و حوزه علمیه اصفهان، ج1، ص 622؛ حیات طیبه، ص 94.

فصل هشتم : استفتائات

اشاره

از محضر آیت الله الظعمی شیخ لطف الله صافی گلپایگانی دام ظله

س10 : هناک من یصرّ علی حذف اللعن من زیارهٔ عاشورا و یقول: ان اللعن حرام و غیر جائز، فهل یجوز حذف اللعن، ام هذا یمثل خطاً سیاسیاً یوماً ما ؟

و هل یجور لی انا العالم الصغیر التصرف فی مثل هذه الامور ؟

ج : لا یجوز التصرف فی ما ورد من الادعیه و الزیارات، و ینبغی الاهتمام بها و قراءتها کما وردت . والذی یصرّ علی حذف اللعن من زیارهٔ عاشورا بحجهٔ حرمهٔ اللعن فهو اما جاهل ، او جاهد . و قد ورد اللعن فی اکثر من اربعین آیهٔ من القرآن المجید. هدانا الله و ایاه الی الصراط المستقیم و لعن الکافرین و الجاحدین .(1)

1- یوم الحسین علیه السلام، فصل الشعائر الحسینیه، ص 98.

از محضر آیت الله العظمی مظاهری دام ظله

ریاست محترم حوزه علمیهٔ اصفهان حضرت آیت الله العظمی شیخ حسین مظاهری دام ظله در پاسخ سئوال کنندهای دربارهٔ زیارت عاشورا و سند آن فرمودهاند :

بسمه تعالی

سند زیارت عاشورا معتبر است و بزرگان دین همه آن را از زیارات معتبره میدانستهاند و زیارت همین طوری که در مفاتیح آمده است در کتب ادعیه نظیر : «زادالمعاد ، اقبال ، مصباح کفعمی ، مصباح المتهجد و کامل الزیارات» آمده است . و این زیارت از اول تا آخر بدون جملهای زیاد یا کم نزد بزرگان تشیّع معتبر است و از امتیازات این زیارت این است که دو رکن تشیّع یعنی تولی و تبری را دارد و ادعای کم یا زیاد در این زیارت یک ادعای بلادلیل، بلکه یک خرافات است .(1)

1- زیارت عاشورا، میراث جاودان عاشورا، ص 454 و سند آن به دست خط معظم له در سند شماره 4 صفحه 534 آمده است.

فصل نهم : کتابشناسی زیارت عاشورا

اشاره

کتابشناسی زیارت عاشورا(1)

زیارت عاشورا ارزندهترین زیارت امام حسین علیه السلام است که از صدور آن (دوران امامت امام باقر علیه السلام) تاکنون ، مورد توجه شیعیان و ارادتمندان ساحت قدس حسینی بوده است .

عنایت عالمان و دانشمندان به این زیارت باعث شده که دهها ترجمه و شرح عربی و فارسی بر آن نگاشته شود ، یا درباره سند آن و آداب خواندنش پژوهشهایی انجام گیرد ، که در این فصل کتابهای چاپی عربی و فارسی و کتب خطی عربی و فارسی و اردو را معرفی مینماییم. و تا حد امکان از نسخههای خطی آنها در کتابخانههای مختلف نشانی داده شده است .

الف . کتابهای چاپی عربی

1) ذخیره العباد لیوم المعاد ، از مؤلفی ناشناخته ،

شیخ نصراللّه شبستری در اللؤلؤ النضید مینویسد : این کتاب به چاپ رسیده است .(2)

2) رساله (شرح تایعت) فی زیارهٔ عاشورا

تألیف: سید میرمحمدباقر حسینی استرآبادی معروف به میرداماد (م 1041ق)

1- حقیر کتابی مستقل با 256 عنوان در این زمینه با نام کتابشناسی زیارت عاشورا تألیف نمودهام.
2- اللؤلؤ النضید ، ص 38؛ الذریعه ، ج 10، ص 16.

این رساله در شرح کلمه (تابعت) در زیارت عاشورا و اثبات صحیح بودن (تایعت) است .(1)

3) رساله فی زیاره العاشوراء و کیفیتها

تألیف : سید محمدباقر اصفهانی (حجه الاسلام شفتی) (1160 - 1260ق)

این رساله در ضمن مجموعه (سئوال و جواب) در کتابخانه سپهسالار جدید موجود است .(2)

4) رساله فی کیفیه زیاره العاشوراء

تألیف : مولی محمد بن محمد اشرفی مازندرانی (م 1315ق) ،

ایشان از شاگردان زبده حجت الاسلام شفتی (ره) میباشند .

متن این سئوال و جوابِ مفصل ، در ضمن مجموعهٔ سئوال و جوابِ مرحومِ اشرفی با نام «شعائر الاسلام من الحلال و الحرام» به چاپ رسیده است.(3)

5) زیاره عاشورا و آثارها العجیبه

1- شفاء الصدور، ج 2، ص430 ؛ الذریعه ، ج 13، ص 132.
2- الذریعه ، ج 12، ص 79، ش 547 ؛ فهرست کتابخانه سپهسالار ، ج1، ص 423، و ص 509 ؛ روضات الجنات، ج2، ص 101.
3- شفاء الصدور، ج 2، ص 430 . الذریعه ، ج3 ، ص 308 و ج4 ، ص 191 شعائر الاسلام را چنین معرفی میکند : مجموعهای است مفصل مشتمل بر ابواب فقهي به صورت سئوال و جواب و شرح حال مؤلف در کتاب علمای معاصرین تألیف ملا علی واعظ خیابانی، ص 62 – 64 ذکر شده است .

تألیف : سیدعلی موحد ابطحی اصفهانی، بیروت: مؤسسه الغدیر ، 1420 ق ، 1999م ، 65 صفحه ، قطع وزیری .

ترجمه این کتاب به نام «زیارت عاشورا و آثار شگفت آن» چاپ اول آن در قم در سال 1370ش ، توسط انتشارات امیر ، به زیور طبع آراسته شده است .

6) شرح زیاره عاشورا(1)

تألیف : میرزا ابوالمعالی کلباسی اصفهانی فرزند محمد ابراهیم (م 1315ق)،

این کتاب ، شرح بعضی از جملههای زیارت عاشورا و احکام حرم امام حسین علیه السلام و حدود حایر و احکام تربت امام حسین علیه السلام است .(2)

انتشارات دارالصدیقه الشهیدۀ علیها السلام ، قم ، چاپ اول، 1386ش، 296 صفحه ، قطع : وزیری به چاپ رسیده است.

7) شرح زیاره العاشوراء

تألیف : مرحوم ملاحبیب اللّه کاشانی (1262 - 1340ق) ،

1- جلد دوم از موسوعه شروح زیارت عاشورا به تصحیح و تدوین و تحقیق «شرح زیارت عاشوراء» تألیف ابوالمعالی کلباسی از عالمان سده چهاردهم اختصاص یافته است. هدف این موسوعه گردآوری و انتشار همه شرحها، تعلیقه ها و پژوهشهای مربوط به این زیارت ارزشمند است. در شرح حاضر از دیدگاه فقهی، جنبه ها، آموزه ها و معارف زیارت عاشورا در 27 تنبیه ارائه شده و علاوه بر متن شناسی و توضیح مضامین به جنبه های سندی و راویان و دیگر مجموعه زیارتنامه ها هم توجه شده است. نویسنده با نقل و بررسی آراء صاحب المصباح و مجلسی و دیگر عالمان شیعه از محتوای زیارت، شرایط و آداب و فضیلت زیارت عاشورا بحث کرده است.
2- الذریعه ، ج 12، ص 79، ش 546 و ج 13، ص 308 ، ش 1129؛ شفاء الصدور، ج2، ص 431.

این کتاب با تحقیق : نزارالحسن (قم ، دارالانصار ، 1381ش) در 118صفحه در قطع وزیری چاپ شده است . و همچنین : نشر: جلال الدین ف چاپ سوم، 1383ش، 120 صفحه ، قطع : وزیری.

8) اللؤلؤ النضید فی شرح زیاره مولینا أبی عبداللّه الشهید علیه السلام

تألیف : حاج شیخ نصراللّه شبستری تبریزی (م بعد از 1359ه-)

این اولین کتاب مؤلف است.(1)

قم ، انتشارات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، چاپ دوم، 1365 ش، 258 صفحه، جیبی.

9) زیارهٔ عاشورا سنداً و مکانهٔ(2)،

تالیف : جعفر سبحانی، موسسه الامام الصادق علیه السلام، قم ، چاپ اول، 1430 ق ، 80 صفحه ، قطع : جیبی .

10) - زیارهٔ عاشورا تحفهٔ من السماء ،

سید عباس حسینی . نشر :

موسسه الامام الرضا علیه السلام، قم، 1431ق.

1- الذریعه، ج 18، ص 387، ش 566؛ فهرست آستان قدس، چاپ قدیم، ج6، ص 344 و 345؛ شفاء الصدور، ج2، ص 433.
2- تحقیقی است درباره سند و اعتبار «زیارت عاشورا» و جایگاه ویژه آن نزد شیعیان. در این تحقیق حجیت زیارت عاشورا نزد علمای قدیم و قوی بودن اعتبار آن به جهت شهرت عملی مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه علمایی مانند شیخ طوسی و ابن قولویه درباره اسناد روایی این زیارت منعکس گردیده است. نگارنده معتقد است اگر چه سند روایت مربوط به زیارت عاشورا به دیدگاه برخی از علما ضعیف است اما شهرت عملی علمای شیعه بر مواظبت و مداومت بر این زیارت ضعف سند آن را جبران نموده است. وی پنج سند برای زیارت عاشورا نقل کرده است .

و همچنین نشر مؤسسه زین العابدین علیه السلام و فاروس ، چاپ اول ، 1396ش ، 392 صفحه، قطع وزیری .

11) معرفهٔ الحسین علیه السلام فی زیارهٔ الحسین علیه السلام ، آشنایی با زیارت عاشورا، محمود کامل،

نشر: مروای مهر، چاپ اول ، 1395ش.

12) زیارت الکامله عاشورا ، تجمیع و تحقیق روایهٔ صفوان بن مهران جمال فی زیارهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام ،

ناشر : ولایت ، 1394ش ، چاپ اول ، 54 صفحه ، جیبی .

13) شرح زیارهٔ عاشوراء دور الرضیع فی کربلاء ،

تألیف : سیدجلال حسینی اشرف زاده .

ناشر : طوبای محبت ، چاپ اول، 1395ش ، 286 صفحه ، قطع وزیری .

14) زیاره عاشوراء: دراسه السند ... و تحلیل المضمون(1) ،

1- در این پژوهش از لحاظ سندی، روایی و رجالی، تحقیقی در مورد صحت سند «زیارت عاشورا» صورت گرفته است. نویسنده با توجه به تشکیک هایی که از سوی برخی از عالم شیعه در مورد سند زیارت عاشورا صورت گرفته، به دفاع از این زیارت پرداخته و شبهات مطرح شده در مورد سند و مفاد آن را مطرح و پاسخ گفته است. وی توثیق رجال بزرگ حدیث مانند نجاشی، شیخ طوسی و آیت الله سیدابوالقاسم خویی در مورد سند این زیارت و وجود راویان مطمئن و موثق در سند زیارت عاشورا و برخی از مناقشات صورت گرفته در سند آن را به صورت مفصل مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و ضمن مقایسه نظریه های مختلف در سند این زیارت پنج سند و طریق که وی آن ها را معتبر شمرده است در اثبات صحت سند مطرح کرده و دیدگاه های علمای بزرگ حدیث شیعی را نیز در مورد این اسناد منعکس نموده است.

تألیف : جعفر تبریزی

ناشر: دار الصدیقه الشهیده ، چاپ اول، 1390ش، 294 صفحه ، رقعی

15) الکنز المخفی: دراسه فی زیاره عاشورا(1) ،

مؤلف:عبدالنبی عراقی

ناشر: دار الصدیقه الشهیده، چاپ اول، 1386ش ، 280 صفحه ، وزیری

16) اضواء علی زیاره عاشوراء ، مؤلف:علی حیدر موید

ناشر: مکتبه الحیدریه، چاپ اول، 1385ش ، 288صفحه ، وزیری.

17) زیاره عاشورا فوق الشبهات ، مؤلف : جواد تبریزی

ناشر: دار الصدیقه الشهیده ، چاپ اول ، 1385ش ،88 صفحه ، رقعی.

ب . کتابهای چاپی فارسی

1) آثار و برکات زیارت عاشورا ، عباس عزیزی ،

قم ، انتشارات سلسله ، چاپ نهم ، 1378 ش، 64 صفحه ، رقعی .

1- موسوعه گسترده ای است در زمینه شروح، تعلیقات و پژوهشهای مربوط به زیارت عاشورا. در این جلد متن الکنز الخفی نوشته عبدالنبی عراقی در شرح مضامین و معارف زیارت عاشورا تصحیح و به همراه مقدمه و تعلیقات تدوین یافته است. کتاب در یک مقدمه و 25 مقصد و یک خاتمه که عموماً در شرح آموزه های شیعی و سیاسی و اخلاقی این زیارت است سامان یافته و از جمله درباره آداب زیارت، ادب حضور ائمه، شرایط و آثار زیارت و کرامات زیارت امام حسین علیه السلام بحث شده است.

2) بررسی اسناد زیارت عاشورا ، آیت الله العظمی شیخ جعفر سبحانی(1).

3) پرتویی از زیارت عاشورا ، سیدمحمود حسینی (سیاهپوش).

تهران : نشر ابجد ، 1357 ش ،30 صفحه ، رقعی.

4) تحلیلی از حماسه سیاسی ، تاریخی زیارت عاشورا ، محمدرسول دریایی(2) ،

تهران : انتشارات جعفری و اسلامی ، 1371 ش، 558 صفحه ، وزیری .

5) الدّر المنصور فی شرح زیارهٔ العاشور

میرزا احمد بن عبدالرحیم ، معروف به میرزا آقا تبریزی ، تبریز: 1380ق، 252 صفحه ، قطع رقعی.

6) الدره البیضاء فی شرح زیاره العاشورا ، حاج سید عزیزاللّه امامت کاشانی(3) ،

کاشان ، مجمع متوسلین به آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، چاپ اول ، 1378 ش، 564صفحه ، وزیری .

1- این نوشتار در مجموعه مقالات ایشان به نام سیمای فرزانگان، ج 2، ص 495- 506 مندرج است .
2- مؤلف محترم کتاب ، در 40 فصل و به شرح مفصّل فقرات و جملات زیارت عاشورا از دیدگاه تاریخی پرداخته و آن را با احادیث و اشعار فراوان و نقل اقوال نویسندگان اهل سنت درآمیخته است.
3- این رساله (350 صفحه) به همراه رساله فضائل اهل بیت علیهم السلام و ثواب زیارت سیدالشهدا علیه السلام و رسالهای درباره امامزادگان معتبر، و رجال مدفون در کاشان (200 صفحه) به چاپ رسیده است .

7) درس هایی از زیارت عاشورا ، جواد محدثی، تهران : دارالحدیث ، 1378 ش ، 73 صفحه ، رقعی .

بوستان کتاب قم، چاپ هشتم، 1394ش، 66صفحه ، رقعی .

این کتاب به زبان اردو ترجمه و منتشر شده است .

8) زیارت در پرتو ولایت (شرح زیارت عاشورا) ، زهره صفاتی،

قم ، مجمع علوم دینی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ، 195 صفحه ، رقعی.

9) زیارت عاشورا ، تنظیم : سیدرضا موسی کاظم نائینی ،

قم ، دارالنشر اسلام، 1378ش، 56صفحه ، جیبی.

10) زیارت عاشورا ، غلامرضا ناقلی،

مشهد ، بنیاد مستضعفان خراسان، 1364 ش، 98 صفحه .

11) زیارت عاشورا و آثار معجزه آسای آن ، علی اکبر مهدی پور(1)

قم ، انتشارات رسالت، 1375 ش، 64 صفحه ، قطع جیبی .

12) زیارت عاشورا و آثار شگفت، سیدعلی موحد ابطحی اصفهانی(2)،

قم ، مؤلف، 1415ق، 100 صفحه ، قطع جیبی .

1- در این رساله از زیارت امام حسین علیه السلامو آثار آن، ایام زیارتی، زیارت عاشورا و ثواب آن، مداومت بر آن و آثار شگفت آن و ده داستان، اسناد و منابع زیارت عاشورا، چند نکته پیرامون زیارت عاشورا و آداب زیارت عاشورا بحث شده است.
2- این کتاب، به عربی ، اردو ، فرانسه و روسی ترجمه شده است .

13) زیارت عاشورا و آثار معجزه آسای آن ، ناصر رستمی لاهیجانی ، قم ، مجمع ذخائر اسلامی، 1370ش، 359 صفحه ، رقعی .

و همچنین: نشر اشکر، چاپ اول، 1383ش، 440 صفحه، وزیری.

14) شرح زیارت عاشورا، آیت الله حاج سیداحمد میرخانی تهرانی (1330ق - 1414ق، مهرماه 1372ش)(1)

تهران ، مکتب ولی عصر و مؤسسه فرهنگی نشر سُها، 1374 ش، 970 ص، وزیری. و همچنین انتشارات شمس الضحی ، چاپ سوم، تابستان ، 1389 ش، 888 صفحه ،

15) شرح زیارت عاشورا ، مولی عبدالرسول نوری فیروزکوهی (م بعد 1320ق)(2) ،

این کتاب ، همراه با چند رساله دیگر از مؤلف به سال 1321ق، در تهران به چاپ رسیده است .

16) شرح و ترجمه زیارت عاشورا ، حسن شمس ، گیلانی ،

تهران ، 1369ش، 147 صفحه ، رقعی .

1- این کتاب، در 51 مجلس به سامان رسیده و به شرح مفصل زیارت از دیدگاه کلامی، تاریخی، حدیثی و ادبی پرداخته است.
2- الذریعه ، ج 13، ص 308 ؛ گنجینه دانشمندان، ج 6 ، ص 125؛ فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی ، ج6 ، ص 332 نوشته است : ایشان از شاگردان صاحب فصول و میرزا ابوالقاسم کلانتری بوده است .

17) شرح یک حماسه (نگاهی کوتاه به زیارت عاشورا) ، سیدمهدی حسینی زاده

تهران ، مرکز آفرینشهای ادبی هنری بنیاد قرآن ، 1381 ش، 140 صفحه ، خشتی.

18) شفاء الصدور فی شرح زیاره العاشور

حاج میرزا ابوالفضل تهران کلانتر (1273 - 1316 ق)(1) ، تحقیق و تکمله : سیدعلی موحد ابطحی اصفهانی،

قم: چاپ سیدالشهدا، 1368ش، 2 ج، 440 و 415صفحه ، وزیری .

و همچنین با تحقیق صادق حسن زاده در انتشارات نبوغ، در 664 صفحه چاپ اول آن در سال 1391 شمسی در یک جلد به زیور طبع آراسته گردیده است .

1- مؤلف ، این شرح را - که گستردهترین و پرفایدهترین شرح زیارت عاشوراست - در عصر روز عاشورای 1309ق، در سامرا به پایان رسانیده و مورد تأیید و تمجید مرحوم آیت اللّه العظمی میرزای شیرازی نیز قرار گرفته است . این کتاب ، بارها در بمبئی، تهران و قم به چاپ رسیده و مورد اعتنا و اعتماد محدثان و مورّخانی مانند: حاج میرزا محمد ارباب قمی در اربعین الحسینیه و حاج شیخ عباس قمی در منتهی الآمال هم قرار گرفته است. مؤلف بزرگوار، این کتاب را سرشار از فواید گوناگون کلامی ، تفسیری ، حدیثی ، تاریخی ، لغوی ، ادبی ، فقهی و رجالی ساخته و با نهایت دقّت و ژرف نگری مطالب را پیگیری کرده و مدّعای خویش را به اثبات میرساند .

19) شور عاشوائیان ، (ترجمه منظوم زیارت عاشورا) سروده : عبدالحسین اشعری قمی ،

قم ، مرکز فرهنگی انصار المهدی ، 1378ش، 30صفحه ، جیبی .

20) کنز مخفی ، شیخ عبدالنبی نجفی عراقی (اراکی) (1308 - 1387 ق) ،

تهران ، 1371ق، به اهتمام یوسف بوعلی احسایی، 120 صفحه ، وزیری .

و همچنین این کتاب با تحقیق: ناصر باقری بیدهندی، انتشارات مقدس جمکران، در سال 1392ش به زیور طبع آراسته گردیده است .

21) المصباح والنور در شرح زیارت عاشورا ، میرزا محمد توتونچی تبریزی (م1398ق) ،

نویسنده دارای شرحهایی است بر زیارت جامعه، دعای ندبه و خطبه شقشقیه .

چاپ تبریز، 1392ق، 87 صفحه ، رقعی.

22) نور علی نور فی آداب زیاره العاشور ، میرزا حبیب اللّه بن شیرمحمد همدانی(1) ،

بمبئی ، 1320 ق، 242 صفحه ، رقعی.

23) زیارت عاشورا و داستانهای آن ، مهدی رئیسی ،

1- الذریعه ، ج 24، ص 371 ؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی مشار ، ج 5، ص 5335؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج 2 ، ستون 3322.

قم ، انتشارات مشهور (میراث ماندگار) ، چاپ سوم، 1385 ش ، 240صفحه ، جیبی.

24) نجوای آسمانی ، احمد ابراهیمی هرستانی ،

قم ، انتشارات خادم الرضا علیه السلام ، چاپ اول، 1391 ش، 352صفحه وزیری .

25) سلام بر خورشید ، نگاهی نو به زیارت عاشورا ، مهدی خدامیان آرانی

قم ، انتشارات وثوق، 1391ش ، 126 صفحه .

26) میزان تشیّع ، بررسی سند، محتوا، و نسخههای زیارت عاشورا ، محمد عندلیب همدانی، به کوشش : احمد نباتی،

قم ، انتشارات مسجد مقدس جمکران ، چاپ اول، تابستان 1392ش ، 310 صفحه ، وزیری .

27) شرح موضوعی زیارت عاشورا ، روح الله بیدرام ،

اصفهان، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه اصفهان ، چاپ اول، مهرماه 1395ش. کتاب فوق در سه جلد که جلد اول آن در 486 صفحه، به زیور طبع آراسته گردیده است .

28) منشور نینوا ، مجید حیدری فر ،

قم ، انتشارات مسجد مقدس جمکران ، چ چهارم ، زمستان 1388ش ، 535 صفحه ، وزیری.

29) اعبار زیارت عاشورا و رفع برخی از شبهات ، آیت الله حاج شیخ حسین کریمی(1) ،

قم ، نشر مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام ، چاپ اول، 1387ش ، 132 صفحه ، رقعی .

30) فقه نینوا ، پرسش و پاسخ پیرامون زیارت عاشورا و کیفیت آن(2) ، آیت الله سید محمدباقر شفتی ، تحقیق: مرکز تحقیقات کتابخانه مسجد سید ،

اصفهان، نشر بامداد امید، چاپ اول، 1394 ش، 528 صفحه.

31) طرحی نو از زیارت عاشورا ، پژوهشی نو در ابعاد مختلف زیارت عاشورا ، اسماعیل کاظمی زرومی ،

اتنشارات مهر فاطمه علیها السلام ، چاپ اول ناشر، 1390ش، 328صفحه ، وزیری.

32) داستانهای شگفت انگیز از زیارت عاشورا و تربت سیدالشهدا علیه السلام، حیدر قنبری،

ناشر : فاتح خیبر ، چاپ اول، تابستان 1384 ش ، 160صفحه ، رقعی.

1- کتاب فوق شبهات مربوط به سند یارت عاشورا به صورت بسیار دقیق و فنی پاسخ داده شده و معظم له اثبات فرمودهاند که این زیارت حتی با صد لعن و صد سلام ، معتبر و دارای سندی صحیح و قابل اعتماد میباشد .
2- در پایان این کتاب دو رساله به زبان عربی از آثار ارزشمند علامه حاج سید اسدالله شفتی اصفهانی، فرزند محمدباقر شفتی ضمیمه گردیده یکی پیرامون زیارت عاشورا و کیفیت آن و دیگری درباره محدوده حائر حسینی علیه السلام.

ص:192

33) زیارت عاشورا میراث جاودان عاشورا ، سید ملک محمد مرعشی ،

نشر راه نیکان ، چاپ اول ، 1392ش ، 699صفحه ، وزیری.

34) شرحی بر زیارت عاشورا، حسین علی مصدقیان .

35) زیارت عاشورا در زندگی حضرت آیت الله صافی اصفهانی (ره)

ناشر: صاحب الامر(عج)، چاپ اول ، 1388 ش ،52 صفحه ، جیبی.

36) زیارت عاشورا فوق الشبهات ، میرزا جواد تبریزی ،

قم ، دارالصدیقهٔ الشهیده ، 1384ش.

37) زیارت عاشورا و داستانهای شگفت آن، حیدر قنبری ،

قم، مهدی یاری، 1380 ش . رقعی.

38) بررسی و تحلیل پیرامون زیارت عاشورا ، حسن اسدی ،

تهران، آدینه سبز، 1385ش ؛ و همچنین نشر راه نیکان، چاپ اول، 1393ش، 272صفحه، وزیری .

39) بررسی کوتاه پیرامون زیارت عاشورا ، سید محمد حسینی ،

نشر و فرهنگ اسلامی ، 1364ش.

40) زیارت عاشورا و داستانهای شگفت آن، مترجم: سید حمید عادی ،

قم ، نشر دارالغدیر، چاپ دوم، 1379ش.

41) شرح نوین زیارت عاشورا، همراه با پیامها و رازها ، سید حمید فتاحی.

نشرمیرفتاح ، قم، چاپ دوم ، 1381ش، 268 صفحه ، رقعی .

42) ترجمه و شرح زیارت عاشورا ، احمد نظری ،

قم ، نشر معصومین ، چاپ اول، 1387 ش، 68 صفحه ، رقعی .

نشر عصر جوان، چاپ اول، 1388 ش، 88 صفحه ، رقعی .

43) شرح و بررسی صفات فعلی حق در زیارت عاشورا ، زهره احمدی ،

قم، ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ دوم ، 1395ش ، 215 صفحه ، رقعی.

44) ترجمه و شرح زیارت عاشورا (تلخیص و نظری تازه بر کتاب شفاء الصدور فی شرح زیارهٔ العاشورا)، حسین ثقفی تهرانی،

تهران، ناشر : هاد، وزیری، 666 صفحه.

45) شرح زیارت عاشورا ، نگرشی عرفانی، تاریخی ، اجتماعی و سیاسی ، علی اصغر عزیزی تهرانی ،

قم، دارالصادقین، چاپ چهارم ، 1381ش ، 248 صفحه ، وزیری.

46) پژوهشی در سند و محتوای زیارت عاشورا ، بهروز یدالله پور ،

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف ، چاپ اول، 1384 ش، 120 صفحه ، رقعی .

47) شرح مأثور بر زیارت عاشورا، شیخ عین الله حسینی .

نشر: شاکر ، چاپ اول، 1392ش، 500 صفحه، وزیری .

48) فرازهای عاشورا ، شرح فرازهایی از زیارت عاشورا، ابوالفضل هادی منش .

نشر: بهاردلها ، چاپ سوم، 1393ش، 112 صفحه ، رقعی .

49) اسرار عاشقان و مقامات عارفان در زیارت عاشورا، مرتضی زاهدی ، موسسه فرهنگی و هنری صابره .

50) آوای ملکوتی ، 40 پیام از زیارت آسمانی عاشورا، سید سلیمان علوی ،

تهران ، نشر وثوق، 1385ش، 200 صفحه .

51) کیمیای وصل، سیری در معارف زیارت عاشورا بر اساس نسخه سید علی آقا قاضی به قلم جعفر صالحان در دو جلد،

ناشر: تراث، 1394ش ، 831 صفحه، وزیری .

52) ساغر سرخ ، ترجمه و شرح مختصر زیارت عاشورا ، مجید سینایی ، کانون علمی پژوهشی حضرت ابوطالب علیه السلام ،

چاپ اول، 1397ش، 152 صفحه.

53) ضیافت بلا ، مقامات سلوکی در زیارت عاشورا ، چاپ هشتم، سید محمد مهدی میرباقری،

نشر تمدن نوین اسلامی ، 1397ش ، 208صفحه .

54) شرح زیارت عاشورا، سعید هاشمی ایلامی ،

قم ، براق، 1387ش، 396صفحه ، رقعی .

55) دانشگاه حسینی، شرح زیارت عاشورا ، محمود هادی لجین .

ناشر: یاران ، چاپ اول، 1386ش، 152 صفحه ، وزیری .

56) زیارت عاشورا (تحقیق پیرامون زیارت عاشورا و کیفیت آن) ، سید محمد رضا غیاثی کرمانی ،

ناشر: الجماعه المدرسین بقم المشرفه، مؤسسه النشر الاسلامی، (عربی، فارسی) چاپ اول، 112 صفحه، 1390ش، جیبی.

57) نجوای سرخ ، شرحی بر فرازهایی از زیارت عاشورا ، (مجموعه سخنرانی هایی مرحوم حجت الاسلام شیخ علی محقق طوسی) ، به اهتمام : سید مهدیار بامشکی ،

انتشارات دلیل ما ، وزیری .

58) شرح زیارت عاشورا ، مفید بن محمد نبی الشیرازی، (م 1251-1325ق)، تحقیق و تنظیم: محمد حسین درایتی، پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام، 1394ش.

59) نگاهی به زیارت عاشورا ، سیروس مختاری ،

دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، چاپ اول، 1381ش، 68 صفحه ، رقعی .

60) زیارت عاشورا در نگاهی دیگر ، با نگاهی به مستندات تاریخی و حدیثی، غلامرضا حیدری ابهری ،

انتشارات جمال ، 104 صفحه ، 1392.

61) ثواب قرائت زیارت عاشورا، عباس عزیزی ،

ناشر: صلاه، چاپ اول، 1397، 32 صفحه، جیبی .

62) معجم زیارت عاشورا، فرهنگ الفبایی متن زیارت عاشورا ، یوسفعلی یوسفی ،

انتشارات کوثر غدیر، چاپ اول، 56 صفحه، 1397ش، رقعی.

63) عطر سیب سرخ ، پژوهشهایی پیرامون زیارت عاشورا ،

ص:196

ناشر: سردار شهید طوسی، چاپ دوم، 1397، 220 صفحه.

64) فضائل زیارت عاشورا ، قربان محمد زاهدی ،

نشر: ضریح آفتاب ، 1397ش، 176 صفحه .

64) سیری در زیارت عاشورا ، از سلسله درسهای استاد سید خاموشی (طاهایی) ، مؤلف: فاطمه طاهایی ،

ناشر: نامه نرجس ، چاپ اول ، 1397، 252 صفحه ، رقعی .

65) این گونه زیارت عاشورا بخوانیم ، سید محمد تقی قادری،

نشر: کوثر کویر ، 1394، 175 صفحه .

66) زیارت عاشورا اتحاد روحانی با امام حسین علیه السلام، اصغر طاهرزاده ،

انتشارات لب المیزان ، چاپ پنجم ، 1393ش ، 136 صفحه ، رقعی.

67) زمزمه قدسیان (شرحی بر زیارت عاشورا) ، سید حسن منتظرین ،

انتشارات دلیل ما ، 1393، 600 صفحه ، وزیری .

68) تدبر در زیارت عاشورا و دعای عهد ، محمد نظری ،

ناشر: مؤلف ، 1396ش ، 96 صفحه .

69) زیارت عاشورا و 40 نکته از زیارت عاشورا ، محمد فربودی ،

انتشارات: بقیهٔ الله علیه السلام ، چاپ دوم، 1384ش، 64 صفحه، جیبی.

70) زیارت عاشورا با ترجمه و توضیحات لغوی، ادبی و تاریخی ، حمید مستفید،

ناشر: بنیاد قرآن و عترت، (عربی و فارسی) ، چاپ اول، 1384ش ، 80 صفحه، جیبی .

71) شرحی کوتاه بر زیارت عاشورا، مهدی ملکوتی فر ،

ناشر: شادیاخ، چاپ سوم، 1397ش ، 160صفحه، رقعی .

72) بررسی منابع و شرح فرازهای زیارت عاشورا ، احمد آقادادی ،

انتشارات کومه ، چاپ اول ، پاییز 1388ش ، 176 صفحه، وزیری .

و همچنین چاپ اول، انتشارات دلیل ما، سال1390ش، در 208 صفحه.

ص:197

73) زیارت عاشورا بر اساس 4 روایت، شامل زیارت عاشورای معروف و غیر معروف وامام حسین علیه السلام و ...،

ناشر: مهدی طرازنده ، چاپ اول، 1393ش.

74) زیارت عاشورا در سیره فقها و بزرگان ، پدیدآورنده: ایوب نجفی سردرودی،

ناشر : آوای منجی ، چاپ سوم، 1395ش.

75) زیارت عاشورا در میرات مکتوب شیخ طوسی (ره) ، مولف : علی لباف ، مترجم حمید رضا مستفید

انتشارات منیر، چاپ اول، 1393ش، 80 صفحه، قطع رقعی.

76) زیارت عاشورا منزلگاه انتظار وبلا، مجید جعفر پور ،

قم ، انتشارات: بیت الاحزان، چاپ اول، 1393ش، 176 صفحه، رقعی.

77) زیارت عاشورا در میرات مکتوب شیخ طوسی و علامه حلی (قدس سرهما) ، مولف : علی لباف ، مترجم حمید رضا مستفید

نشر آفاق ، چاپ اول، 1392ش، 87 صفحه، رقعی .

78) حدیث عشق ، تفسیر کامل زیارت عاشورا ، پری سادات آسیایی صحنه (امامی) ،

ناشر: نظری ، چاپ دوم ، 1396ش، 352صفحه، قطع رقعی .

نشر : مکعب ، چاپ اول، 1388ش، 280صفحه ، وزیری .

79) عاقلانه گریستن ، شرحی بر زیارت عاشورا ، ابوالقاسم جعفری ،

ناشر: دعوت، تهران، چاپ اول ، 1396ش ، 176 صفحه ، رقعی.

80) معراج آیهها ، نگاهی به زیارت عاشورا ، هادی عباسی خراسانی ،

ناشر : باران حکمت ، چاپ اول، 1396ش، 160 صفحه، رقعی .

81) زیارت کامله عاشورا ، بازسازی و تحقیق روایت صفوان بن مهران جمال در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام زیارت ششم ،

ناشر : ولایت ، چاپ اول،

1395ش، 80 صفحه ، جیبی .

82) نغمههای شیدایی ، شرحی منظوم بر زیارت عاشورا، زیارت جامعه کبیره، دعای عهد و مناجات امام علی علیه السلام ، سید مهدی مهدوی زاده ،

نشر روح ، 80 صفحه ، ناشر: شهیدین زین الدین، چاپ اول 1383ش، 80 صفحه، رقعی .

83) بررسی سند زیارت عاشورا، مؤلف:جعفر تبریزی

ناشر: دارالصدیقه الشهیده ، چاپ چهارم ، 1397ش، 304 صفحه ، رقعی.

ج . کتابهای خطی عربی

1) تحقیق فی زیاره العاشوراء ، حسن بن ابراهیم حسینی ساوجی (ق 13) ،

نسخه خطی آن (کتابت: 1286 ق) در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.

2) تذکره الزائرین ، سید ابو محمد حسن بن محمد طباطبایی ساروی(1) (م ح 1351 ق) ،

1- فهرست کتابخانه مجلس، ج 12، ص 83 ؛ شفاء الصدور، ج2، ص 419.

این کتاب ، شرح مختصر زیارت عاشورا بوده و نسخه خطی آن به شماره 7 / 4373 در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. مؤلف، پس از این ، شرح مفصّل زیارت را به نام «صداق الحور» نگاشته است .

3) جنّه السرور فی تحقیق کیفیه زیاره العاشور ، شیخ علی شریعتمدار استرآبادی تهرانی(1) (م 1315 ق) ،

نسخه اصل به خط مؤلف آن در مجموعه شماره 3/3090 کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است .

مؤلف، این کتاب را خودش به نام «نتایج المأثور» ترجمه کرده است.

4) رساله فی روایه زیاره عاشورا ، سید نصراللّه بن حسن حسینی،

نسخه خطی آن (مورَّخ:1237ق) به شماره 3 / 2527 در کتابخانه مسجد سپهسالار (شهید مطهری) موجود است.

5) الدره الحمراء فی شرح کیفیه زیاره العاشوراء

شیخ محمد شهداوی بن ابی الحسن نایینی مصاحبی(2) (م1278ق) ، تاریخ تألیف: 1269 ق،

1- الذریعه ، ج 5، ص 158؛ فهرست کتابخانه مرعشی، ج 8، ص 314 - 315.

2- فهرست کتابخانه، ص 286 ؛ مکارم الآثار، ج6، ص2231 . این رساله در مجموعه میراث حدیث شیعه دفتر بیستم با تحقیق: حجت الاسلام و المسلمین شیخ مهدی باقری سیانی به چاپ رسیده است.

نسخه خطی آن در مجموعه شماره 697 (در 44 صفحه جیبی) کتابخانه سید احمد صفایی خوانساری (اهدایی مقام معظم رهبری به کتابخانه آستان قدس رضوی) موجود است.

6) رساله فی زیاره عاشوراء ، سید محمد علی بن میرزا محمدحسین شهرستانی حایری(1) ،

7) رساله فی زیاره عاشوراء ، میرزا محمدحسن بن محمدباقر هزار جریبی(1239 - 1300ق)

8) رساله فی آداب زیاره العاشور ، شیخ محمدباقر اصطهباناتی (م 1326 ق)

نسخه خطی آن به شماره 9 / 4373 در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

9) رساله فی زیاره عاشوراء ، ملامحمدجعفر شریعتمدار استرآبادی تهرانی(2) (1197 - 1263ق) ،

نسخهای از آن نزد شیخ مهدی شرف الدین در شوشتر بوده و شاید ، نسخه شماره 2527 کتابخانه مسجد سپهسالار (شهید مطهری)، همین کتاب باشد.

1- الذریعه، ج 12، ص 80 ، ش 550.

2- الذریعه ، ج 12، ص 79 ، ش 548 .

ص:201

10) رساله فی زیاره عاشوراء

شیخ نصراللّه شبستری مینویسد: برخی از علمای ساکن مشهد مقدس، تألیفی در شرح زیارت عاشورا نگاشته است.(1)

11) زیاره الحسین علیه السلام یوم عاشوراء، نسخه خطی شماره 9028 کتابخانه برلین.

نسخه خطی آن به شماره 4568 در کتابخانه آیتاللّه مرعشی موجود است.(2)

12) شرح زیارت عاشورا، شیخ مفید بن محمد نبی شیرازی بحرانی (1251ق - 1325ق) ،

این کتاب، شرح مزجی بسیار مفصلی است که به موضوعات ادبی، تاریخی و اعتقادی بحث میپردازد و در آغاز هم مقدمهای درباره فضیلت زیارت امام حسین و معنای عاشورا آورده و در اوایل ماه رمضان 1303 ق، به تألیف آن پرداخته و روز سوم ذی قعده همان سال، از آن فراغت جُسته است. نسخهای از آن به شماره 375 در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(3)

13) شرح زیاره عاشوراء ، حاج میرزا حسن حایری شیرازی(4) ،

1- اللؤلؤ النضید ، ص 38 .
2- فهرست کتابخانه مرعشی، ج 12، ص 143.
3- فهرست کتابخانه مرعشی، ج 1، ص 393.
4- المسلسلات فی الاجازات، ج 2، ص 263.

14) شرح زیاره عاشوراء ، میرزا فتاح بن محمد علی خیابانی تبریزی(1) (م 1372ق)

15) شرح زیارت عاشوراء ، علامه سید اسداللّه اعلم فرزندان حجهالاسلام سیدمحمد باقر شفتی اصفهانی (م 1290ق)(2)

16) شرح زیاره عاشوراء ، سید محمد علی مازندرانی اصفهانی(3) ،

17) شرح زیاره عاشوراء ، سیدحسین فرزند سیدابوالقاسم جعفر خوانساری اصفهانی (جد صاحب روضات) (م 1191ق)(4)

18) شرح زیاره عاشورا ، مؤلف : نامعلوم، نسخه خطی آن به شماره 1 / 10184 در کتابخانه غرب (همدان) (مدرسه آخوند ملاعلی همدانی) موجود است.(5)

19) شرح زیارت عاشورا ، مؤلف: ناشناخته،

نسخه خطی آن به شماره 13 / 10836 در کتابخانه غرب (همدان) موجود است.(6)

1- معجم اعلام الشیعه، ج 1، ص 343 .
2- الذریعه ، ج 13، ص 307 ، ش 1127 .
3- تراجم الرجال، ج3، ص326 .
4- الذریعه ، ج 13، ص 307 ، ش 1128؛ مقدمه منهاج المعارف، ص 180.
5- فهرست کتابخانه غرب، ص 441.
6- فهرست کتابخانه غرب، ص 452.

20) صداق الحور فی شرح زیاره العاشور ، سید ابو محمد حسن بن محمد طباطبایی ساروی مازندرانی (م 1351ق)

این کتاب، شرحی مفصّل بر زیارت عاشورا بوده و تا جمله (علیکم منّی جمیعاً سلام اللّه) را دربر دارد. نسخه خطی آن در مجموعه شماره 43738(رساله هفتم مجموعه) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(1)

21) الصرخه المهدویه الکبری فی زیارهٔ العاشورا ، سیدمهدی غریفی بحرانی (م 1334 ق) ،(2)

این کتاب، شرح زیارت عاشورا و کیفیت خواندن آن، با خاتمه ای در بحث امامت است و خود مؤلف، آن را تلخیص نموده است.

22) الضیائیه ، احتمالاً از: میرزا هدایه اللّه بن میرزا رضا گلپایگانی (م 1330ق) ،

در این کتاب - که مؤلف به نام فرزندش شیخ ضیاءالدین نگاشته - به تفصیل از سند زیارت عاشورا و چگونگی خواندن و ثواب آن و فضایل حضرت سیدالشهدا و تاریخ حرم حسینی بحث شده است.(3)

1- فهرست کتابخانه مجلس، ج 12، ص 83 - 84 .
2- الذریعه ، ج 15، ص 39، ش 238.
3- الذریعه ، ج 15، ص 132.

23) کیفیت زیارت عاشورا ، مؤلف: ناشناخته، نسخه خطی آن (مورّخ 27 ربیع الثانی 1271ق) در 90 برگ جیبی، به شماره 63 - د، در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران موجود است.(1)

24) کیفیه زیاره العاشوراء ،

نسخه خطی آن در مجموعه شماره 881152 (رساله اول) کتابخانه دانشگاه لس آنجلس موجود است(2).

25) زیاره الحسین علیه السلام یوم عاشوراء ، نسخه کتابخانه برلین.

26) ترجمه زیارت عاشورا، علامه ملا محمد باقر مجلسی اصفهانی(1037 - 1110ق) ،

نسخه آن در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی قم به شماره 5908 (رساله هفتم مجموعه) موجود است.

27) رسالهٔ فی کیفیهٔ زیارهٔ العاشوراء ، شیخ عبدالرحیم بن آقا عبدالرحمان کرمانشاهی(3) ، (ت 1305ق)

1- فهرست کتابخانه حقوق، ص 365.
2- نشریه نسخههای خطی، ج 11، ص 713.
3- اعیان الشیعه، ج 7، ص 466.

د. کتاب های خطی فارسی

1) شرح جمله (یا ثاراللّه وابن ثاره) ، شیخ علی اکبر بن محمد امین لاری(1) .

این رساله ، مفصّل بوده و در سال 1284 ق ، تألیف شده و نسخه خطی آن به شماره 4086 در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.

2) شرح زیارت عاشورا ، میراز محمدعلی مدرس چهاردهی نجفی(2) (م 1334ق) ،

این کتاب ، مختصر بوده و نسخه خطی آن به شماره 12370 در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است .

3) شرح زیارت عاشورا، شیخ عباس حایری تهرانی(3) (1298 - 1360ق) ، نسخه آن نزد فرزندش حاج شیخ مهدی حایری تهرانی بوده است .

4) شرح زیارت عاشورا ، سیدحسین بن جعفر موسوی یزدی(4) ،

این کتاب، به صورت پرسش و پاسخ از برخی جمله های زیارت عاشوراست و نسخه خطی آن در کتابخانه وزیری یزد به ش 1419 (مورّخ 1296 ق) در 94 برگ) موجود است.

1- فهرست کتابخانه مرعشی ، ج 11، ص 100.
2- الذریعه ، ج 13، ص 308 (نیز، نسخه خطی شارح به شماره 9375 در همان کتابخانه است) ؛ فهرست الفبایی کتابخانه آستان قدس ، ص 341.
3- نقباءالبشر، ج 4، ص 990؛ گنجینه دانشمندان، ج 4، ص 426 ؛ آثارالحجه، شیخ محمد رازی، ج1، ص 225.
4- فهرست کتابخانه وزیری، ج 3، ص 955.

5) نتایج المأثور فی ترجمه (جنّه السرور فی شرح زیاره العاشور) ، شیخ علی بن ملامحمد جعفر شریعتمداری استرآبادی تهرانی (م 1315ق)،

مؤلف بزرگوار، کتاب جنّه السرور خود را، ترجمه تحت اللفظی نموده و نسخه اصل (ناقص) آن به شماره 3090 در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است. نیز مؤلف، آن را به نام نتیجه النتایج تلخیص نموده است.

6) رساله فی کیفیه زیاره العاشور و بیان طرق الاحتیاط و جمع المحتملات فیها ، علامه شیخ محمد حسین قمشهای نجفی کبیر(1) (م 1336ق)،

نسخه خطی آن در کتابخانه شهید قاضی طباطبایی در تبریز موجود است.

7) رساله فی کیفیه زیاره العاشور، مولا محمدمحسن بن محمد سمیع کاشانی(2) (م1222ق) (از نوادگان فیض کاشانی) ، نسخه خطی آن به شماره 2217 در کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی قم موجود است.

8) شرح زیاره عاشوراء ، سیدبهاءالدین علی بن عبدالکریم (عبدالحمید) الحسینی النیلی النجفی(3) (ق 8)

1- الذریعه، ج 12، ص 79 ، ش 549؛ نشریه نسخههای خطی، ج 7، ص 518 .

2- فهرست کتابخانه گلپایگانی، ج 3، ص 197.

3- الذریعه ، ج 2، ص 500 ؛ فهرست کتابخانه مرعشی، ج 8، ص 313؛ الذریعه، ج 24، ص 47 و 50 .

مؤلف بزرگوار، مصباح المتهجد شیخ طوسی را شرح کرده و از آن جا که زیارت عاشورا در آن مذکور است، مؤلف نیز به شرح زیارت عاشورا پرداخته است. علامه مجلسی درباره آن می نویسد:

این شرح را دیدم، بیشتر به بیان تراکیب الفاظ و ادبیات آن پرداخته و فایده بسیار بر آن متصوّر نیست .

ه. کتاب های اردو

1) زادالمؤمنین ، سیدمحمدتقی نقوی هندی(1) ،

این کتاب ، درباره اعمال عاشورا و زیارات عاشورا و آثار و خواص آن است. لکهنو ، چاپخانه نول کشور.

2) زیارت عاشورا ، نواب سیدحامد حسین خان(2) .

3) زیارت عاشوراکی تعلیمات ، جواد محدثی ، مترجم: جعفرعلی نجم ،

قم ، انتشارات عصمت ، 1421ق، 80 صفحه ، قطع رقعی .

4) زیارت جامعه عاشورا ، ترجمه و تحقیق : سیدمرتضی حسین لکهنوی (1341 - 1407ق)، پاکستان ، شیخ اخترعلی بانگا.

5) شرح و ترجمه زیارت عاشورا ، سید انصار حسین صدر الافاضل(3) (م 1387 ق)

1- الذریعه ، ج 12، ص 11.
2- مصنفین امامیه ، ج 1، ص 452.
3- تذکره علمای امامیه پاکستان ، ص 60.

ص:208

6) شرح و ترجمه زیارت عاشورا و علقمه ، سید مقبول احمد، چاپ دهلی .

7) محرّم و عاشورا (ادعیه ، آداب و اعمال عاشورا) ، شیخ محمدحسن بن ابوالقاسم نجفی کاشانی ، بمبئی ، 1359ق.

منابع و مآخذ

قرآن مجید

اعتقادات الإمامیه و تصحیح الاعتقاد، شیخ صدوق و شیخ مفید ، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، چاپ دوم ، 1414 ق.

اعیان الشیعه،

آثارالحجه، شیخ محمد رازی،

بحارالأنوار ، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ناشر : دار إحیاء التراث العربی ، بیروت ، چاپ دوم ، سال 1403 ق.

بلدالامین،

بهجه الآمال،

تحف العقول ، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ناشر: جامعه مدرسین ، قم ، چاپ دوم ، 1404ق.

تحفه الزائر ، مجلسی ، محمدباقر ، انتشارات مؤسسه امام هادی علیه السلام ، چاپ اول ، 1386ش.

تراجم الرجال،

تنقیح المقال،

توضیح المسائل ، آیت الله العظمی شیخ حسین مظاهری دام ظله .

تهذیب الأحکام ، طوسی، محمد بن الحسن ، ناشر : دار الکتب الإسلامیه ، تهران ، چاپ چهارم ، سال 1407 ق.

حیات طیبه ، معاونت پژوهش مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام ، انتشارات نقش نگین ، اصفهان ، چاپ اول ، 1393ش.

ص:210

الدر المنضود فی شرح زیاره العاشورا، میرزا احمد تبریزی باغمیشه ای، چاپ اول، 1395.

الذریعه الی تصانیف الشیعه ، الشیخ آقا بزرگ الطهرانی، الطبعهالاولی، (م 1316ق)، تهران ، کتابخانه اسلامیه .

رجال بحرالعلوم،

الرجال نجاشی،

روزنامه کیهان

روضاتالجنات، محمدباقر الموسوی الخوانساری، مکتبۀاسماعیلیان، تهران.

ریشهها و جلوههای تشیع و حوزه علمیه اصفهان ، موحد ابطحی ، میر سید حجت ،

زادالمعاد ، مجلسی ، محمدباقر ، انتشارات اسلامیه ، چاپ نهم ، 1379ش.

زیارت عاشورا فراتر از شبهه ، تبریزی ، شیخ جواد،

زیارت عاشورا میراث جاودان عاشورا ، مرعشی ، سید ملک محمد ، راه نیکان ، چاپ اول ، 1392ش.

زیارت عاشورا و داستانهای شگفت آن ، عادی ، سید حمید ، مترجم ، قم ، دارالغدیر ، دوم ، 1379.

زیارۀ عاشورا تحفۀ من السماء ، مسلم الداوری ، موسسه الامام الرضا علیه السلام، قم، 1431ق.، مؤسسه زین العابدین علیه السلام ، چاپ اول ، 1396ش.

زیارۀ عاشورا فی المیزان ، حسین راضی ، بیروت دارالحجۀالبیضاء ، 1429.ق.

سیمای فرزانگان، مختاری ، رضا .

شرح زیارت عاشورا ، مفید بن محمد نبی الشیرازی، (م 1251-1325ق)، تحقیق و تنظیم: محمد حسین درایتی، پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام، 1394ش.

شرح زیارت عاشورا، ملا حبیب الله الشریف الکاشانی (م1340ق)، تحقیق نزار الحسن، دارجلال الدین، قم، 1424ق.

شرح زیارهٔ عاشورا، شیخ ابی المعالی بن محمدا براهیم الکلباسی (م 1315ق) ، تحقیق : شیخ یوسف احمد احسایی، مکتبهٔ فدک لاحیاء التراث، قم، 1428ق.

شفاء الصدور فی شرح زیارهٔ العاشورا ، النوری الطهرانی ، میرزا ابوالفضل ، تحقیق: سید علی موحد الابطحی، الطبعه الثاتلثه، سیدالشهداء علیه السلام ، قم، 14.9 ق .

طرحی نو از زیارت عاشورا ، اسناد ، نسخه شناسی ، آثار و کرامات زیارت امام حسین علیه السلام ، پژوهش و تألیف : کاظمی زرومی ، اسماعیل ، ناشر مهر فاطمه علیها السلام ، چاپ دوم (اول ناشر) ، 1390 ش.

عمده الزائر،

فهرست آستان قدس، چاپ قدیم،

فهرست شیخ طوسی،

فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی

فهرست کتابخانه حقوق،

فهرست کتابخانه سپهسالار

فهرست کتابخانه غرب،

فهرست کتابخانه گلپایگانی،

فهرست کتابخانه مجلس،

فهرست کتابخانه مرعشی،

فهرست کتابخانه وزیری،

فهرست کتابهای چاپی فارسی مشار ،

فهرست کتابهای چاپی فارسی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

قصص العلماء،

کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، تحقیق جواد قیومی، چاپ نشر اسلامی.

کنزالعمال ، متقی، علی بن حسام الدین ، بیروت ، مؤسسه الرساله ، 1364.

الکافی ، کلینی ، محمد بن یعقوب بن اسحاق ، ناشر : دار الکتب الإسلامیه ، تهران ، چاپ چهارم ، 1407 ق .

کامل الزیارات ، ابن قولویه ، جعفر بن محمد، محقق / مصحح : امینی ، عبد الحسین ، ناشر: دار المرتضویه، نجف اشرف ، چاپ اول ، 1356 ش.

گنجینه دانشمندان،

لعنهای نامقدس ، مسائلی مهدی ، نشر آرما ، چاپ اول ، 1393ش .

لؤلؤ البحرین،

اللؤلؤ النضید فی شرح زیارهٔ مولینا ابی عبدالله الشهید علیه السلام ، شیخ نصرالله بن عبدالله التبریزی الشبستری، الامام المهدی علیه السلام ، قم، 1359ق.

مجالس المؤمنین ، قاضی نورالله شوشتری ، چاپ قدیم، 1268 ق .

المحاسن ، برقی، احمد بن محمد بن خالد ، ناشر : دار الکتب الإسلامیه ، قم ، چاپ دوم ، سال 1371 ق .

المداخلات الکاملة فی ردّ مدّعی التزویر، حب الحسین، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت، 1429ق.

المزار الکبیر ، ابن مشهدی ، محمد بن جعفر ، مترجم : فربودی ، محمد ، انتشارات دیوان ، قم ، چاپ اول ، 1389ش .

المزار الکبیر، ابن مشهدی ، محمد بن جعفر ، محقق / مصحح : قیومی اصفهانی ، جواد ، ناشر : دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، قم ، چاپ اول ، 1419 ق .

مستدرک الوسائل ، نوری ، حسین بن محمد تقی ، ناشر : مؤسسه آل البیت علیهم السلام ، قم ، چاپ اول ، سال 1408 ق .

المسلسلات فی الاجازات،

مصباح الزائر،

مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد ، طوسی ، محمد بن الحسن ، ناشر : مؤسسه فقه الشیعه ، بیروت ، چاپ اول ، سال 1411 ق.

المصباح للکفعمی ، کفعمی ، ابراهیم بن علی عاملی ، ناشر : دار الرضی (زاهدی) ، قم ، چاپ دوم ، سال 1405 ق.

معجم اعلام الشیعه ،

مفاتیح نوین ، مکارم شیرازی ، ناصر ،

مکارم الآثار ،

من لا یحضر الفقیه ، شیخ صدوق، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم 1404، ق.

میزان الحکمه ، محمدی ری شهری محمد ، دارالحدیث ، چاپ ، سال .

ص:214

نقباءالبشر،

نور العین فی المشی الی زیارهٔ قبر الحسین علیه السلام ،

هدیه الزائرین،

هفتاد و دو سخن عاشورایی ، بیانات حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنهای دام ظله ،

یوم الحسین علیه السلام ، آیت الله العظمی صافی گلپایگانی ، نشر دارالمرتضی.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آيا كسانى كه مى‌دانند و كسانى كه نمى‌دانند يكسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109